

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی، زبان قرآن (۲)

رشته های ریاضی و فیزیک – علوم تجربی

راهنمای معلم

پایه یازدهم

دوره دوم متوسطه



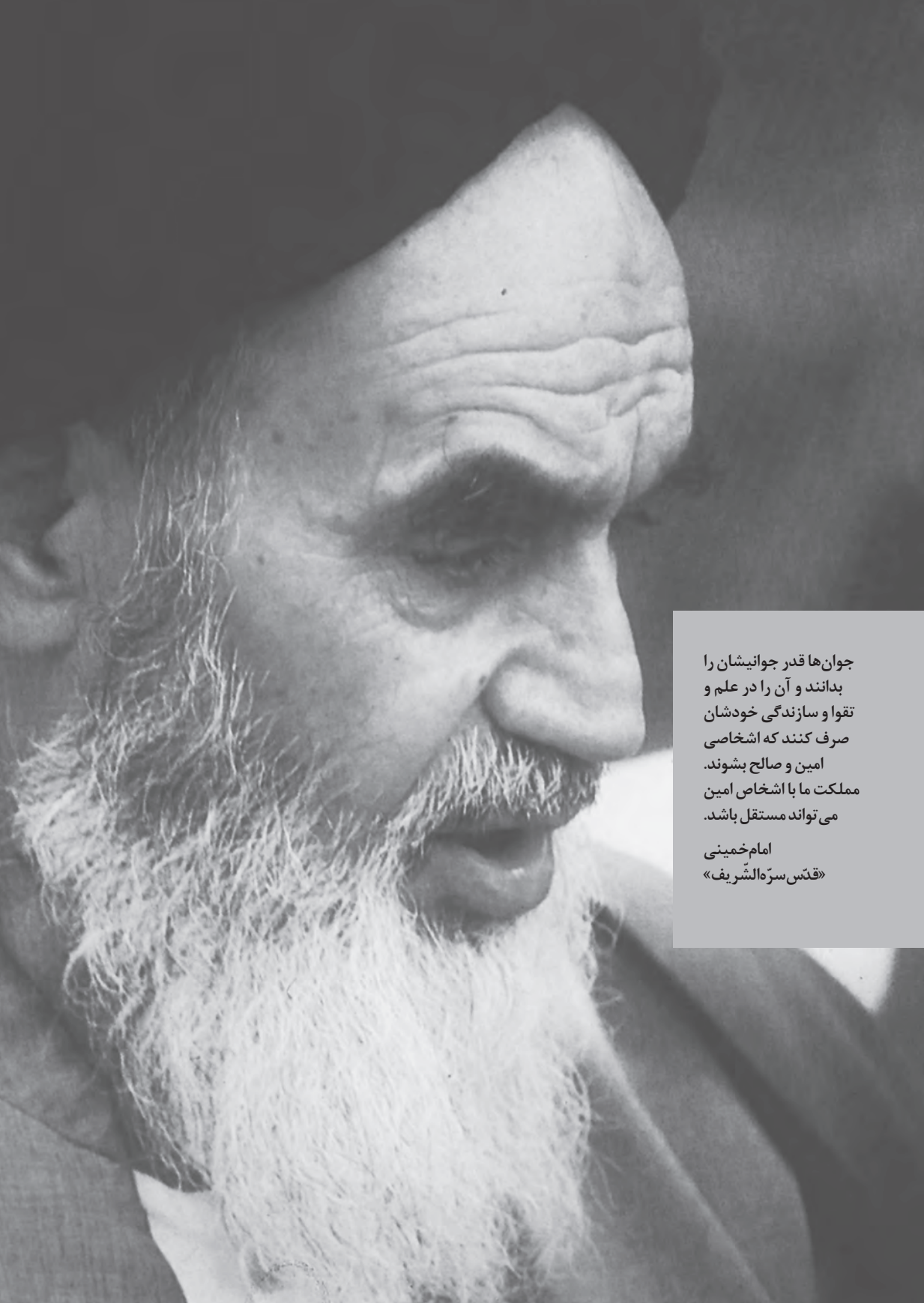
وزارت آموزش و پرورش

سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب:** راهنمای معلم عربی، زبان قرآن (۲) - پایه یازدهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۱۳۶۹
- پدیدآورنده:** سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:** دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:** محی‌الدین بهرام محمدیان، حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، علی چراغی، حسن حیدری، اباذر عباچی، سید محمد دلبری و فاطمه یوسف نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- آماده سازی و نظارت بر چاپ و توزیع:** عادل اشکبوس (مؤلف) - محمد کاظم بهنیا (ویراستار)
اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- شناسه افزوده آماده‌سازی:** لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صغری (مدیر هنری) - رضوان جهانی فریمانی (صفحه‌آرا) - رعنا فرج‌زاده‌دروئی، فاطمه گیتی‌جبین و حمید ثابت‌کلاچاهی (امور آماده‌سازی)
- نشانی سازمان:** تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- ناشر:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- چاپخانه:** شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
- سال انتشار و نوبت چاپ:** چاپ اول ۱۳۹۶

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۹۰۳-۴

ISBN: 978-964-05-2903-4



جوان‌ها قدر جوانیشان را
بدانند و آن را در علم و
تقوا و سازندگی خودشان
صرف کنند که اشخاصی
امین و صالح بشوند.
مملکت ما با اشخاص امین
می‌تواند مستقل باشد.

امام خمینی
«قدس سره الشریف»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز، ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

مقدمه

بخش اول : طرح درس ۱

بخش دوم : بارم بندی و نمونه سؤال امتحانی ۱۱

بخش سوم : توضیحات مشترک در تدریس ۳۵

بخش چهارم : محتوای کتاب و چگونگی آموزش درس ها ۵۹

۶۰ الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

۶۹ الدَّرْسُ الثَّانِي

۷۶ الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

۸۳ الدَّرْسُ الرَّابِعُ

۹۴ الدَّرْسُ الْخَامِسُ

۱۰۱ الدَّرْسُ السَّادِسُ

۱۱۰ الدَّرْسُ السَّابِعُ

۱۲۲ متون کوتاه برای تمرین در کلاس

۱۳۷ دربارهٔ طرح رو و پشت جلد

مقدمه

آگاهی یافتن از اهداف برنامه درسی، یاری رسانندهٔ دبیر در رسیدن به اهداف آموزشی است. معلّمی که پیش از تدریس، کتاب معلّم را مطالعه می‌کند، در تدریس قطعاً موفق‌تر از معلّمی است که بدون بررسی این کتاب شروع به تدریس می‌کند. آگاهی از رویکرد و شیوه‌های تدریس کتاب نونگاشت، امری شایسته و بایسته است.

برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب درسی تلاش می‌کنند تا رویکرد تألیف کتاب نونگاشت و نیز روش‌های تدریس مورد انتظار برنامه درسی را تبیین کنند، اما گاهی نتایج ارزشیابی از برنامه‌های درسی نشان‌دهندهٔ فاصلهٔ میان برنامهٔ قصدشده و برنامهٔ اجرا شده است. یکی از اموری که در این باره می‌تواند تا حدودی مشکلات را حل کند، «کتاب راهنمای معلّم» است.

مدارس برای تدریس در نظام آموزشی ایران اغلب به کتاب درسی متکی هستند و کمتر دربارهٔ شیوه‌های تدریس و یادگیری و امکان تعدیل محتوای کتاب درسی و مطابقت آن با نیازهای دانش‌آموزان می‌اندیشند. گاهی حتی برخی به کتابی که خودشان در دورهٔ دانش‌آموزی خوانده‌اند، یا کتابی که قبلاً تدریس داشته‌اند همچنان وفادار می‌مانند. برای برخی معلّمان دشوار است که شیوهٔ تدریس خود را تغییر دهند. این گروه اندک، آنچه را قبلاً آموخته‌اند درست می‌دانند و دست‌بردار از شیوه‌های منسوخ نیستند. هنوز گروهی هستند که درس عربی را فقط صرف انواع فعل و ضمیر و اسم اشاره و مانند آنها می‌دانند. برای این گروه، مهارت‌های شنیدن، خواندن و سخن گفتن بی‌معناست؛ زیرا در گذشته خودشان نیز این‌گونه آموزش دیده‌اند.

با تغییر رویکرد کتاب‌های درسی عربی به صورت «پرورش مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی به منظور فهم بهتر قرآن و متون دینی و زبان و ادبیات فارسی» بسیاری از دبیران در پی دانش‌افزایی خویش برآمدند.

فلسفهٔ آموزش عربی در ایران چیست؟

در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این‌گونه آمده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی، عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان

باید پس از دورهٔ ابتدایی تا پایان دورهٔ متوسطه در همهٔ کلاس‌ها و در همهٔ رشته‌ها تدریس شود.»

در «برنامهٔ درسی ملی» در مورد قلمرو حوزهٔ درس عربی چنین آمده است:

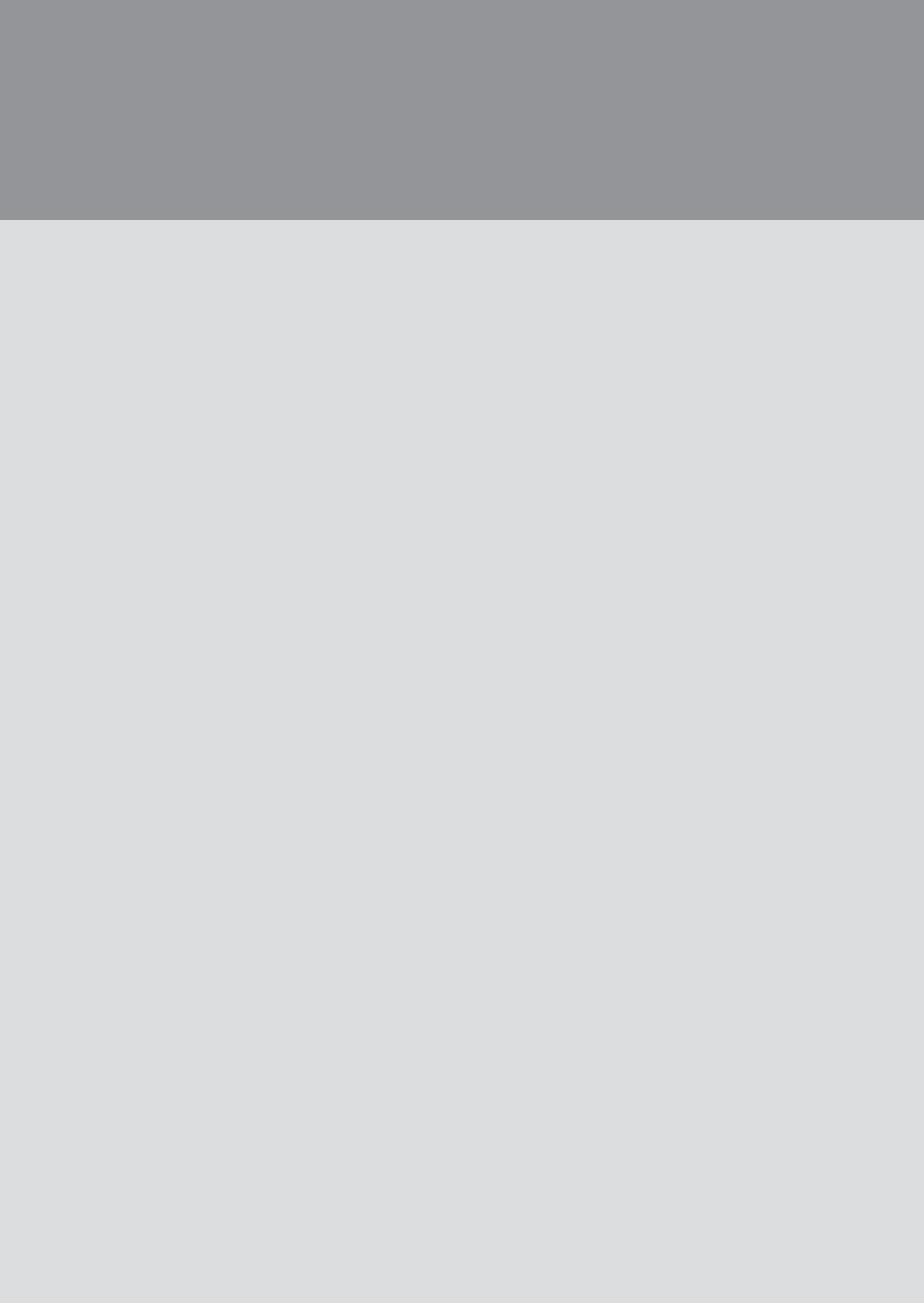
«... آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی، یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین علیهم‌السلام و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد.»

در «برنامهٔ درسی عربی» نیز دربارهٔ رویکرد و شیوهٔ نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی چنین آمده است:

- ۱- رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی برای فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن محوری به جای قاعده محوری.
- ۲- کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند آسیمی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد. در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی.

شایستگی مورد نظر برنامهٔ درسی عربی از دانش‌آموزان:

دانش‌آموزان باید بتوانند در پایان دورهٔ دوم متوسطه، به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به دورهٔ اول متوسطه دست یابند. دانش‌آموز در متوسطهٔ اول حدود ۸۲۰ واژهٔ پرکاربرد زبان عربی را یاد می‌گیرد. با احتساب جمع‌های مکسر، تعداد واژگان ۸۵۰ واژه است. این واژه‌ها علاوه بر اینکه در زبان عربی پربسامدند، در متون دینی و ادبی ما نیز کاربرد فراوان دارند. کلمات به کار رفته در کتاب‌های عربی هفتم تا یازدهم، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند. در این کتاب، حدود ۳۰۰ کلمهٔ پرکاربرد به کار رفته است و افزون بر آن، نزدیک به ۱۲۰۰ واژهٔ کتاب‌های پیشین نیز در کتاب یازدهم تکرار شده‌اند؛ پس در حقیقت هدف این کتاب، آموزش حدود ۱۵۰۰ واژهٔ پربسامد زبان عربی است. ۵۵۲ واژه از ۸۵۰ واژهٔ سه کتاب متوسطهٔ اول کاربرد قرآنی داشتند. در سه کتاب دورهٔ دوم متوسطه نیز این گونه خواهد شد.



بخش اول

طرح درس

به نام خدا طرح درس روزانه پیشنهادی - کتاب عربی رشته‌های ریاضی فیزیک و علوم تجربی پایه یازدهم				
نام دبیر:		تاریخ:		نام مدرسه:
درس:	موضوع درس:	صفحه:	مدت:	تهیه کننده:
اول	مِنْ آیَاتِ الْأَخْلَاقِ	۱ تا ۱۴	۷۵ دقیقه	
الف) بخش نظری: اهداف				
۱	رئوس مطالب	۱. صفحه ورود به درس ۲. متن درس ۳. واژه‌های جدید ۴. درک مطلب ۵. قواعد		
۲	هدف‌های درس	دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند: ۱. واژه‌های جدید درس را از عربی به فارسی ترجمه کند. ۲. متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند. ۳. اسم تفضیل را در حالت‌های مختلف تشخیص دهد، در جمله بشناسد و درست ترجمه کند. ۴. اسم مکان را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.		
۳	ارزشیابی تشخیصی	نتایج ارزشیابی زیر، نقطه شروع آموزش را مشخص می‌کند. ۱. برای صفت ساده، برتر و برترین در زبان فارسی مثال بزند؛ مثال: زیبا، زیباتر و زیباترین. ۲. برای اسم مکان در زبان فارسی مثال بزند؛ مثال: فروشگاه، آشپزخانه، دانشکده، مهمانسرا و ...		
		نتیجه	در صورت پاسخ به این سؤالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.	

تهیه طرح درس به منظور سامان‌دهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات دیگران است. بیشتر دبیران توانا پس از چند سال تدریس، عملاً طرح درس را در ذهن خود دارند. در طرح درس باید به ارزشیابی مستمر و دریافت بازخورد از یادگیری دانش‌آموز که در چنین آموزشی روی می‌دهد توجه شود.

ب- فرایند آموزش:			
مراحل تدریس و تنظیم محتوا			
۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه			
زمان	شرح	مراحل تدریس	
۳	۱- سلام و احوالپرسی ۲- حضور و غیاب ۳- قبل از شروع تدریس، معلّم باید روش‌های مربوط به یاددهی و یادگیری مورد نظر خودش را مشخص کند.	معارفه	۱
۵	اهمّیت آموختن اسم تفضیل و اسم مکان را در زبان برای دانش‌آموز شرح می‌دهیم. ۱. اشاره به کاربرد فراوان این دو نوع اسم در زبان ۲. اشاره به متن «حوار فی سوق مشهد» و جایگاه مهم این گفت‌وگو در موقعیت‌های واقعی در زندگی	ایجاد انگیزه	۲
۲	در ادامه پرسش و پاسخ‌های بالا می‌گوییم: دانش‌آموزان گرامی، در این درس با این موضوعات آشنا می‌شویم. بهره‌گیری از آیات اخلاقی ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات برای آشنایی دانش‌آموزان با زبان قرآن	معرفی درس و بیان اهداف	۳

ب- فرایند آموزش:			
مراحل تدریس و تنظیم محتوا			
۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه			
زمان	شرح	مراحل تدریس	
۴۵	این درس در سه جلسه به راحتی قابلیت تدریس دارد. جلسه نخست: ترجمه متن درس توسط دانش آموز با توجه به الْمُعْجَم و حَلّ درک مطلب؛ از کتاب گویا برای روان خوانی کلمات معجم و متن درس کمک می‌گیریم. دانش‌آموزان متن درس را قرائت و به کمک واژه‌نامه و زیر نظر دبیر، ترجمه می‌کنند. جلسه دوم: قرائت و توضیح بخش «اعلموا» و تمرین بخش «جوار» بخش «اعلموا» را دانش‌آموزی با صدای خوش و رسا می‌خواند و درباره آن سؤال می‌کنیم؛ دانش‌آموزان را شناسایی می‌کنیم تا هر جلسه یکی از آنها قرائت کند. ^۱ جلسه سوم: حَلّ تمرینات و ارائه گزارش دانش‌آموزان داوطلب که بخش «پژوهش» را انجام داده‌اند.	شروع تدریس و ارائه درس	۴
۵	با استفاده از قلم رنگی، از دانش‌آموزان می‌خواهیم خلاصه قواعد درس را رنگی کنند. از یکی از دانش‌آموزان می‌خواهیم که درس را در چند جمله کوتاه خلاصه کند. در صورتی که درست خلاصه نکرد، ما درس را خلاصه می‌کنیم.	خلاصه درس و نتیجه‌گیری	۵
۱۰	این موارد را از دانش‌آموز می‌خواهیم: ۱. برای اسم تفضیل و اسم مکان، از دستور زبان فارسی و عربی مثال بزند. ۲. شبیه متن جوار، درس را در کلاس اجرا کند.	ارزشیابی بعد از تدریس	۶

۱. برای قرائت متن درس و بخش مکالمه باید همه دانش‌آموزان فعال باشند؛ حتی اگر خوش‌صدا نباشند.

ب- فرایند آموزش: مراحل تدریس و تنظیم محتوا ۷۵ دقیقه از ۹۰ دقیقه			
زمان	شرح	مراحل تدریس	
-	حل داوطلبانه تمرینات درس به منظور آمادگی بهتر در جلسه آینده	تکلیف	۷
۳	یافتن کلمات اسم تفضیل و اسم مکان در قرآن و حدیث با استفاده از نرم افزار و اینترنت یافتن «داستان»، «آیا می دانید که» و «ابتسامات» به زبان عربی یافتن وب نوشت (وبلاگ)، وب گاه، نرم افزار آموزشی، پرده نگار (پاورپوینت) و تصاویر آموزشی مناسب	معرفی فعالیت های خلاقانه	۸
۷۵	زمان تقریبی		

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی کتاب «عربی، زبان قرآن (۲)» پایه یازدهم، رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی						
ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فعالیت	
مهر	اول	۱		۱	معارفه و شروع تدریس نخستین درس کتاب: قرائت و ترجمه متن و حل بخش درک مطلب	نیمسال اول
	دوم	۲		۱	قرائت بخش قواعد درس اول توسط دانش آموز و پاسخ به پرسش های احتمالی دانش آموزان و قرائت و ترجمه متن جوار و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده	
	سوم	۳		۱	حل تمرینات درس اول، پرسش های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	
	چهارم	۴		۱	آزمون کتبی کوتاه، یا ادامه تدریس درس اول؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	
آبان	اول	۵		۲	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب	
	دوم	۶		۲	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش آموزی خوش صدا همراه با توضیح و پرسش معلم	
	سوم	۷		۲	حل تمرینات درس دوم، پرسش های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	
	چهارم	۸		۲	آزمون کتبی کوتاه؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی کتاب «عربی، زبان قرآن (۲)» پایه یازدهم، مشترک کلیه رشته‌ها						
ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فعالیت	
آذر	اول	۹		۳	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب	
	دوم	۱۰		۳	قرائت بخش «إِغْلَمُوا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه با توضیح و پرسش معلم؛ و قرائت و ترجمه متن حِوَار و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش‌آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده	
	سوم	۱۱		۳	حل تمرینات درس سوم، پرسش‌های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	
	چهارم	۱۲		۳	آزمون کتبی کوتاه؛ گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش‌آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	
دی	اول	۱۳		۴	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب	
	دوم	۱۴		امتحانات	برگزاری امتحانات نوبت اول	
	سوم	۱۵		امتحانات	ادامه برگزاری امتحانات نوبت اول	
	چهارم	۱۶		۴	قرائت بخش «إِغْلَمُوا» توسط دانش‌آموزی خوش‌صدا همراه با توضیح و پرسش معلم	

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی کتاب «عربی، زبان قرآن(۲)» پایه یازدهم، مشترک کلیه رشته ها						
ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فَعَالِيَت	
بهمن	اوّل	۱۷		۴	حلّ تمرینات درس چهارم، پرسش های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	نیمسال دوم
	دوم	۱۸		۵	قرائت و ترجمه متن درس و حلّ درک مطلب	
	سوم	۱۹		۵	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش آموزی خوش صدا همراه با توضیح و پرسش معلم؛ و قرائت و ترجمه متن جوار و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده	
	چهارم	۲۰		۵	حلّ تمرینات درس پنجم، پرسش های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	
اسفند	اوّل	۲۱		-	امتحان درس های ۴ و ۵	
	دوم	۲۲		۶	قرائت و ترجمه متن درس و حلّ درک مطلب	
	سوم	۲۳		۶	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش آموزی خوش صدا همراه با توضیح و پرسش معلم	
	چهارم	۲۴		۶	حلّ تمرینات درس ششم، پرسش های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی کتاب «عربی، زبان قرآن (۲)» پایه یازدهم، مشترک کلیه رشته ها						
ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فعالیت	
فروردین	اول	۲۵		----	تعطیل عید نوروز	
	دوم	۲۶		----	تعطیل عید نوروز	
	سوم	۲۷		۷	قرائت و ترجمه متن درس و حل درک مطلب	
	چهارم	۲۸		۷	قرائت بخش «اعلموا» توسط دانش آموزی خوش صدا همراه با توضیح و پرسش معلم؛ و قرائت و ترجمه متن جوار و ایجاد انگیزه برای داوطلب شدن دانش آموزان برای اجرای نمایشی این بخش در جلسه آینده	
اردیبهشت	اول	۲۹		۷	حل تمرینات درس هفتم، پرسش های شفاهی، گزارش نتیجه بخش «پژوهش» دانش آموزان داوطلب و نهادن آن در تابلوی اعلانات، یا وبلاگ مدرسه در صورت داشتن زمان مناسب	
	دوم	۳۰		امتحان	آزمون درس های ۶ و ۷	
	سوم	۳۱		دوره	حل نمونه سوال پایانی و رفع اشکال	
	چهارم	۳۲		دوره	حل نمونه سوال پایانی و رفع اشکال	



بخش دوم

بارم‌بندی و نمونه سؤال امتحانی

<p>بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) مشترک رشته‌های ریاضی و فیزیک و علوم تجربی پایه یازدهم نوبت اول^۱ (از درس اول تا پایان متن و درک مطلب درس چهارم)، بارم‌بندی نوبت اول رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش متفاوت است. (بارم‌بندی رشته‌های فنی از کل درس اول و نیمی از درس دوم شامل متن و درک مطلب آن است.)^۲</p>					
مهارت‌های زبانی	موضوع	جمع	نمره	مهارت‌های زبانی	
الف: مهارت واژه‌شناسی	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (دو مورد و زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۱	۰/۵	ب: مهارت ترجمه به فارسی	
	مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۲	۰/۵		
	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۳	۰/۵		
	نوشتن مفرد یا جمع اسم (در حد اسم‌های خوانده شده)	۴	۰/۵		
ب: مهارت ترجمه به فارسی	ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «إِعْلَمُوا»	۵	۷ نمره	ب: مهارت ترجمه به فارسی	
	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۶			۰/۵
	تکمیل ترجمه ناقص (شش جای خالی)	۷			۱/۵

۱. توضیحات پاورقی بارجمعی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند؛ لذا حتماً پیش از طرح سؤال، به پاورقی بارجمعی نوبت دوم مراجعه کنید.

۲. در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش که هفته‌ای یک ساعت برنامه درسی عربی دارند، امتحان میان نوبت اول از یک درس و نیم است (یعنی کل درس اول و متن و درک مطلب از درس دوم). برای امتحان نوبت اول رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش یک بارجمعی مجزا نوشته شده است.

این بارجمعی برای عربی پایه یازدهم رشته‌های ریاضی و تجربی و همچنین برای امتحان خردادماه پایه دوازدهم رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش اعمال می‌شود.

جمع	نمره	موضوع	نمره	مهارت‌های زبانی
۷ نمره	۱/۵	ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون و قایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند دَحَلَّ و حَرَجَّ یا در قالب مصوّر (ارتباط دادن جملات به تصاویر) (شش مورد)	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۰/۷۵	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله یا تشخیص نوع فعل، یا هر سؤال ابداعی دیگر که مهارت تشخیص نوع فعل را بسنجد. (سه مورد)	۹	
	۰/۵	تشخیص اسم مکان و ترجمه آن در جمله	۱۰	
	۱	تشخیص اسم تفضیل و ترجمه دقیق آن در جمله	۱۱	
	۱	ترجمه دقیق جمله با اسلوب شرط	۱۲	
	۰/۵	تشخیص فعل شرط و جواب آن	۱۳	
	۱/۲۵	تشخیص محلّ اعرابی (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، مضاف‌الیه، صفت، جار و مجرور، یا مجرور به حرف جر)	۱۴	
	۰/۷۵	تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه	۱۵	
	۰/۲۵	عدد اصلی یا ترتیبی	۱۶	

جمع	شماره	موضوع	شماره	مهارت‌های زبانی
۳ نمره	۱/۵	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد) یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله با جای خالی که باید با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال سه گزینه‌ای)	۱۷	د: مهارت درک و فهم
	۱/۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده) یا ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی؛ یا در هر دو مورد ۱۳ و ۱۴ هر شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد.	۱۸	
۰/۵ نمره	۰/۲۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی، یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده	۱۹	ه: مهارت مکالمه
	۰/۲۵	طرح سؤال از بخش حوار مانند (جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارت‌های کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...	۲۰	

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) پایه یازدهم، درس مشترک رشته‌های ریاضی و تجربی نوبت دوم ^۱				
مهارت‌های زبانی	نمره	موضوع	جمع	نمره
الف: مهارت واژه‌شناسی	۱	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (دو مورد و زیر کلمات خط کشیده می‌شود).	۰/۵	۲ نمره
	۲	تعیین کلمات مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۰/۵	
	۳	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه ^۲ (دو مورد)	۰/۵	
	۴	نوشتن مفرد یا جمع اسم ^۳ (در حد اسم‌های خوانده شده)	۰/۵	
ب: مهارت ترجمه به فارسی	۵	ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «اعلموا»	۵	۷ نمره
	۶	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
	۷	تکمیل ترجمه ناقص (شش مورد)	۱/۵	

- توضیحات پاورقی بارم‌بندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند.
- طرح این سؤال دشوار است. نباید دانش‌آموز در انتخاب دو گزینه سرگردان شود؛ مثال: نافذة، جِدار، باب، صدر. پاسخ: ← نافذة مؤنث است بقیه مذکر؛ پاسخ: ← «پنجره و در و دیوار» در یک گروه‌اند و «سینه» از اعضای بدن است و با سه کلمه دیگر فرق دارد. ذَهَبٌ، اِسْتَرَجَعَا، يَعْمَلُونَ، فَتَحَ. پاسخ: ← ذَهَبٌ مؤنث و بقیه مذکرند. يَعْمَلُونَ مضارع و بقیه ماضی‌اند. سوم شخص مفرد ماضی استرجع بیش از سه حرف است و بقیه فقط سه حرف است؛ از سوی دیگر اصلاً این سؤال از قواعد است نه از معنا.
- هرچند در بارم‌بندی این سؤال نیم نمره‌ای در بخش ترجمه آمده است؛ اما در اصل مربوط به قواعد است.

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) پایه یازدهم، درس مشترک رشته‌های ریاضی و تجربی نوبت دوم

۷/۵ نمره	۱	ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مجهول، مستقبل، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند دَخَلَ و خَرَجَ؛ یا در قالب مصوّر (ارتباط دادن جملات به تصاویر) شش مورد	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۱	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل، یا هر سؤال ابدایی دیگر که مهارت تشخیص نوع فعل را بسنجد. (چهار مورد)	۹	
	۰/۵	شناخت اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه، اسم تفضیل و اسم مکان	۱۰	
	۰/۵	عدد اصلی و ترتیبی	۱۱	
	۰/۵	ترجمه دقیق جمله بعد از اسم نکره	۱۲	
	۱	ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» در جمله؛ یا سؤال سه گزینه‌ای از فعل مضارع دارای این حروف	۱۳	
	۱	ترجمه دقیق فعل مضارع دارای حروف «لَمْ، لِي، لا» در جمله؛ یا سؤال سه گزینه‌ای از فعل مضارع دارای این حروف	۱۴	
	۱	ترجمه دقیق افعال ناقصه «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ» در جمله (تأکید در طراحی سؤال بر شکل‌های مختلف فعل كان است)	۱۵	
۱	محلّ اعرابی (تشخیص نقش کلمات: فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، مضافّ الیه، صفت، جار و مجرور، مجرور به حرف جر)	۱۶		

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) پایه یازدهم، درس مشترک رشته‌های ریاضی و تجربی نوبت دوم				
۳ نمره	۱/۵	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد)؛ یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه‌های مناسب (سؤال سه گزینه‌ای)	۱۷	د: مهارت درک و فهم
	۱/۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده)؛ یا (ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی) یا در هر دو مورد ۱۵ و ۱۶ هر شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد.	۱۸	
۰/۵ نمره	۰/۲۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی؛ یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده ^۱	۱۹	ه: مهارت مکالمه
	۰/۲۵	طرح سؤال از بخش حوار (مانند جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارتهای کتاب)، پرکردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)	۲۰	

۱. پیشنهاد می‌شود سؤال با توجه به تصویر طراحی شود؛ مثلاً با توجه به تصویر میزی که کیفی روی آن قرار دارد سؤال شود: «ماذا عَلَى الْمِنْصَدَةِ؟» و پاسخ‌های «حقیبه»، «الحقیبه»، «على المنصدة حقیبه»، «الحقیبه على المنصدة». همه پاسخ‌ها را می‌پذیریم؛ زیرا در همه این پاسخ‌ها دانش آموز متوجه سؤال شده و پاسخ‌های کوتاه، یا بلند او همگی اشاره به موفقیت او دارند.

بارم‌بندی امتحان نوبت اول کتاب عربی پایه دوازدهم رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش با سایر رشته‌ها متفاوت است؛ زیرا دانش‌آموزان این رشته‌ها هفته‌ای یک ساعت درس عربی دارند و امتحان آنها از درس اول، دوم، سوم و نیمه اول درس چهارم تا پایان متن درس و درک مطلب آن است.

بارم‌بندی امتحان نوبت دوم این رشته‌ها همان بarm‌بندی نوبت اول رشته‌های ریاضی و تجربی است.

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش پایه یازدهم نوبت اول ^۱ (کل درس اول و نیمی از درس دوم شامل متن و درک مطلب) ^۲				
مهارت‌های زبانی	نمره	موضوع	جمع	نوع
الف: مهارت واژه‌شناسی	۱	نوشتن معنای کلمه از عربی به فارسی در جمله (دو مورد از کلمات که زیر آنها خط کشیده می‌شود).	۰/۵	۲ نمره
	۲	مترادف و متضاد (دو مورد همانند تمرینات کتاب)	۰/۵	
	۳	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا در میان چهار کلمه (دو مورد)	۰/۵	
	۴	نوشتن مفرد، یا جمع اسم (در حد اسم‌های خوانده شده)	۰/۵	
ب: مهارت ترجمه به فارسی	۵	ترجمه جملات کتاب از عربی به فارسی از متن، تمرین و بخش «اعلموا»	۵	۷ نمره
	۶	انتخاب گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
	۷	تکمیل ترجمه ناقص (شش جای خالی)	۱/۵	

۱. توضیحات پاورقی بarm‌بندی نوبت دوم در نوبت اول نیز مصداق دارند؛ لذا حتماً پیش از طرح سؤال به پاورقی بarm‌بندی نوبت دوم مراجعه کنید.

۲. در رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش که هفته‌ای یک ساعت برنامه درسی عربی دارند، امتحان میان نوبت اول از یک درس و نیم است (یعنی کل درس اول و متن و درک مطلب از درس دوم). این بarm‌بندی برای عربی پایه یازدهم رشته‌های ریاضی و تجربی و همچنین برای امتحان خرداد ماه پایه دوازدهم رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش اعمال می‌شود.

بارم بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) رشته های فنی و حرفه ای و کاردانش پایه یازدهم نوبت اول (کُل درس اول و نیمی از درس دوم شامل متن و درک مطلب)				
۷/۵ نمره	۱/۵	ترجمه دقیق فعل های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه های ساده ای مانند دَخَلَ و حَرَجَ؛ یا در قالب مصوّر (ارتباط دادن جملات به تصاویر) (شش مورد)	۸	ج: مهارت شناخت و کاربرد قواعد
	۱	تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی و نیز مصدر مناسب برای جای خالی در جمله، یا تشخیص نوع فعل، یا تشخیص کلمه ناهمبند از نظر معنا میان چند کلمه (سه مورد)	۹	
	۱/۵	تشخیص اسم مکان و ترجمه آن در جمله	۱۰	
	۱/۵	تشخیص اسم تفضیل و ترجمه دقیق آن در جمله	۱۱	
	۱	تشخیص محلّ اعرابی (فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، مضاف الیه، صفت، جار و مجرور، یا مجرور به حرف جر)	۱۲	
	۰/۵	تشخیص اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه	۱۳	
	۰/۵	عدد اصلی، یا ترتیبی	۱۴	
۳ نمره	۱/۵	سؤال جورکردنی از مفهوم واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به توضیحات ستون دوم» (شش مورد)؛ یا ارائه هشت کلمه که دو تا اضافه است و شش جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب کامل شود. یا پر کردن جاهای خالی با گزینه های مناسب (سؤال سه گزینه ای)	۱۵	د: مهارت درک و فهم
	۱/۵	درک مطلب (ارائه متن و طراحی شش سؤال حتی الامکان با شش کلمه پرسشی خوانده شده) یا ارائه شش جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم هر جمله یا بر اساس متن ارائه شده در برگه امتحانی؛ یا در هر دو مورد ۱۳ و ۱۴ هر شیوه ابتکاری دیگری که مهارت درک و فهم را بسنجد.	۱۶	

بارمبندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن (۲) رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش پایه یازدهم نوبت اول (کل درس اول و نیمی از درس دوم شامل متن و درک مطلب)				
۰/۵ نمره	۰/۲۵	پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی؛ یا پاسخ به سؤال با توجه به تصویر ارائه شده	۱۷	مهارت مکالمه هـ:
	۰/۲۵	طرح سؤال از بخش حوار مانند (جمله‌سازی با کلمات پراکنده حداکثر شش تکه از عبارتهای کتاب)، پر کردن جای خالی با کلمات ارائه شده، دو گزینه‌ای و ...)	۱۸	

تذکرات برای طراحان سؤالات امتحانی

- ۱ سؤالات امتحان، کنکور و مسابقات باید کاملاً حرکت‌گذاری شوند.
- ۲ نباید صورت سؤال از نظر ساختاری و واژگانی، نادرست و نامفهوم باشد.
- ۳ در طراحی سؤال امتحان نوبت اول، طراح مجاز است تا یک نمره در بarmبندی تغییراتی اجرا نماید؛ ولی در نوبت دوم، بarmبندی باید دقیقاً رعایت شود.
- ۴ حجم اصلی سؤالات امتحانی ترجمه از عربی به فارسی و کاربرد واژگان است که باید تنوع داشته باشد.
- ۵ در بسیاری از موارد سؤالات بخش‌های مختلف با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد؛ مثلاً در بخش مهارت ترجمه، امکان دارد در یک جمله، چند مفهوم مختلف هم‌زمان بیاید.
- ۶ فونت‌های زیر برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:
(عثمان طه) KFGQPC Uthman Taha NaskhT ، Adobe Arabic ، Simplified Arabic ،
Traditional Arabic ، B Badr
- ۷ طرح سؤال امتحان نوبت اول (دی ماه) و دوم (خرداد ماه) از بیست نمره است.
- ۸ طرح سؤال امتحان کتبی میان نوبت اول و دوم از پانزده نمره است. معمولاً برای

امتحان میان‌نوبت بارم‌بندی تعیین نمی‌شود. اگر دبیری علاقه‌مند است که بر اساس بارم‌بندی خاصی سؤال طرح نماید، می‌تواند این‌گونه عمل کند:

مهارت واژه‌شناسی از ۲ نمره به ۱ نمره و مهارت ترجمه به فارسی از ۷ نمره به ۵ نمره و مهارت درک و فهم از ۳ نمره به ۲ نمره و قواعد از ۷/۵ نمره به ۶/۵ نمره کاهش می‌یابد. در نتیجه ۵ نمره کاسته و برای نمره شفاهی منظور می‌شود (حدوداً ۴ نمره روخوانی و ۱ نمره مکالمه).

در مکالمه، مشابه این سؤالات مطرح می‌شود.

مِنَ أَيْنَ أَنْتَ؟ كَمْ عَمْرُكَ؟ كَيْفَ حَالُكَ؟ أَيْنَ بَيْتُكَ؟ أَيْ فَاكِهَةٌ تَحَبُّ؟ مَتَى تَرْجِعُ إِلَى بَيْتِكَ؟ كَمْ السَّاعَةُ؟ مَا هُوَ لَوْنُ الْبَابِ؟ لِمَاذَا تَدْرُسُ؟ مَاذَا تَأْكُلُ لِلْعَدَاءِ؟ هَلْ أَنْتَ نَشِيطٌ؟ أَدَفْتَرُ عَلَى الْمُنْضَدَةِ أَمْ كِتَابٌ؟ لِمَنْ تِلْكَ الْحَقِيبَةُ؟

۹ در سؤال شماره ۸: (ترجمه دقیق فعل‌های ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی استمراری، امر، نهی، نفی، مستقبل، مجهول، فعل دارای نون وقایه و مصدر در جملات ساده و با ریشه‌های ساده‌ای مانند دَخَلَ و حَرَجَ) قرائنی مانند اسم و ضمیر باید در جمله وجود داشته باشد، تا دانش‌آموز بتواند به کمک آنها فعل مورد نظر را دقیق ترجمه کند.

۱۰ در بخش قواعد، شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل ماضی، مضارع، امر و نهی در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی و نیز ترجمه از عربی به فارسی است؛ مثال:

أَكْتُبُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلًا مُنَاسِبًا. يَا أَخِي، رَجَاءً، ... إِلَى بَيْتِكَ. (ارْجِعْ □) (ارْجِعُوا □)
تَرْجِمِ الْكَلِمَةَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطًّا. يَا إِخْوَتِي، مِنْ فَضْلِكُمْ، ارْجِعُوا إِلَيَّ بِيُوتِكُمْ.

۱۱ در سؤالات چندگزینه‌ای، دو یا سه گزینه ارائه می‌شود (اما در بخش کلمات ناهماهنگ چهار کلمه داده می‌شود).

۱۲ ترجمه جمله، یا کلمه از فارسی به عربی در هیچ آزمون، یا مسابقه‌ای طرّاحی نمی‌شود.

۱۳ طرح سؤال از فعل‌هایی مانند «تَعَلَّمُوا» که می‌توانند ماضی، یا امر باشند باید در

جمله و همراه قرائن مناسب باشد و اگر در امتحان از طرح چنین سؤالاتی خودداری شود بهتر است.

۱۴ در تشخیص و ترجمه فعل‌های ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی منفی، مضارع منفی و مستقبل و نیز مصدر در جمله باید فقط موارد صحیح و سالم طرّاحی شود و اگر از غیر صحیح و سالم سؤالی طرح شد، نباید تغییراتی مانند اعلال حذف داشته باشد.

۱۵ آموزش و ارزشیابی مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود و مطابقت موصوف و صفت مطلقاً از اهداف کتاب درسی نیست. حفظ عددهای اصلی یک تا صد و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم از اهداف کتاب است.

۱۶ طرح سؤال در مورد تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب، برای جای خالی در جمله با توجه به قرائن در قالب سؤال چندگزینه‌ای اشکالی ندارد؛ ولی باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست:

ضمیر منفصل منصوب مانند **إِيَّاكَ**؛ تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی مانند **هَذَانِ** و هذین، کاربرد هذّه و تلك برای اشاره به اسم غیر عاقل.

۱۷ پر کردن جای خالی در بخش «حوار» در امتحان باید منطقی باشد. طبیعی است که حفظ متن، دشوار است. به‌عنوان مثال، پیشنهاد می‌شود متن «حوار» داده شود و چهار جای خالی داشته باشد و هشت کلمه ارائه شود تا دانش‌آموز از آنها در جای خالی استفاده کند. در ترجمه عربی به فارسی نیز می‌توان نیم نمره از این بخش طرّاحی کرد.

۱۸ در تشخیص ضمیر و اسم اشاره مناسب برای جای خالی در جمله، با توجه به قرائن باید توجه داشت که چنین مواردی از اهداف کتاب درسی نیست:

ضمیر منفصل منصوب؛ مانند **إِيَّاكَ**؛ تشخیص کاربرد اسم اشاره مثنی؛ مانند **هَذَانِ** و هذین، کاربرد هذّه و تلك برای اشاره به اسم غیر عاقل.

۱۹ در تشخیص محلّ اعرابی در جمله، نهادن اعراب رفع، نصب و جر از اهداف کتاب نیست و کلمات جمله باید اعراب‌گذاری کامل شده باشد.

۲۰ طرح سؤال از اعراب‌گذاری کلمات جمله، مطلقاً ممنوع است.

۲۱ در تشخیص مشتقات، ذکر جامد و مشتق لازم نیست؛ اما ذکر مشتق و نوع آن لازم

است.

۲۲ در اسم فاعل و اسم مفعول مانند ناظر و مُنتظر، ذکر اینکه ناظر اسم فاعل ثلاثی مجرد

و مُنتظر اسم فاعل ثلاثی مزید می‌باشد، در کتاب درسی تدریس نشده و از اهداف آموزشی

کتاب نیست.

۲۳ در این بخش از سؤالات امتحانی «تَرْجِمْ هَذِهِ الْعِبَارَةَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الْمَعْرِفَةِ وَ النَّكِرَةِ»

بهتر است که دبیر سؤالی خارج از کتاب مطابق چارچوب قاعده درس طرح کند.

۲۴ در طرح سؤال مکالمه به دو صورت می‌توان عمل کرد:

یکی ارائه تصویر و طرح سؤال از تصویر و دیگری پر کردن جای خالی در مکالمه و ارائه

کلمات با دادن دو کلمه اضافه.

بارم‌بندی امتحان شفاهی عربی، زبان قرآن (۲) پایه یازدهم، میان نوبت اول و دوم رشته‌های ریاضی و فیزیک، علوم تجربی، فنی و حرفه‌ای و کاردانش			
مهارت‌ها	شماره	موضوع	نمره
مهارت‌های خواندن، شنیدن و سخن گفتن	۱	روان خوانی (بدون درنگ و خطا، و با تلفظ نسبتاً درست مخارج حروف)، یا حفظ شعر و اجرای گروهی آن، اجرای نمایشی متن برخی درس‌ها.	۴
	۲	مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ کوتاه به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، ما هو، ما هي، يم، من، لمن، أين، من أين، ممن، کم، هل، أ، متی، کیف، لماذا، لِم، عمّ، أي)، یا حفظ مشابه مکالمات کتاب درسی و اجرای آن در گروه دو یا چند نفره، یا اجرای گروهی مکالماتی متفاوت با مکالمات کتاب درسی در کلاس.	۱
جمع نمره‌ها			
۵			

تذکرات

۱. امتحان مستمر اول و دوم شامل دو بخش کتبی (از ۱۵ نمره) و شفاهی (از ۵ نمره) می‌باشد، ولی امتحان نوبت اول و دوم فقط کتبی و از بیست نمره است.
۲. تلفظ درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) دشوار است و از عهده بسیاری از دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ اما باید از دانش‌آموزان خواسته شود حتی‌الامکان مخارج حروف خاص عربی را درست بر زبان آورند و تمرین کنند؛ زیرا هدف اصلی آموزش عربی مسائل دینی است و قرائت نماز باید با تلفظ درست باشد.
۳. در پاسخ به جمله‌های پرسشی، به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر در پاسخ سؤال «إِلَىٰ أَيْنَ تَذَهَبُ؟» پاسخ دهد «إِلَى الْفُنْدُقِ»، کاملاً درست است و نیازی نیست پاسخ دهد: «أنا أذهبُ إلى الْفُنْدُقِ». در بخش مکالمه، فهم سؤال، نیمی از نمره را دارد؛ مثلاً اگر از دانش‌آموزی سؤال شد: «أَيْنَ أَنْتَ؟» و پاسخ داد: «أنا في ...» و درنگ کرد و نتوانست بگوید «أنا في الصَّفِّ». در حقیقت نیمی از نمره را گرفته است، چون سؤال را فهمیده است.

۴ یکی از موارد امتحانی این است که از دانش‌آموز بخواهیم خودش را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند، یا اگر فعالیت‌تی در زمینه نمایش و مکالمه در کلاس داشت می‌توان به‌عنوان نمره امتحان شفاهی از آن استفاده کرد.

۵ طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان آزمون روخوانی و مکالمه به‌عمل آورد؛ بنابراین آنچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه‌وی، نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۶ رعایت ظرافت‌های صرفی و نحوی در مکالمه در حد دانش‌آموز نیست. مخصوصاً اینکه او باید در پاسخگویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از طرفی آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ لذا از دبیر ارجمند درخواست می‌شود این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند تا دانش‌آموز خاطره‌خوشی از مکالمه به یاد داشته و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده باقی بماند.

۷ حفظ عین مکالمات، کاری بسیار دشوار است؛ لذا از دانش‌آموزان نمی‌خواهیم عین عبارت‌ها را حفظ کنند. دانش‌آموز می‌تواند با ذوق و سلیقه خود و شرایط موجود، تغییراتی در متن ایجاد کند.

نمونه سؤال پیشنهادی امتحان نوبت اول و دوم

بِسْمِهِ تَعَالَى، اِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ، الْفَصْلُ الْأَوَّلُ، فِي ثَلَاثَةِ دُرُوسٍ وَ نِصْفِ الْوَقْتِ: ٧٠ دَقِيقَةً، التَّارِيخُ: / ١٠ / الْمِنْطَقَةُ: الْمَدْرَسُ: الْأِسْمُ الْأَوَّلُ وَالْإِسْمُ الْعَائِلِيُّ:		
الف. مهارت ترجمه (دو نمره)		
ردیف	پرسش	بارم
مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
١	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ. ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ ﴾ حَرَّمَ اللَّهُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخِرِينَ.	٠/٥
٢	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَالْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. وُدٌ / نِهَايَةٌ / بَدَايَةٌ / تَبَجُّيلٌ / حُبٌّ = ≠	٠/٥
٣	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. أَحْيَاءٌ: جُزُرٌ:	٠/٥
٤	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. الف. غُضِنٌ <input type="checkbox"/> نَوَى <input type="checkbox"/> نَمَرَ <input type="checkbox"/> حَوَّلَ <input type="checkbox"/> ب. نَفِطٌ <input type="checkbox"/> سَتَّةٌ <input type="checkbox"/> شَهْرٌ <input type="checkbox"/> أُسْبُوعٌ <input type="checkbox"/>	٠/٥

بارم	پرسش	ردیف
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
۵	<p style="text-align: right;">تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَ.</p> <p>۱. ﴿أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (۱)</p> <p>.....</p> <p>۲. مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. (۱)</p> <p>.....</p> <p>۳. سَأَلَ النَّبِيُّ ﷺ: أَيُّ الْمَالِ خَيْرٌ؟ قَالَ: زَرْعٌ زَرَعَهُ صَاحِبُهُ. (۱)</p> <p>.....</p> <p>۴. تَنَّمُوا أَثْمَارَ الْعِنَبِ الْبِرَازِيلِيِّ عَلَى جِدْعِهَا. (۱)</p> <p>.....</p> <p>۵. فَمَنْ لِمُعَلِّمٍ وَفِيهِ التَّبَجِيلَا كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا (۱)</p> <p>.....</p>	۵
۰/۵	<p style="text-align: right;">إِنْتَجِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. إِنْ تَقَرَّرَ إِنْشَاءُكَ أَمَامَ الطَّلَبِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبِ.</p> <p>الف. اگر انشای خود را روبه روی دانش آموزان بخوانی، دانش آموز پر سروصدا آگاه می شود. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. اگر انشایت را مقابل دانش آموزان بخوانی، دانش آموز اخلاص آگاه خواهد شد. <input type="checkbox"/></p> <p>۲. أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.</p> <p>الف. محبوب ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترینشان برای بندگان است. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. بندگان راستین خدا را دوست دارم؛ زیرا به نفع دیگر بندگان کار می کنند. <input type="checkbox"/></p>	۶
۱/۵	<p style="text-align: right;">إِمْلَأْ فَرَاقَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>۱. يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُعَيِّرَ سُلُوكَ الْمُخَاطَبِينَ. بر گوینده واجب است که به عمل کننده باشد تا مخاطبان را تغییر دهد.</p> <p>۲. رَائِحَةُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرُبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَ تَحْتَوَى بُدُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ الزُّبُوتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ. بوی این درخت است که جانوران از آن و دانه هایش حاوی مقداری است که آتش گرفتنی آن سبب خروج هیچ گازی نمی شود.</p>	۷

ردیف	پرسش	بارم
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)		
٨	<p>تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ:</p> <p>١. أَنَا قَرَأْتُ دَرَسِي. ٢. هِيَ سَتَكْتُبُ دَرْسَهَا. ٣. مِنْ فَضْلِكَ لَا تَدْخُلْ فِي الْغُرْفَةِ. ٤. رَجَاءٌ أُخْرَجُوا مِنْ صَفِّكُمْ. ٥. أَلَا تَضَيِّرُ يَا أَخِي؟ ٧. يَا طَالِبَاتُ، اِغْمَلْنَ بِوَأَجَابَاتِكُنَّ.</p>	١/٥
٩	<p>عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ.</p> <p>١. يَا أَوْلَادُ، رَجَاءٌ..... فِي الشَّارِعِ. لَا تَلْعَبْ <input type="checkbox"/> لَا تَلْعَبُوا <input type="checkbox"/> لَا تَلْعَبِي <input type="checkbox"/> ٢. الطُّلَابُ..... إِلَى كَلَامِ أَسَاتِذِهِمْ. تَسْتَمِعُونَ <input type="checkbox"/> تَسْتَمِعُونَ <input type="checkbox"/> تَسْمَعُ <input type="checkbox"/> ٣. أَمَا..... سِ يَا زَمِيلَةَ الْعَزِيزِ؟ عَرَفْتَنِي... <input type="checkbox"/> عَرَفْتَنِي... <input type="checkbox"/> عَرَفْتَنِي... <input type="checkbox"/></p>	٠/٧٥
١٠	<p>عَيِّنِ اسْمَ الْمَكَانِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ، ثُمَّ تَرْجِمُهُ.</p> <p>شَاهِدْنَا مَطْبِخَ الْفُنْدُقِ فِي السَّاعَةِ الثَّلَاثَةِ مَسَاءً.</p>	٠/٥
١١	<p>عَيِّنِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فِي هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ، ثُمَّ تَرْجِمِ اسْمَ التَّفْضِيلِ فَقَط.</p> <p>شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ. أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْكَسْبُ مِنَ الْحَلَالِ.</p>	١
١٢	<p>عَيِّنِ فِعْلَ الشَّرْطِ فِي الْجُمْلَةِ الْأُولَى وَ جَوَابَ الشَّرْطِ فِي الْجُمْلَةِ الثَّانِيَةِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَتَيْنِ.</p> <p>﴿وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمَهُ اللَّهُ﴾ مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.</p>	١/٥
١٣	<p>أَذْكَرُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ.</p> <p>إِيرَانُ بَلَدُ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ. سَجَلَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو مَسْجِدَ الْإِمَامِ وَ قُبَّةَ قَابُوسٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ.</p>	١
١٤	<p>عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ أَوْ اسْمَ الْمَفْعُولِ أَوْ اسْمَ الْمُبَالِغَةِ.</p> <p>بَدَأَتْ هَجْمَةٌ قَوِيَّةٌ مِنْ لَاعِبِ فَرِيقِ الصَّدَاقَةِ ثُمَّ سَجَّعَهُ الْمُشَاهِدُونَ. يَا غَفَّارَ الذُّنُوبِ، اغْفِرْ لَنَا.</p>	٠/٥
١٥	<p>اَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا.</p> <p>تِسْعُونَ نَاقِصٌ ثَمَانِينَ يُسَاوِي.....</p>	٠/٢٥

د. مهارت درک و فهم (سه نمره)		
۱/۵	<p>صَعَّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»</p> <p>۱. الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ ۲. حَارِسُ الْمَرْمَى ۳. الْمَوَاضِفَاتُ ۴. الْمُزَارِعُ ۵. الْأَلْتِفَاتُ ۶. الْمُعَمَّرُ ۷. الْأَسْوَارُ ۸. الْأَزَلُّ</p> <p>○ هُوَ بَحْرٌ كَبِيرٌ يُعَادِلُ ثُلُثَ الْأَرْضِ. ○ التَّجْمَعُ وَ الدَّوْرَانُ حَوْلَ شَيْءٍ. ○ الَّذِي يُعْطِيهِ اللَّهُ عُمْرًا طَوِيلًا. ○ زِينَةٌ مِنَ الذَّهَبِ أَوْ الْفِضَّةِ. ○ الَّذِي يَعْمَلُ فِي الْمَرْزَعَةِ. ○ صِفَاتٌ أَحَدٍ أَوْ شَيْءٍ.</p>	۱۶
۱/۵	<p>إِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَّ، ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ.</p> <p>أَنَا مِهْرَانُ. أُعِيشُ فِي قَرْيَةٍ صَغِيرَةٍ بِاسْمِ بَطْرُودٍ فِي مَارَنْدَرَانِ. وَالِدِي فَلَاحٌ وَ وَالِدَتِي طَبَاحَةٌ. تَحُنُّ أَسْرَةً سَعِيدَةً. الْيَوْمَ يَوْمَ الْخَمِيسِ. أُمِّي طَبَخَتْ حَلْوِيَّاتٍ قَبْلَ سَاعَتَيْنِ. هِيَ تَطْبُخُ حَلْوِيَّاتٍ طَيِّبَةً. ثُمَّ تَعْرِضُهَا لِلْبَيْعِ، فَيَشْتَرِي النَّاسُ مِنْ حَلْوِيَّاتِهَا لِأَنَّهَا لَذِيذَةٌ جَدًّا. أُمِّي وَصَعَتِ الْحَلْوِيَّاتِ عَلَى الْمِنْصَدَةِ فِي عُرْفَةِ الْإِسْتِقْبَالِ. أُخْتِي الصَّغِيرَةُ مَهْرَى كَانَتْ جَانِعَةً، فَصَعَدَتْ عَلَى الْمِنْصَدَةِ بَعِيدَةً عَنِ الْعَيْونِ فَسَقَطَتْ وَ بَدَأَتْ بِالْبُكَاءِ. خَافَتْ أُمِّي كَثِيرًا، فَذَهَبَتْ إِلَيْهَا وَ شَاهَدَتْهَا بِخَيْرٍ. عُمُرُ أُخْتِي خَمْسُ سَنَوَاتٍ.</p> <p>۱. هَلِ انْكَسَرَتْ يَدُ الْبَيْتِ الصَّغِيرَةِ؟ ۲. مَتَى صَنَعَتِ الْوَالِدَةُ الْحَلْوِيَّاتِ؟ ۳. أَيْنَ وَصَعَتِ الْوَالِدَةُ الْحَلْوِيَّاتِ؟ ۴. مَا اسْمُ الْبَيْتِ الصَّغِيرَةِ؟ ۵. مَاذَا صَنَعَتِ الْوَالِدَةُ؟ ۶. كَمْ عُمُرُ مَهْرَى؟</p>	۱۷
هـ. مهارت مکالمه (۵/۰ نمره)		
۰/۲۵	<p>أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ.</p> <p>..... مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟</p>	۱۸
۰/۲۵	<p>رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اكْتُبْ سُؤَالَ وَ جَوَابًا صَحِيحًا.</p> <p>أَقْوَى / الْفَرِيقَيْنِ / أَيْ / قَوِيَّانِ / كِلَاهُمَا / ؟ /</p> <p>.....</p> <p>.....</p>	۱۹

بِسْمِهِ تَعَالَى، إِمْتِحَانُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ لِلصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ، الْفَصْلِ الثَّانِي، الْوَقْتُ: ٧٠ دَقِيقَةً، التَّارِيخُ: /٣/ الْمُنِطَقَةُ: الْمُدْرَسُ: الْأِسْمُ الْأَوَّلُ وَالْإِسْمُ الْعَائِلِيُّ:		
الف. مهارات ترجمه (دو نمره)		
ردیف	پرسش	بارم
مهارت واژه‌شناسی (دو نمره)		
١	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ. جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي حُلْفًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَقَالَ: لَا تَكْذِبْ.	٠/٥
٢	اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَالْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. قيام / ديباج / بَعَثَ / جُلوس / أَرْسَلَ = ≠	٠/٥
٣	اُكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَتَيْنِ. زُمْلاء: بِهِمَّة:	٠/٥
٤	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْعَرَبِيَّةَ فِي الْمَعْنَى. الف. كَلَّمَ <input type="checkbox"/> حَدَّثَ <input type="checkbox"/> كَمَلَّ <input type="checkbox"/> تَكَلَّمَ <input type="checkbox"/> ب. أَكْرَمَ <input type="checkbox"/> أَسْوَدَ <input type="checkbox"/> أَبْيَضَ <input type="checkbox"/> أَصْفَرَ <input type="checkbox"/>	٠/٥
ب. مهارت ترجمه به فارسی (هفت نمره)		
٥	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ. ١. ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا﴾ (١) ٢. كَانَ عُمَرُ شَيْمِلَ خَمْسَةَ عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. (١) ٣. مِنْ أَخْلَاقِ الْجَاهِلِ الْإِجَابَةُ قَبْلَ أَنْ يَسْمَعَ وَالْمُعَارَضَةُ قَبْلَ أَنْ يَفْهَمَ. (١/٢٥) ٤. اَللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَشْبَعُ. (٠/٧٥) ٥. لِأَبْدَأَنَّ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ. (١)	٥

ردیف	پرسش	بارم
۶	<p>إِنْتِخِبِ الرَّجْمَةَ الصَّحِيحَةَ.</p> <p>۱. ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ﴾ الف. با دهانشان آنچه را در قلب‌هایشان نیست می‌گویند و خدا به دروغی که بر زبان می‌رانند آگاه است. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. با دهان‌هایشان آنچه را در دل‌هایشان نیست می‌گویند و خدا به آنچه پنهان می‌کنند داناست. <input type="checkbox"/></p> <p>۲. أَتَقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِي مَا لَهُ وَعَلَيْهِ. الف. پرهیزگارترین مردم کسی است که حق را در آنچه به سودش و به ضررش است بگوید. <input type="checkbox"/></p> <p>ب. باتقواترین مردم کسی است که در هر حالتی حق گفته است. <input type="checkbox"/></p>	۰/۵
۷	<p>إِمْلَأْ فَرَغَاتِ التَّرْجَمَةِ الْفَارِسِيَّةِ.</p> <p>۱. إِنَّ مِنْ شَرِّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ تَكْرَهُ مُجَالَسَتَهُ لِفُحْشِهِ. از بندگان خدا کسی است با او که به خاطر گفتار و کردار زشتش ناپسند شمرده شود.</p> <p>۲. قَرَّرَ أَرْبَعَةَ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَأَتَّصَلُوا بِالْأَسَاتِذِ هَاتِفِيًّا وَقَالُوا لَهُ: أَحَدُ إِطَارَاتِ سَيَّارَتِنَا انْفَجَرَ، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةً تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ. وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ. چهار دانشجو که در امتحان غیبت کنند و با استاد تماس تلفنی گرفتند و به او گفتند: خودرو ما تریکد و خودرویی نیست که ما را به منتقل کند و حاضر شویم.</p>	۱/۵
ج. مهارت شناخت و کاربرد قواعد (هفت و نیم نمره)		
۸	<p>تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ.</p> <p>۱. لِمَاذَا لَا تَخْرُجُونَ مِنْ صُفُوفِكُمْ؟ ۲. أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ، أَشْكُرُوا رَبَّكُمْ. ۳. التَّلَامِيذُ مَا رَجَعُوا مِنَ السَّفَرِ الْعِلْمِيَّةِ. ۴. إِنِّي سَوْفَ أَسَافِرُ إِلَى زِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ.</p>	۱
۹	<p>عَبِّرْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِي الْجُمَلِ التَّالِيَةِ.</p> <p>۱. ﴿أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا حُلَّةَ وَ لَا شَفَاعَةَ﴾ ۲. يَا حَاجَّ، رَجَاءٌ، رَاجِعٌ طَبِيبًا.</p>	۱
۱۰	<p>عَبِّرْ نَوْعَ الْأَسْمَاءِ: إِسْمُ الْفَاعِلِ، أَوْ إِسْمُ الْمَفْعُولِ، أَوْ إِسْمُ الْمُبَالِغَةِ، أَوْ إِسْمُ الْمَكَانِ، أَوْ إِسْمُ التَّفْضِيلِ. (اثنتين) أَعْلَمَ النَّاسُ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ. يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ.</p>	۰/۵

ردیف	پرسش	بارم
۱۱	عَبْنُ جَوَابِ الشَّرْطِ، ثُمَّ عَبْنِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. مَنْ يُحَاوِلُ كَثِيرًا يَصِلُ إِلَى أَهْدَافِهِ. الف. هرکس بسیار تلاش کند، به هدف هایش می‌رسد. <input type="checkbox"/> ب. کسی که بسیار سعی می‌کند، به هدف هایش خواهد رسید. <input type="checkbox"/>	۰/۵
۱۲	أَكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا مُنَاسِبًا. عَشْرُونَ زَائِدٌ عَشْرَةَ يُسَاوِي	۰/۵
۱۳	تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. ﴿لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا نَحَبِوْنَ﴾ ﴿يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ﴾	۱
۱۴	تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا. ﴿عَلَى اللَّهِ قَلْبَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ ﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا﴾	۱
۱۵	تَرْجِمْ هَاتَيْنِ الْجُمْلَتَيْنِ حَسَبَ الْقَوَاعِدِ الَّتِي قَرَأْتَهَا فِي مَعَانِي الْأَفْعَالِ النَّاقِصَةِ. كَانَ سَعِيدٌ سَاعِدٌ صَدِيقُهُ. كَانَ سَعِيدٌ يُسَاعِدُ صَدِيقَهُ.	۱
۱۶	أَذْكَرُ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. يَكْتُبُ الْمُدْرُسُ قَوَاعِدَ الدَّرْسِ عَلَى اللُّوْحِ.	۱
د. مهارت درک و فهم (سه نمره)		
۱۷	صَخُّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (مَحْبُوءٌ / السَّرْوَالُ / الْبُرْنَامُجُ / مُحَاضِرَةٌ / السَّرِيرُ / السُّفُنُ / مُحَضَّرَةٌ / الْمُفْرَدَاتُ / التَّنَاقُطُ) ۱. ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ﴾ ۲. بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ، إِزْدَادَتْ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. ۳. إِنَّ هِيَ الْقِيَمُ الْمُشْتَرَكَةُ بَيْنَ جَمَاعَةٍ مِنَ النَّاسِ. ۴. تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا؛ فَإِنَّ الْمَرَّةَ تَحْتَ لِسَانِهِ. ۵. الْمَشْرُشْفُ قِطْعَةٌ فَمَا شُ تَوْضَعُ عَلَى ۶. أَلْفَى أَسْتَاذُ الْجَامِعَةِ حَوْلَ شَيْمِلِ.	۱/۵

ردیف	پرسش	بارم
۱۸	<p>عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ.</p> <p>۱. مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ شَجَاعٌ.</p> <p>۲. الْكِتَابُ صَدِيقٌ يُنْقِذُنَا مِنْ مُصِيبَةِ الْجَهْلِ.</p> <p>۳. عِلْمُ الْأَحْيَاءِ عِلْمٌ مُطَالَعَةٌ خَوَاصُّ الْعِنَاصِرِ.</p> <p>۴. عَلَيْنَا أَنْ نَكَلِّمَ الْأَخْرِيْنَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ.</p> <p>۵. يَلْعَبُ فِي فَرِيْقِ كُرَةِ الْمِنْصَدَةِ أَحَدَ عَشَرَ لَاعِبًا.</p> <p>۶. تُسَمَّى مَظَاهِرُ التَّقَدُّمِ فِي مَيَادِينِ الْعِلْمِ وَالصَّنَاعَةِ وَالْأَدَبِ حَضَارَةً.</p>	۱/۵
هـ . مهارت مکالمه (۵/۰ نمره)		
۱۹	<p>أَجِبْ عَنِ السُّؤَالِ التَّالِيِ.</p> <p>بِمَ تَسَافِرُ إِلَى مَشْهَدٍ؟</p>	۰/۲۵
۲۰	<p>رَتَّبِ الْكَلِمَاتِ وَ اَكْتُبْ سَوَالًا وَ جَوَابًا صَحِيحًا.</p> <p>يَأْلَمُ / صَدْرِي / فِي / بِكَ / أَشْعُرُ / مَا / ؟ / .</p> <p>.....</p>	۰/۲۵



بخش سوم

توضیحات مشترک در تدریس

تأکيدات مهم درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱ کتاب عربی زبان قرآن پایه یازدهم در هفت درس تنظیم شده است. هر درس را می‌توان در سه جلسه آموزشی تدریس کرد. سال تحصیلی حدود ۳۰ جلسه آموزشی دارد. از مهر تا اسفند با حذف دو هفته امتحانات دی ماه ۲۲ جلسه است. دو هفته دوم فروردین و ماه اردیبهشت نیز شش جلسه است. از طرفی ماه‌های مهر تا بهمن ۳۰ روزه و دو ماه فروردین و اردیبهشت نیز ۳۱ روزه‌اند؛ لذا ۱۲ روز، یعنی دو جلسه دیگر افزوده می‌شود. به عبارت ساده‌تر وقتی که به تقویم نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که یکی از روزهای هفته پنج بار تکرار شده است. پس تعداد جلسات سال تحصیلی بر مبنای زنگ‌های متعارف نود دقیقه‌ای ۳۰ جلسه است. تدریس کتاب بر مبنای ۲۱ جلسه است. روزهای دیگر سال تحصیلی برای تعطیلات احتمالی و تکرار و تمرین می‌باشد.

۲ دانش‌آموز پایه یازدهم تاکنون با این ساختارها آشنا شده است:

■ فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، منفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه صفت مؤخر در ترکیب‌هایی مانند «أَخُوکِنَّ الصَّغِيرُ». هدف آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بود که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخَى الْعَزِيزِ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

■ اسم اشاره (أَمَّا فَرَقَ هَذَا وَ هَذَيْنِ وَ هَاتَانِ وَ هَاتَيْنِ تَدْرِيسِ نَشَدَهْ اسْت)

■ کلمات پرسشی (هَلْ، أَمْ، أَيْنَ، كَيْفَ، مَتَى، كَيْفَ، مَا «يَمَّ، مِمَّ، عَمَّ، مَاذَا، ماهو، ماهی» لِمَ،

لِمَاذَا، أَيْ، مَنْ «مَنْ هُوَ، مَنْ هِيَ»

■ ساعت‌خوانی (حالت کامل، حالت مانده به و حالت گذشته)

■ وزن و ریشه کلمات (در بخش وزن و حروف اصلی نیز با چند وزن معروف آشنا شده

است).

■ عددهای اصلی یک تا صد (بدون توجه به قواعد معدود و ویژگی‌های دشوار نحوی آن)

و عددهای ترتیبی یکم تا بیستم

■ تشخیص و ترجمه فعل مجهول، جایگاه نون وقایه، اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه

■ تشخیص المحلّ الإعرابی یعنی فاعل، مفعول، مبتدا، خبر، صفت، مضاف‌الیه، جار و مجرور؛ مجرور به حرف جرّ. اما تشخیص اعراب (اصلی و فرعی) هدف نیست. در این کتاب، تشخیص نوع باب و صیغه فعل، مانند «مفرد مذکر غایب» و ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرّد و مزید و تشخیص آنها از اهداف آموزشی نیست. تشخیص چندم شخص فارسی نیز هدف نیست؛ مثلاً چنین سوّالی مردود است:

تسترجعین چندم شخص است؟

اگر دانش‌آموز، فعل را در حالت «سوم شخص مفرد» حفظ کند، برای کمک به شناخت فعل و ترجمه آن اشکالی ندارد. اما صرف این افعال به روش متعارف چهارده صیغه از اهداف نیست؛ بلکه شناخت و ترجمه آنها در جمله هدف است. معلّم نیز می‌تواند برای آموزش ابواب از وزن آنها استفاده کند. (اِسْتَفْعَلْ، يَسْتَفْعِلُ، اِسْتَفْعَلْ، اِسْتَفْعَلْ).

دانش‌آموز باید «تُم» را در «فَعَلْتُمْ» بشناسد و این فعل‌ها را به دنبال آن درست ترجمه کند: حَرَجْتُمْ، تَحَرَّجْتُمْ، أَخْرَجْتُمْ و اِسْتَخْرَجْتُمْ. تصوّر برخی افراد از درس عربی این است که عربی یعنی صرف فعل، اسم اشاره، اسم موصول، و دانش‌آموزان را به حفظ چنین مواردی ملزم می‌کنند. در حالی که همه اینها باید در داخل جمله باشد.

در همه جای کتاب، آموخته‌های پیشین تکرار شده است، تا با گذر زمان کم‌کم این آموخته‌ها ملکه ذهن فراگیر شود.

۲ متن درس اوّل، بخشی از آیات اخلاقی قرآن (آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات) است. قواعد درس اوّل درباره شناخت اسم تفضیل و اسم مکان است. در تمرینات اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه که در سال گذشته آموزش داده شده، دوباره تکرار شده است. نیازی به تشخیص جامد نیست. دانستن اینکه کلماتی مانند جِدَار، كِتَابَة و اِسْتِخْرَاج جامدند، تأثیری در فهم متن ندارد. جایگاه چنین مطالبی در دروس تخصصی دانشگاه است نه در مدرسه. دانستن اینکه طریقی جامد است، یا مشتق کمک چندانی به دانش‌آموز در فهم متن که هدف اصلی درس عربی است نمی‌کند.

۴ موضوع متن درس دوم، احترام نهادن به کلاس و معلّم است. این متن در نظرسنجی‌ها تأییدکنندگان بسیار داشت. قواعد درس دوم دربارهٔ اسلوب شرط است. دانش‌آموز با نحوهٔ ترجمهٔ ادوات شرط «مَنْ، ما، اِنْ و اِذَا» آشنا می‌شود. فعل شرط و جواب آن را تشخیص می‌دهد. اما آموزش جزم از اهداف نیست. دبیر می‌تواند به جزم افعال اشاره کند و توجه دانش‌آموز را به تفاوت فعل‌های «يَذْهَبُ و اَنْ يَذْهَبَ»، «يَسْمَعُونَ و لَكِي يَسْمَعُوا» جلب کند و از او بخواهد فرق چنین افعالی را توضیح دهد، ولی توضیح دبیر به این معنا نیست که در امتحان از آن سؤال طرح کند.

۵ موضوع متن درس سوم شگفتی‌های درختان است. اندیشیدن پیرامون آفریده‌های خدا در رهنمودهای بزرگان دین همواره تأکید شده، با توجه به سنّ پرجوش و خروش جوانی دانستنی‌هایی در متن آمده است که موجب ایجاد علاقه و انگیزه نسبت به درس می‌شود. این متن و متون مشابه در نظرسنجی از دانش‌آموزان طرفداران بسیاری داشت. قواعد درس دربارهٔ ترجمهٔ درست اسم معرفه و نکره است. از شش نوع اسم معرفه، فقط دو نوع توضیح داده شده که مهم‌ترین آنها نیز است. (معرفه به ال و عَلَم) چهار نوع دیگر معارف، در کتاب توضیح داده نشده‌اند. برای دانش‌آموز معرفه به ال در فهم متن تأثیرگذار است. بدیهی است که در هیچ آزمونی چهار نوع دیگر معارف سؤال داده نمی‌شود.

۶ موضوع متن درس چهارم آداب سخن گفتن است. آداب سخنوری با بهره‌گیری از سخنان بزرگان دین برای دانش‌آموز توضیح داده شده است. هدف از تدریس کتاب پیش رو، تنها مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی نیست. در بیشتر متون و عبارات کتاب برنامهٔ پنهان آموزش وجود دارد که هدف آنها آموزش غیرمستقیم فرهنگ ایرانی - اسلامی است. این هدف مطابق برنامهٔ درسی ملی است.

دانش‌آموز در بخش قواعد درس چهارم، با معادل‌هایی از ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شود. چنین اصطلاحاتی در دستور زبان عربی وجود ندارد و این مبحث صرفاً برای دانش‌آموز فارسی زبان طراحی شده است.

۷ متن درس پنجم، داستانی در نکوهش دروغگویی است. در بسیاری از فرهنگ‌ها دروغ، کاری بسیار زشت شمرده شده است. در آیین اسلام احادیث فراوانی در مذمت دروغگویی آمده است. این داستان برای دانش‌آموزان آراسته به سخنان بزرگان دین است و در آن از شیوه آموزش غیرمستقیم استفاده شد، روشی که بنا به باور متخصصان حوزه تعلیم و تربیت، مؤثرترین روش تربیتی است.

در قواعد این درس، معانی حروف «أَنَّ» و «كَيْ، لِي، لِيْ، لِيْ» آموزش داده شده است. نصب فعل مضارع از اهداف نیست؛ لذا از آن سؤال طراحی نمی‌شود. هدف این است که دانش‌آموز فعل‌هایی مانند «لَنْ يَيْئَسَ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند.

دبیر مجاز است که به نصب فعل مضارع اشاره کند و دانش‌آموز را به تفاوت فعل در دو جمله (التلاميذ يَذْهَبُونَ) و (يُرِيدُونَ أَنْ يَذْهَبُوا) ارجاع دهند. اما این اشاره به معنای طرح سؤال امتحان نیست. دبیر از دانش‌آموز می‌خواهد فرقی ظاهری (يَذْهَبُ و يُرِيدُ أَنْ يَذْهَبُ)، (يَذْهَبُونَ و يُرِيدُونَ أَنْ يَذْهَبُوا) را خود دانش‌آموز توضیح دهد، ترجمه (يَذْهَبُ و يُرِيدُ أَنْ يَذْهَبُ)، (يَذْهَبُونَ و يُرِيدُونَ أَنْ يَذْهَبُوا) را از دانش‌آموز می‌پرسد، از او می‌خواهد مضارع التزامی را در فارسی توضیح دهد. تمرینات کتاب، ناظر به اهداف آموزشی مصوب است. در تمرین‌های کتاب هماهنگی با بخش قواعد وجود دارد و صرفاً تشخیص این افعال و ترجمه آنها مدنظر است. وقت دو ساعت درس عربی در برنامه هفتگی محدود است و تدریس برخی مفاهیم صرف و نحو موجب می‌شود مسائل مهم‌تری مانند روان‌خوانی، سخن گفتن و کاربرد واژگان تحت الشعاع واقع شود.

۸ متن درس ششم، درباره شادروان دکتر بانو آنه ماری شیمل است. شخصیتی جهانی که در شناساندن فرهنگ و ادبیات فارسی و نیز عربی به جهانیان نقشی شگفت‌انگیز داشته است. در کتاب درسی دهم، تصویری از این بزرگ بانو آمده بود.

قواعد درس درباره معانی حروف «كَمْ، لِي و لا» است. هدف این است که دانش‌آموز،

فعل‌هایی مانند «لَمْ يَسْمَعْ» را در جمله بشناسد، درست بخواند و درست ترجمه کند. آموزش جزم فعل از اهداف نیست. دبیر راجع به جزم فعل مضارع توضیح می‌دهد، اما در امتحان سؤالی در این زمینه طرح نمی‌شود؛ مثلاً این سؤال مردود است:

فعل تُرِيدُونَ را با حرف لَمْ مجزوم کنید.

۹ متن درس هفتم، درباره تأثیر زبان فارسی در عربی است. موضوعی که برای بیشتر دانش‌آموزان و دبیران جالب بوده است و در نظرسنجی‌ها خواستار چنین متنی در کتاب درسی بودند. از بخش «للمطالعة» سؤال امتحانی طرح نمی‌شود. کتاب‌های بسیاری درباره معرّبات فارسی نگاشته شده است، از آن جمله:

مُعْجَمُ الْمُعْرَبَاتِ الْفَارِسِيَّةِ مُنْذُ بَوَاكِرِ الْعَصْرِ الْحَاضِرِ. مُحَمَّدُ التَّوْنُجِي. مكتبة لبنان ناشرون. ریشه‌یابی واژه‌ها در قرآن. جلال‌الدین السیوطی (برگردان محمدجعفر اسلامی). شرکت سهامی انتشار.

واژه‌های دخیل در قرآن مجید. آرتور جفری (برگردان فریدون بدره‌ای). توس.

المُهَدَّبُ فِي مَا وَقَعَ فِي الْقُرْآنِ مِنَ الْمُعْرَبِ. جلال‌الدین السیوطی. مكتبة مشكاة الإسلامية.

قواعد درس هفتم، کاربرد فعل‌های ربطی «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ، أَصْبَحَ» در زبان عربی است. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها آشنا می‌شود. در این میان، فعل كَانٌ بسیار مهم‌تر از بقیه فعل‌هاست به همین دلیل در بارم‌بندی نیز تأکید شده است که از این فعل، بیشتر سؤال طرح شود. دانش‌آموز با معانی مختلف این فعل‌ها به ویژه فعل كَانٌ آشنا می‌شود:

■ كَانَ الطَّرِيقُ مُغْلَقًا. راه بسته بود.

■ ﴿إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا﴾ الْأَحْزَابُ: (۲۴) بی‌گمان خدا آمرزنده و مهربان است.

■ كَانٌ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی استمراری»؛ مثال: كانوا يَسْمَعُونَ:

می‌شنیدند.

■ كَانٌ به عنوان «فعل کمکی سازنده معادل ماضی بعید»؛ مثال: «كَانَ الطَّالِبُ سَمِعَ» و

«كَانَ الطَّالِبُ قَدْ سَمِعَ» به معنای «دانش‌آموز شنیده بود» می‌باشد.

■ «كَانَ» بر سر «لِ» و «عِنْدَ» معادل فارسی «داشت» می‌باشد؛ مثال:
 كَانَ لِي خَاتَمٌ فِضَّةً. انگشتر نقره داشتم. كَانَ عِنْدِي سَرِيرٌ خَشَبِيٌّ. تختی چوبی داشتم.
 مضارع كَانَ «يَكُونُ» به معنای «می‌باشد» و امر آن «كُنْ» به معنای «باش» است.
 دانش‌آموز با معنای صَارَ و أَصْبَحَ به معنای «شد» آشنا می‌شود.
 او باید بداند که مضارع صَارَ «يَصِيرُ» و مضارع أَصْبَحَ «يُصْبِحُ» است.
 همچنین معنای لَيْسَ را بداند.
 می‌توان اشاره کرد که لیس مضارع ندارد.

۱۰ نیاز به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است، یا سال بعد خواهد آمد. دستور زبان عربی وسعت بسیار دارد. اگر قرار باشد همه دستور زبان را در کتابی قرار داد یقیناً بیش از هزار صفحه خواهد شد. دانش‌آموز دبیرستان، مختصری از قواعد لازم را می‌خواند و در صورت علاقه‌مندی در دانشگاه آنچه را لازم است خواهد خواند.

۱۱ تحلیل صرفی و اعراب، تعریب و تشکیل و اعراب‌گذاری از اهداف کتاب درسی نیست. کل کتاب درسی اعراب‌گذاری شده است، تا دانش‌آموز در درست‌خوانی دچار مشکل نشود. شایسته است طراحان آزمون، متون و عبارات امتحانی را کاملاً حرکت‌گذاری کنند. زمان محدود دو ساعت در هفته برنامه‌ریزان را بر آن داشت تا فقط مطالب مهم در کتاب گنجانده شود.

۱۲ آموزش فعل و ضمیر در کتاب‌های دوره اول متوسطه بومی‌سازی شده و بر اساس «من، تو، او، ما، شما، ایشان» است. سبک پیشین این‌گونه بود: «هُوَ، هُمَا، هُمْ، هِيَ، هُمَا، هُنَّ، أَنْتَ، أَنْتُمَا، أَنْتُمْ، أَنْتِ، أَنْتُمَا، أَنْتَنْ، أَنَا، نَحْنُ» اما هدف این نیست که دانش‌آموزان این افعال و ضمائر را طوطی‌وار حفظ کنند.

شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان درس را بهتر آموختند. به همین دلیل این شیوه در کتاب‌های درسی عربی عمومیّت یافت.

۱۳ تبدیل «مذکر به مؤنث» یا «مخاطب به غیر مخاطب» یا «جمع به غیر جمع» و موارد مشابه از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید هر جمله را در ساخت‌های مختلف درست بشناسد و درست ترجمه کند.

۱۴ معنای کلمات در امتحان داخل جمله خواسته می‌شود. در چند تمرین کتاب درسی معنای کلمه بیرون از جمله است؛ اما شیوه طرح آن همراه با یک نمونه جهت تسهیل آموزش و ارزشیابی است. شیوه سابق که کلمه بیرون از جمله خواسته می‌شد خوشبختانه به تدریج دارد منسوخ می‌شود.

۱۵ روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد. برگزاری امتحان شفاهی در یک روز امکان ندارد، مگر اینکه کلاس کم جمعیت باشد. روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند، تا درست ترجمه کند. از آنجاکه یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت شود. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجیبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایه تسلط نسبی او به زبان به دست می‌آید.

۱۶ در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده است، تا به دفتر تمرین نیازی نباشد. تنها متن درس است که جا ندارد و با نهادن یک برگه در کتاب، مشکل حل می‌شود. دیده شده است که متأسفانه برخی همکاران از دانش‌آموزان می‌خواهند کل کتاب را در دفتر منتقل کنند. این کار واقعاً آزار دهنده است و نه تنها سودی ندارد، بلکه موجب نفرت دانش‌آموز می‌شود. در میان مهارت‌های چهارگانه زبانی مهارت نوشتن در کتاب درسی، چندان پررنگ دیده نشده است؛ زیرا الفبای ما عربی است و جز در چند حرف آن هم به شکلی ناچیز و کم اهمیت تفاوتی وجود ندارد.

۱۷ از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ شش کتاب

درسی عربی مجموعه‌ای یکپارچه‌اند و آموزش برخلاف اهداف درسی به روند آموزش آسیب می‌رساند. هرچه دانش‌آموز برای فهم متن نیاز دارد در کتاب درسی آمده است.

۱۸ دانش‌آموزان با هر دو فعل مجرد و مزید در کتاب درسی درون متن و عبارت آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم روبه‌رو شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید و حتی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَّنَ، اِتَّقَى، اَتَى، اَجَابَ، أَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، جَرَى، حَاوَلَ، عَلَّمَ، دَارَ، سَمَّى و در کتاب یازدهم بدون ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید این فعل‌ها بازآموزی شده‌اند. دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی کتاب این است که دانش‌آموز با فعل‌هایی آشنا شود که «ماضی سوم شخص مفرد» آنها بیش از سه حرف است. نیازی به ذکر اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید نیست و تشخیص ثلاثی مجرد و مزید و ذکر نوع باب آن از اهداف آموزشی نمی‌باشد. فعل‌های معتل، مهموز، مضاعف و هرگونه فعلی که تغییرات پیچیده صرفی دارد از اهداف کتاب نیست؛ مثلاً در کتاب، فعل اِسْتَشَارَ به کار رفته و فعل استفعال نیز آموزش داده شده است؛ اما نباید از فعل اِسْتَشِيرُ سؤال طرح شود؛ ولی اگر معنای اِسْتَشَارَتُ را بخواهیم اشکالی ندارد؛ چون تغییراتی در مقایسه با اِسْتَشَارَ ندارد. منظور از تغییرات پیچیده مواردی مانند حذف حرف عله، ادغام و فک ادغام، املای همزه و هرگونه قاعده‌ای است که مربوط به فعل‌های غیرصحیح و سالم می‌باشد. اینکه دانش‌آموز بتواند تشخیص دهد که فعل تَدْخُلُ ثلاثی مجرد و فعل تَدْخُلُ ثلاثی مزید است، کمکی به او در فهم متن نمی‌کند و تنها راه برای معناسازی در ارزشیابی‌ها باز می‌شود. با توجه به زمان محدود به جای اینکه وقت معلم صرف تشخیص مزید از مجرد شود، بهتر است صرف معنای افعال شود. در اینجا ترجیح آموزشی این است که دانش‌آموز معنا را یاد بگیرد و بهتر است دبیر گرامی وقت خود را در این زمینه صرف کند. از سوی دیگر معنای فعل در آزمون‌ها همان‌گونه که در بارم‌بندی نیز ذکر شده است، باید با استفاده از فعل‌های آسانی مانند دَخَلَ، خَرَجَ، صَبَرَ، عَبَرَ، كَتَبَ، جَلَسَ و مانند اینها باشد و

قرائنی مانند ضمیر و اسم اشاره نیز به کمک بیابند. آنچه باید سرلوحه کار خود قرار دهیم این است که ما می‌خواهیم دانش آموز یاد بگیرد و از یاد گرفتنش لذت ببرد. برخی دبیران به تقلید از کنکور و مسابقات، پرسش‌هایی مطرح می‌کنند که نه تنها مفید نیست، بلکه مضر نیز می‌باشد. معانی ابواب واقعاً آن‌طور که گروهی تصور می‌کنند قطعی و غالب نیستند، بلکه از معروف‌ترین و پرکاربردترین آنها هستند. به همین دلیل، در کتاب ذکر نشده‌اند. معمولاً معنای تعدیه (تبدیل فعل لازم به متعدی) را برای باب افعال ذکر می‌کنند؛ ولی مثال‌های بسیاری هستند که این‌گونه نیستند. این در حالی است که معنای باب افعال قاعده‌مندتر از سایر ابواب است؛ مانند اَفْلَحَ: رستگار شد، اَسْرَعَ: شتافت، اَسْلَمَ: مسلمان شد، اَصْبَحَ: شد، اَكْبَرَ: بزرگ یافت، اَبَاعَ: برای فروش نهاد.

در بسیاری از فعل‌های باب استفعال اغلب معنای درخواست وجود ندارد.

۱۹ در طراحي سؤال درک مطلب در کنکور و در آزمون‌های مدرسه از متون کتاب استفاده می‌شود؛ در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد، یا اینکه ترجمه فارسی آنها ارائه شود. طرح سؤال درک مطلب، کار بسیار سختی است. شاید در نگاه اول کاری بسیار ساده باشد، اما در حقیقت به نوعی سهل و ممتنع است. طراحي متنی که واژگان و ساختار آن بر اساس آموخته‌های دانش‌آموز باشد و قابلیت طرح سؤال با کلماتی مانند متی، کیف، هل، ا، این، لماذا، لمن، من، ممن، بم و... داشته باشد، کاری دشوار است. البته پاسخ دادن برای دانش‌آموز آسان است.

۲۰ صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۲۱ پژوهش‌های انتهای هر درس، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. مدرسی که وقت اضافه دارند، یا دانش‌آموزان خاص ثبت نام کرده‌اند، یا تعداد دانش‌آموزانشان کم است، می‌توانند به عنوان فوق برنامه در چنین زمینه‌هایی دانش‌آموز را فعال کنند. نمره این بخش را در نوبت اول یا مستمر می‌توان تأثیر داد.

۲۲ در هر آزمونی مترادف و متضاد در محدوده تمرینات سه کتاب متوسطه اول و کتاب حاضر است.

۲۳ هدف از بخش «بدانیم» کمک به فهم متن و عبارت است. دانش آموز این دو بخش را می آموزد تا به این وسیله درست بخواند، بشنود، بفهمد و ترجمه کند. در واقع، قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است.

۲۴ از دانش آموز بخواهیم بخش سخنی با دانش آموز را بخواند.

۲۵ درحالی که می توان از دانش آموزان خواست تا داستان های کوتاه ترجمه کنند. سرود و نمایش اجرا کنند. می توان عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت آمیز و ابتهامات و مطالب علمی کوتاه ترجمه کرد. فضا برای کارهای شاد مناسب است، ولی قاعده زدگی تدریس عربی همگان را جذب گرامر کرده است. حقیقت این است که آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است، ولی تدریس متن محور کاری دشوار است. ارزشیابی از مطالب صرفی و نحوی آسان، ولی ارزشیابی از قرائت و مکالمه بسیار سخت است.

۲۶ سیاست تألیف در تمامی بخش های کتاب مبنی بر ساده سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ ترین مسئولیت معلّم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده ترین روش به دانش آموز تدریس کند. هنر معلّم، علاقه مند کردن دانش آموز نسبت به درس عربی است؛ لذا در امتحانات از طراحی سؤالات معماگونه خودداری می کنیم. آزمون های مدارس خاص و آزمون های طراحی شده توسط مؤسسات خصوصی، زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده بوده و پیچیدگی نداشته باشد؛ برخی سودجویان متضرر می گردند. آشفستگی وضعیت آموزش و سختی تمرینات و سؤالات امتحانی، زمینه را برای بهره برداری برخی سودجویان فراهم و دانش آموزان را نیز از درس عربی گریزان می سازد.

۲۷ تعریب از اهداف کتاب درسی نیست؛ دانش آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و

ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در نتیجه در این دو پایه، از او «ساختن جمله عربی» نمی‌خواهند.

(در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه بدهد که انتظار در حد یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فنی زبان فعلاً لازم نیست).

۲۸ در پاسخگویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مد نظر نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند بدهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر، لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» از آنجاکه در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن‌گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر محترم برای امتحان مکالمه یک آلبوم عکس در کاور یا سلیفون تهیه کند و در آن، تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد، یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند فایل تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند. همچنین می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد، تا دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود، یا نمایش یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۲۹ تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار، زمینه انحراف از مسیر صحیح آموزش و دورافتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش را فراهم می‌کنند. نداشتن

کتاب کار بهتر از داشتن کتاب کاری نامناسب است. اگر معلّمی کتاب کار تهیه کرد؛ تأکید می‌کنیم که کلاس درس جای پرداختن به آن نیست و حلّ تمرینات آن در منزل باید صورت بگیرد. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حلّ تمرین‌های آن است؛ لذا اگر وقت اضافی داشت می‌تواند تمرینات کتاب کار را نیز حل کند، در غیر این صورت، کتاب درسی نباید لطمه ببیند. گروه‌های آموزشی در این زمینه باید نقش فعّال و ارشادی داشته باشند.

۳۰ پس از هر متن، واژگان جدید قرار دارد. هدف از این کار ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طّی خواندن متون و عبارات اتّفاق بیفتد.

۳۱ مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به کار رفته در کتاب چند مورد بوده است: سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربری بر اساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز. دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به هنگام نیاز، به امثال و حکم خوانده شده استشهاد کند؛ مثلاً درباره «احترام به محیط زیست» به این حدیث شریف از حضرت علی علیه السلام استشهاد کند: «إنکم مسؤولون حتّی عن البقاع و البهائم». این هدف تا پایان کتاب درسی، از اهداف اصلی کتاب است. اما نباید با اکراه و اجبار دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود، بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلّمی، دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود تا این عبارات را حفظ کند و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند. سخنان بزرگان و امثال و حکم به گونه‌ای هستند که سرشت پاک، مایل است آنها را بیاموزد و به آنها استشهاد کند.

۳۲ در گزینش تصاویر، این اصول رعایت شده است: برنامه درسی ملی، مسائل فرهنگی و تربیتی، دوری از تنش‌آفرینی، توجّه به امور مهمّی مانند ارزش‌های دینی، احترام به

محیط‌زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جذابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر.

۳۳ دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را بعد از دانش‌آموختگی از یاد خواهند برد، ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس بسیار مهم است برخوردهای درست، دلسوزانه و عالمانه است. مهم این است که پس از فراغت از تحصیل، خاطرات شیرینی از کتاب، معلّم و مدرسه به جای بماند.

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های هشت‌گانه هر درس

کتاب عربی یازدهم، هفت درس دارد و هر درس از هشت بخش تشکیل شده که برای هر یک روشی متناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده است تا دبیر بهتر بتواند به اهداف آموزشی برسد. بی‌گمان دبیران محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه برخوردار باشند. هدف کتاب معلّم که پل ارتباط بین مؤلف و معلّم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملی محوریت داشته باشد و هم معلّم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

ساختار درس‌ها در کل کتاب درسی پایه یازدهم

قسمت‌های هشت‌گانه کتاب عربی، زبان قرآن:

- ۱ صفحه ورود به درس
- ۲ متن درس
- ۳ واژگان جدید متن درس
- ۴ درک مطلب
- ۵ قواعد درس تحت عنوان «اعلموا»
- ۶ مکالمه (در برخی دروس)
- ۷ تمرینات
- ۸ پژوهش (البحث العلمی) در برخی درس‌ها

تحلیل قسمت‌های هشت‌گانه هر درس

هدف برنامه درسی از بخش‌های مذکور، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد،

ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلّم به یاری آن بتواند با تسلّط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلّم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های موردنظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس کلیّه دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد؛ تا آموزش را برای وی تسهیل نماید.

۱ صفحه ورود به درس:

یک صفحه مستقل مزین به آیه‌ای از قرآن مجید یا حدیثی از معصومین علیهم‌السلام همراه با تصویری زیبا برای ورود به درس، به لحاظ روانی دانش‌آموز را برای ورود به درس آماده می‌سازد. تصاویر و نوشته‌های صفحه ورودی به گونه‌ای هستند که با استفاده از آن می‌توان آمادگی خوبی را ایجاد کرد.

۲ متون:

در بخش قرائت و ترجمه متن نیز باید سهم مشارکت معلّم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هر یک از معلّم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند. روش‌های مختلفی را برای این بخش می‌توان به کار برد. یکی از بهترین روش‌ها این است که به فرض به دانش‌آموزان نیم ساعت وقت بدهیم تا خودشان متن را ترجمه کنند و این کار را به صورت گروهی انجام دهند و در پایان، دبیر برگه‌های ترجمه را جمع‌آوری کند و فقط یک برگه را تصحیح کند. او می‌تواند عکسی از برگه ترجمه بگیرد و برگه دانش‌آموز را پس دهد. سپس در کلاس ترجمه درست را سریع بگوید. اگر کلاس درس سی نفر دانش‌آموز داشته باشد و هر گروه پنج نفر باشد در مجموع، شش برگه تصحیح می‌شود. لازم نیست که تصحیح از بیست نمره باشد. ارزشیابی توصیفی در چنین مواردی بهتر است. نمره آن یک نفر، نشانگر نمره گروه است. حتماً نباید برگه سرگروه تصحیح شود.

۱ مرحله اول (شنیدن):

اولین وظیفه بر عهده معلّم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند.

در این بخش، استفاده از کتاب گویا تأکید می‌گردد. اگر وقت معلّم کم است از دانش‌آموزان بخواهد در منزل کتاب گویا را گوش دهند.

۲ مرحله دوم (خواندن):

دانش‌آموزان بر اساس روشی که معلّم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت گردد. هر بار که یک دانش‌آموز قرائت می‌کند معلّم به او نمره روخوانی می‌دهد.

۳ مرحله سوم (ترجمه مقدماتی):

دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان انتهای متن درس، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند؛ تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند، سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی در ترجمه هم‌کلاسی‌اش وجود داشت آن را اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز پاسخ‌دهنده، باید آماده باشند و معلّم تصادفاً از یکی از دانش‌آموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هر یک از این شیوه‌ها در جای خود سودمندند. گاهی دبیر در صورت کمبود وقت می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست شاید به نظر بیاید که نامناسب است و دانش‌آموز فعال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری، یا هر علت دیگری که پیش آمده، ضرورت دارد. اصولاً روش تدریس به عوامل بسیاری بستگی دارد. در این روش، معلّم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه، تدریس سریع‌تر انجام می‌شود.

در مدرسی که امکانات مناسبی دارند می‌توان ترجمه متن درس را در برگه‌ای به صورت ناقص نوشت و تکثیر کرد و از دانش‌آموزان بخواهیم در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را

کامل کنند. این روش فوق العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

۴ مرحله چهارم (ترجمه نهایی):

معلم در ادامه روش مقدماتی به عنوان راهنما، خطاهای ترجمه را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در حقیقت مرحله مقدماتی و نهایی بدون فاصله‌اند.

۵ مرحله پنجم (پیام درس):

در این مرحله، معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند؛ ذکر کنند. این بخش برای دانش‌آموز لذت بخش است و پیوند مناسبی میان ادبیات فارسی و عربی ایجاد می‌شود.

خلاصه مراحل ترجمه

مراحل ترجمه	هدف	نقش دانش‌آموز	نقش معلم
مرحله اول	تقویت مهارت شنیدن	شنیدن	روان خوانی
مرحله دوم	تقویت مهارت خواندن	خواندن	نظارت و راهنمایی
مرحله سوم	تقویت مهارت ترجمه	ترجمه عبارات (مقدماتی)	نظارت و راهنمایی
مرحله چهارم	تقویت مهارت درک و فهم	ترجمه عبارات (نهایی)	تصحیح و تکمیل
مرحله پنجم	تقویت مهارت کاربرد (بیان مصداقی از کاربرد عبارت یا پیام درس)	مصداقیابی	تصحیح و تکمیل

۳ واژگان:

دلیل قراردادن معجم، پس از متن این است که دانش‌آموز به راحتی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه، فعال باشد؛ معلّم دانش‌آموز را در ترجمه مشارکت می‌دهد؛ تا توانایی ترجمه را در او بپروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً در پنج دقیقه تدریس می‌شود. هدف این نیست که در همان آغاز، دانش‌آموز همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. برخی از همکاران چنین پنداشته‌اند هدف این است که همان اول کار، از دانش‌آموز بخواهیم تا در چند دقیقه معنای لغت‌ها را حفظ کند؛ این کار بی‌گمان نادرست است. می‌توان در صورت داشتن زمان مناسب واژه‌پژوهی کرد؛ مثلاً ارتباط کلمات را از نظر مراعات نظیر، متضاد یا مترادف و هم‌خانواده برخی کلمات دید. از دانش‌آموز می‌پرسیم متضاد، یا مترادف فلان کلمه چیست؟ کدام کلمات در المعجم با هم ارتباط معنایی دارند؟ در انجام این کار نباید زیاده‌روی کرد چون زمان کلاس از دست می‌رود.

در طرّاحی آزمون از بخش کاربرد واژگان می‌توان از تشخیص کلمه ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ استفاده کرد.

مراحل آموزش واژگان:

۱ دبير می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند. دانش‌آموزان تلفظ درست درس را گوش می‌دهند.

۲ سپس معلّم می‌خواند و دانش‌آموزان تکرار می‌کنند. این قرائت می‌تواند به تشخیص معلّم به همراه او و شامل گروهی از دانش‌آموزان باشد، یا به صورت انفرادی.

۱. دربارهٔ ترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند.

«سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف را برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر، فعل «ذَهَبَ» و «انطَلَقَ» را مثال می‌زند.

از دیدگاه «سیوطی» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، پس از اینکه طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف گشته‌اند.

اما ابن سکیت معتقد است که برخی واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند؛ مثلاً در مورد فعل «گزیدن»

العَضُّ: بالأَسنانِ لا بالشفتينِ / النَّهْسُ : المَدُّ بالفمِ / النَّهْشُ : العَضُّ السريعُ / العَجْمُ : العَضُّ بالأسنانِ لِتَنْظُرَ أَ صَلْبٌ هُوَ أَمَّ خَوَار

یا در مورد لانه:

العُشُّ: الَّذِي يَجْمَعُهُ الطَّائِرُ مِنَ العِيدَانِ وَ غَيْرِهَا فَيَبْيِضُ فِيهِ. / الوَكْرُ : فِي الجبَلِ / الوَكْنَةُ : مَوَاقِعُ الطَّيْرِ حَيْثُمَا وَقَعَ وَ دربارهٔ جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوهٔ درست به کارگیری آن دربارهٔ فرق «راکب» و «فارس» می‌گوید:

«يُقَالُ: مَرَّ بِنَا رَاكِبٌ، إِذَا كَانَ عَلَى بَعِيرٍ، وَ الرِّكْبُ أَصْحَابُ الإِبِلِ. أَمَا إِذَا كَانَ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ فَرَسٍ يُقَالُ: مَرَّ بِنَا فَارِسٌ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ...»

اما ابومنصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به کاربردن هر کلام به جای دیگری برحذر می‌دارد؛ مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

أَوَّلُ النُّومِ: التُّعَاسُ / الكَرَى: هُوَ أَنْ يَكُونَ الإِنْسَانُ بَيْنَ النَّائِمِ وَ اليَقْظَانِ / الرُّقَادُ: هُوَ النَّوْمُ الطَّوِيلُ.

و گاهی اوصاف یک اسم به‌عنوان مترادف به‌کار می‌رود که در اصل، حالت‌های گوناگون آن اسم است.

۴ قسمت سوم: قواعد

تصاویر

تصاویر زیبای کتاب، دربرگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند. گاهی حساسیت تصاویر در نقد و بررسی‌ها بیشتر از متن می‌گردد.

رسالت مهم تصاویر

۱ پیام‌های ارزشی این تصاویر، موجب تقویت هویت اسلامی - ایرانی می‌شود.

۲ جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را سریع و تسهیل می‌کند.

شاعر گرانمایه ایرانی مولوی در این باره می‌گوید:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن * سال‌ها نتوان نمودن با بیان

اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان جهت تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آنگاه ترجمه هر جمله بیان می‌شود که بهتر است معلم در این مرحله، نقش ارشادی داشته باشد؛ تا بتواند با ظرافت، پیوندی قوی بین سه قسمت واژگان، متن و قواعد ایجاد کند.

«اعلموا»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این بخش تا پایان کتاب، برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره‌بردار؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نیست.

حفظ مطالب بخش «اعلموا» الزامی نیست؛ همچنین نیازی به ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلم در این قسمت دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد. معلم قواعد به عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم است، نه هدف اصلی و علت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلم محترم نیز باید در

بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند.

در این بخش، دانش‌آموزان تعامل بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سؤالات پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحح داشته باشد. در این صورت، یادگیری عمیق می‌شود.

تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تلطیف آموزش، تلاش شده است دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد. سعی شده است عباراتی انتخاب شود که حتی الامکان کلمات جدید نداشته، یا کم داشته باشند.

حل تمرین‌ها به عهده دانش‌آموز است. معلّم راهنمایی می‌کند.

جای کافی برای حل تمرین پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن مجدد تمرین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و شاید اشتباهات اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است حل تمرینات در کتاب صورت بگیرد؛ تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید. پیش‌تر اشاره شد که الفبای ما عربی است؛ لذا ضرورتی که در آموزش انگلیسی برای تقویت مهارت نوشتن وجود دارد در آموزش عربی حس نمی‌شود.

قالب کلی تمارین

ردیف	تمرین	قالب و الگوها
۱	واژه	۱- معنای واژه
		۲- واژگان مترادف، متضاد و ناهماهنگ
		۳- شناخت و کاربرد واژگان در جمله
		۴- جدول کلمات متقاطع رمزدار
۲	ترجمه	ترجمه جملات عربی به فارسی شامل: آیه، حدیث، جمله‌های معمولی
۳	قواعد	شناخت و کاربرد قواعد، شامل: شناخت فعل امر، فعل نهی، معادل فعل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی، ساعت خوانی، اسم اشاره به نزدیک و دور، کلمات پرسشی، نفی ماضی و مضارع، مستقبل اعداد، فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به)، جار و مجرور اسم تفضیل، اسم مکان، اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لِ، لَا، إِنَّ، مَنْ، مَا»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَانَ
۴	درک مطلب	۱- پاسخ به سؤالات عربی
		۲- انتخاب گزینه مناسب برای پاسخ به پرسش‌های بخش درک مطلب
۵	پژوهش	ایجاد روحیه پژوهشی در دانش‌آموزان داوطلب

این بخش در ارزشیابی‌ها، معیاری برای طراحی سؤالات امتحانی است و شایسته است معلم از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌برد و از طرح سؤالات تعریب و ساختن صیغه‌های مختلف فعل خودداری کند. ساختن اهداف کتاب درسی نیست.

ساختار درس

ساختار آموزشی کتاب عربی دهم عبارت است از:

اعداد یک تا صد، ترجمه فعل مجهول، مشتقات (اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مبالغه)، نون وقایه، جمله اسمیه (مبتدا و خبر)، جمله فعلیه (فعل، فاعل و مفعول به) و جار و مجرور.

ساختار آموزشی کتاب عربی یازدهم نیز عبارت است از:

اسم تفضیل، اسم مکان، اسلوب شرط و ادوات آن، معرفه و نکره، ترجمه بعد از اسم نکره، ترجمه شکل‌های مختلف فعل مضارع دارای حروف «أَنْ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ، حَتَّى» و «لَمْ، لِ، لا، إِنْ، مَنْ، ما»، معانی افعال ناقصه با تکیه بر فعل كَانَ.

پژوهش

پژوهش‌های کتاب در حدّ توان دانش‌آموز داوطلب برگزیده شده است. پژوهش در درس عربی بسیار سخت است؛ چون زبان آن فارسی نیست. لذا برخورد معلم در اینجا باید مطابق واقعیت باشد.

نمی‌توان از دانش‌آموز توقع داشت مانند دانشجوی رشته زبان و ادبیات عرب اطلاعات گسترده داشته باشد. هرچند تعداد کمی از دانش‌آموزان برای این کار داوطلب می‌شوند، ولی نمی‌توان به این دلیل کار پژوهشی را در مدارس تعطیل کرد.

واژه‌شناسی

مطالب این بخش، برای طرح در کلاس درس نیست. صرفاً اطلاعاتی برای دبیر است که البته اگر دانش‌آموزی سؤالی بپرسد می‌تواند پاسخ آن را برای آن دانش‌آموز مطرح کند. هدف سهولت دسترسی معلم به پرسش‌های احتمالی دانش‌آموزان است.

بخش چهارم

محتوای کتاب و چگونگی آموزش درس‌ها

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

اهداف

دانش آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن «مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ» را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۳ شبیه متن مکالمه درس را در کلاس به همراه هم کلاسی‌هایش اجرا کند.
- ۴ شکل‌های مختلف اسم تفضیل را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۵ اسم مکان را بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس اول هدف اصلی کتاب را تحت پوشش قرار می‌دهد. مطابق برنامه درسی ملی یک هدف مهم درس عربی، فهم بهتر قرآن است. دو آیه ۱۱ و ۱۲ سوره حُجُرَات به همراه تفسیر آن زینت بخش آغاز کتاب درسی است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید مردمانی مردم دیگر را ریشخند کنند، شاید آنها از خودشان بهتر باشند، و نباید زنانی زنان دیگر را [ریشخند کنند]، شاید آنها از خودشان بهتر باشند، و از یکدیگر عیب‌جویی نکنید، و به همدیگر لقب‌های زشت ندهید. نام زشت پس از ایمان آوردن زشت است و هرکس توبه نکرد آنان خودشان ستمکارند.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَّ

بَعْضُكُمْ بَعْضًا أَوْ يُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ ﴿۶۱﴾

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که برخی گمان‌ها گناه است، و جاسوسی و بدگویی یکدیگر نکنید. آیا کسی از شما دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ این کار را ناپسند می‌دارید، و از خدا پروا کنید که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

ترجمه استاد مهدی فولادوند

۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقب‌های زشت دهید چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند.

۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره ای از گمان‌ها گناه است، و جاسوسی مکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است.

قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا، فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَغِدَ عَنِ الْعُجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكَرَ عُيُوبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ خَفِيِّ أَوْ بِإِشَارَةٍ. فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلَهُ».

گاهی میان مردم کسی هست که از ما بهتر است، پس باید از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پوشیده، یا با اشاره ذکر نکنیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده‌اند: بزرگ‌ترین عیب آن است که عیبی بجویی که مانند آن در خودت باشد.

تَنْصَحُنَا الْآيَةُ الْأُولَى وَ تَقُولُ: لَا تَعْيِبُوا الْآخَرِينَ. وَ لَا تَلْقُبُوهُمْ بِالْقَابِ يَكْرَهُنَّهَا. بِئْسَ

الْعَمَلُ الْفُسُوقُ! وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

آیه نخست، ما را اندرز می‌دهد و می‌گوید: عیب‌جویی دیگران نکنید و به آنان لقب‌هایی که ناپسند می‌دارند ندهید. آلودگی به گناه بد است و هرکس چنین کند در این صورت از ستمگران است.

إِذَنْ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى فِي هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ:

بنابراین، خدای بلندمرتبه در این دو آیه حرام ساخته است:

■ **الْإِسْتِهْزَاءَ بِالْآخَرِينَ، وَ تَسْمِيَتَهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيحَةِ.**

ریشخند کردنِ دیگران، و نامیدنِ آنها با اسم‌های زشت.

■ **سَوْءَ الظَّنِّ، وَ هُوَ اتِّهَامُ شَخْصٍ لِشَخْصٍ آخَرَ بِدُونِ دَلِيلٍ مَنْطِقِيٍّ.**

بدگمانی، و آن عبارت است از اتهام زدن کسی به کسی دیگر بدون دلیلی منطقی.

■ **الْتَجَسُّسَ، وَ هُوَ مُحَاوَلَةٌ قَبِيحَةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِفَضْحِهِمْ وَ هُوَ مِنْ كِبَائِرِ الذُّنُوبِ فِي**

مَكْتَبِنَا وَ مِنَ الْأَخْلَاقِ السَّيِّئَةِ.

جاسوسی، و آن عبارت است از تلاشی زشت برای آشکار ساختن رازهای مردم و برای رسوا

کردنشان که از گناهان بزرگ در آیین ما و از اخلاق بد است.

■ **وَ الْغَيْبَةَ، وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ.**

غیبت، و آن از مهم‌ترین دلیل‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسِّرِينَ سُورَةَ الْحُجُرَاتِ الَّتِي جَاءَتْ فِيهَا هَاتَانِ الْآيَتَانِ بِسُورَةِ الْأَخْلَاقِ.

برخی مفسران سوره حُجُرَات را که در آن این دو آیه آمده است سوره اخلاق نامیده‌اند.

پاسخ درک مطلب: غ غ ص ص غ

توضیح درباره کتابخانه گُندی شاپور در اختر نفسک:

در سال ۲۵۰ پ.م کتابخانه گُندی شاپور (یا جندی شاپور) در خوزستان که بزرگ‌ترین

کتابخانه دنیای باستان به شمار آمده است بنیان نهاده شد. این دانشگاه بزرگ‌ترین مرکز

آموزش و پژوهش پزشکی، فلسفه و ادبیات جهان کهن خوانده شده است. در این دانشگاه استادان ایرانی، هندی، یونانی و رومی تدریس می‌کردند. بعد از اینکه اعراب مسلمان ایران را تصرف کردند، به ارزش این کتابخانه پی‌بردند و بر آن شدند که شکوه پیشین آن را نگاه دارند. آنان همه سازمان‌های شهر از جمله بیمارستان، کتابخانه، مدرسه پزشکی و پرستشگاه‌ها را برجا نگاه داشتند.

واژگان

یادگیری واژگان جدید درس در دل متن و عبارت انجام می‌پذیرد. معنای کلمه در آغاز درس و نیز خارج از جمله سؤال نمی‌شود. اگر برای یادگیری بهتر و سرعت در کار تصمیم داریم که معنای کلمه بپرسیم، از نمره دادن خودداری کنیم؛ زیرا معنای کلمه باید در جمله خواسته شود. چنین کاری را می‌توان در قالب یک مسابقه انجام داد. پرسیدن معنای کلمات بیرون از جمله یک ارزشیابی منسوخ است.

اعلموا

اسم تفضیل مبحثی پرکاربرد در قواعد هر زبانی از جمله عربی است. در کتاب درسی کلماتی مانند اعلی، اعلی، اَحَب، اَشَدّ و خیر و شرّ نیز به عنوان اسم تفضیل آموزش داده شده‌اند.

مطالبی فراتر از کتاب برای دبیر (نه برای دانش‌آموز):

اسم تفضیل برای بیان برتری یک چیز نسبت به چیز دیگر یا بیان کمتر و زیادتر بودن صفتی در یک فرد یا یک چیز نسبت به دیگری در جمله ذکر می‌شود که اگر از فعل ثلاثی مجرد ساخته شود بر وزن «أَفْعَل» می‌آید و اگر از فعل ثلاثی مزید ساخته شود، قبل از آن، «أَشَدّ» یا «أَكْثَر» قرار داده می‌شود و مصدر فعل را به صورت منصوب بعد از آن ذکر می‌کنیم ثلاثی مجرد: حمیدٌ أكبرٌ من سعید.

ثلاثی مزید: ناصرٌ أكثرٌ أحساناً من حامدٍ.

برای ساختن اسم تفضیل از ثلاثی مزید مصدر آن را به صورت منصوب می‌آوریم و قبل از آن، «اکثر» یا «أشد» می‌آوریم.

اگر اسم تفضیل بر «عیب، رنگ و زینت» دلالت کند؛ مانند ثلاثی مزید ساخته می‌شود؛ مثال:

عیب: عینه اشدّ إعراراً من صدیقه: چشم او لوچ‌تر از دوستش است.

رنگ: الدم اشدّ إحمراراً من الشّفة: خون سرخ‌تر از لب است.

زینت: هذا البیت أكثر جمالاً من الآخر: این خانه زیباتر از دیگری است (کلمه «جمال» که

به معنای زیبایی است به هر دو شکل استفاده می‌شود: أجمل / أكثر جمالاً).

هماهنگی در ترجمه چند جای حوار درس اول و چند توضیح:

عِنْدَنَا قَمِیصٌ بِسَعْرِ خَمْسِیْنَ أَلْفَ تَومَانٍ. پیراهن به قیمت پنجاه هزار تومان داریم.

مَتَجَرٌّ وَ مَحَلٌّ هِر دُو بَه مَعْنَای مَغَازَه اسْت؛ اَمَّا مَعْرَضُ نَمَایِشْگَاهِ اسْت. در زبان عربی دُكَّان

نیز به کار می‌رود و جمع آن دُكَاكِیْنِ اسْت. دکان ریشه فارسی دارد.

تُخْفِیضُ وَ حُصْمٌ وَ حُصُومٌ هِر سَه بَه مَعْنَای تُخْفِیْفُ هِسْتَنْد.

سَعْرٌ، قِیْمَةٌ وَ تَمَنٌ هِر سَه بَه مَعْنَای قِیْمَتُ هِسْتَنْد.

تمرین‌ها

هدف اصلی در این قسمت، تعمیق و تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه

است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی سعی شده است تا تمرین درس ساده باشد و

دانش‌آموز از حل آنها لذت ببرد.

شایسته است دبیر ارجمند برگ‌های مخصوص قرائت دانش‌آموزان داشته باشد و هر بار

که یکی از دانش‌آموزان عبارتی یا تمرینی را می‌خواند در آن علامت بزند، تا عدالت آموزشی

در این باره اجرا شود و همه دانش‌آموزان به اندازه کافی تمرین کنند. برای حل تمرینات

نیازی به دفتر پاک‌نویس نیست. در کتاب درسی جای جواب پیش‌بینی شده است. در امتحان

شفاهی به راحتی می‌توان از کتابی دست‌نخورده استفاده کرد.

برخی می‌گویند: اگر دانش‌آموز پاسخ را در کتاب بنویسد، روز امتحان نمی‌تواند خودآزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط‌کش به راحتی می‌توان روی پاسخ‌ها را گرفت. این کار موجب می‌شود دانش‌آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

حلّ تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و نقش معلّم، نظارت و تصحیح است. تمرینات به گونه‌ای طراحی شده است که معلّم بتواند در جلسه سوم تمرینات درس اوّل را به پایان برساند.

تمرین اوّل:

هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است.

تمرین دوم:

در این سه تمرین، چند حدیث نبوی برای تقویت مهارت ترجمه گزینش شده است. جملات این تمرین‌ها را می‌توان در زندگی روزمره به عنوان شاهد مثال، برای بسیاری از موقعیت‌ها به کار برد. در این تمرین، گریزی به قواعد سال‌های گذشته نیز وجود دارد. این شیوه در کلّ کتاب درسی انجام شده است و در کتاب پایه دوازدهم نیز همچنان این کار انجام می‌شود. پنج حدیث به کار رفته همگی در راستای موضوع متن درس هستند.

۱ حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبْتَدَأُ وَالْخَبَرُ)

خوش اخلاقی، نیمی از دین است.

۲ مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (الْمَفْعُولُ)

هرکس اخلاقش بد باشد (بد شود)، خودش را عذاب می‌دهد.

۳ إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ. (الْفِعْلُ الْمَاضِي الْمَجْهُولُ وَالْمَفْعُولُ)

فقط به خاطر مکارم اخلاق (بزرگواری‌های اخلاق) برانگیخته شدم.

۴ اللَّهُمَّ كَمَا حَسَّنْتَ خَلْقِي، فَحَسِّنْ خُلُقِي. (الْفِعْلُ الْمَاضِي وَفِعْلُ الْأَمْرِ)

۵ خدایا، همان طور که آفرینش را نیکو گردانیدی، اخلاقم را هم نیکو بگردان.

۶ لَيْسَ شَيْءٌ أُنْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (اسْمَ التَّفْضِيلِ وَالْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ)
در ترازوی اعمال چیزی سنگین‌تر از خوش اخلاقی نیست.

تمرین سوم:

در این تمرین، دانش‌آموز فعل را بیرون از جمله ترجمه می‌کند. این تمرین سخت است؛ اما دانش‌آموزی که سه سال فعل آموخته است باید بتواند در سال پنجم انواع فعل را تشخیص دهد. او باید افعال ماضی، مضارع، امر و نهی و ... را از هم تشخیص دهد؛ مثلاً باید بتواند أَذْهَبُ را از إِذْهَبْ تشخیص دهد. هدف اصلی این تمرین، تکرار آموخته‌های فراگیر در درس سوم و چهارم کتاب عربی پایه دهم است.

تمرین چهارم:

هدف از این تمرین یادآوری مبحث اعداد است. مبحث اعداد در سال گذشته یک درس کامل را به خود اختصاص داد. امسال نیز چند جای کتاب تکرار شده است و در بارم‌بندی نیز نمره مستقلی دارد.

تمرین پنجم:

هدف، تکرار آموخته‌های سال گذشته است که در بارم‌بندی نیز مجدداً دارای سهمیه است.

تمرین ششم:

هدف، تلفیق آموخته‌های دانش‌آموز در مبحث مشتقات است. البته بحث جامد و مشتق در کتاب وجود ندارد. اصولاً شناخت اسم جامد ارزش ندارد. این شناخت اسم مشتق است که ارزش زبانی دارد. نه تنها در این تمرین، بلکه در بسیاری از تمرینات جملات ارزشی طراحی شده است.

ارزشیابی

می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا در گروه‌های چندنفره تمرینات درس را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال گردد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند:
کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، ماهنگ آموزشی، تصویر، اعلان (پوستر)، فلش کارت

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِسْتَخْرِجْ خَمْسَةَ اَسْمَاءٍ تَفْضِيْلٍ مِّنْ دُعَاءِ الْاِفْتِتَاحِ.

هدف از این تمرین، تشویق دانش‌آموز به انجام فعالیت و تحقیق است. نمره این بخش را می‌توان در امتحان مستمر اوّل و دوم حساب کرد. انجام این بخش منوط به داشتن وقت است. اگر دبیری زمان کافی در اختیار نداشت، در انجام دادن و ندادن این قسمت از کتاب درسی مختار است.

متن دعای افتتاح:

http://www.tebyan.net/Weblog/gh_mahdi/post.aspx?PostID=26948

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱- اِتَّقَى، يَتَّقَى، اِتِّقَاءٌ حُرُوفِ اَصْلِيٍّ اَنْ، و ق ي اِسْت. (اَوْتِقَاء = اِتِّقَاء)

۲- اَتَّقَى الرَّجُلُ: اَنْ مَرَدٌ پَرِهِيْزْگَارٌ شَد. اَنْ مَرَدٌ پَرُو كَرْد.

۱- آموزگاران، خبرنگاران و ... پرده‌نگاری (اینفوگرافیک) را به عنوان یک توانایی یافته‌اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه‌تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می‌رساند. اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) یک جهش دیداری در آموزش است. با تصویرسازی درست، افراد می‌توانند سریع‌تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم‌سازی کنند. اینفوگراف چیست؟ واژه اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) Infograph کوتاه‌شده Information Graphic است. امروزه اطلاع‌نگاشت‌ها (اینفوگراف‌ها) را بسیار در اطراف خود مشاهده می‌کنیم، نقشه‌ها و ارائه اطلاعات علمی، همه به نوعی از اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف) به عنوان یک ابزار کارا استفاده می‌کنند. اطلاع‌نگاری (اینفوگرافیک) نمایشگر تصویری اطلاعات و داده‌ها است.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان (مولوی)

۳ اتَّقَى فلاناً: از فلانی ترسید، از او کناره‌گیری کرد؛ «اتَّقَيْنَا بِهِ»: برای محافظت، او را پیشاپیش همه مانند سپری در برابر دشمن نهادیم و حمله کردیم.

۴ این کلمات را می‌توان تا حدودی مترادف دانست: اِنَّم، جُنَاح، مَعْصِيَةٌ، وَزْر، خَطِيئَةٌ، ذَنْب هرچند تفاوت‌هایی در معنای این کلمات وجود دارد.

۵ اصطلاح «بَعْض ... بَعْض» معادل «یکدیگر» در فارسی است؛ مثال: دَفَعَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا لِشِدَّةِ الزَّحَامِ. به خاطر شلوغی یکدیگر را هل دادند. همچنین امروزه در کشورهایی مانند عربستان سعودی اصطلاح «مَعَ بَعْض» به معنای «با یکدیگر» بسیار کاربرد دارد؛ مثال: رُحْنَا مَعَ بَعْضٍ. لماذا يَكْرَهُ الزُّمْلَاءُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا؟ تَنَاصَرَ النَّاسُ بَعْضُهُمُ الْبَعْضَ، أَوْ بَعْضُهُمْ بَعْضًا. نَصَرَ النَّاسُ بَعْضُهُمُ الْبَعْضَ. تَعَاوَنَ الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.

۶ تَسْمِيَةٌ از کلمه اسم گرفته شده است، برخی گویند اصل آن «سمو» است و همزه اول عوض از واو است و برخی نیز گویند ریشه‌اش «وسم» به معنای علامت است که واو به همزه قلب شده است.

۷ گاهی قَدْ حرفی است که اختصاص به فعل داده می‌شود، به شرط اینکه فعل متصرف و خبری و مثبت بوده و مجرد از عامل جزم و نصب باشد. این حرف از فعل جدا نمی‌شود، مگر با قسم که میان آن و فعل فاصله می‌افتد و مضمون آن را تأکید می‌کند. عبارت «قَدْ لَا يَفْعَلُ» درست نیست. درست آن «رُبَّمَا لَا يَفْعَلُ» یا «لَنْ يَفْعَلَ» است.

گاهی قَدْ با فعل مضارع معنای تَوَقُّع را می‌رساند؛ مانند: «قَدْ يَقُومُ الْعَائِبُ الْيَوْمَ» و نیز به معنای تقلیل می‌آید؛ مانند: «قَدْ يَصِدُقُ الْكَذُوبُ» یعنی دروغگو گاهی راست می‌گوید و گاهی به معنای تحقیق با فعل ماضی می‌آید؛ مانند: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ» و گاهی برای وصل گذشته به حال می‌آید؛ مانند: «قَدْ قَامَ فُلَانٌ» و گاهی معنای بسیار را با فعل مضارع می‌دهد؛ مانند: «قَدْ أَشْهَدُ الْغَارَةَ الشَّعْوَاءَ تَحْمَلْنِي»؛ یعنی چه بسیار حمله‌های سخت را می‌بینم. در قرآن نیز آیه ﴿قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ﴾ معنای تقلیل ندارد و استثناست.

الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس فی محضر المَعْلَم را درست قرائت و ترجمه کند.
- ۲ معنای کلمات جدید درس را از عربی به فارسی بگوید.
- ۳ پیام متن را درک کند.
- ۴ برخی احادیث ساده درس را حتّی الامکان از حفظ بگوید و نمونه‌هایی در عمل کردن به مصادیق آن بگوید.
- ۵ ادوات شرط «إِنْ، مَنْ و ما» را بشناسد.
- ۶ فعل شرط و جواب آن را درست تشخیص دهد.
- ۷ جواب شرط را در جمله اسلوب شرط به صورت جمله اسمیه تشخیص دهد.
- ۸ جمله دارای اسلوب شرط را درست ترجمه کند.
- ۹ فعل و جواب شرط ماضی را در جمله دارای اسلوب شرط درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس دوم عربی زبان قرآن (۲) درباره «فی محضر المَعْلَم» است. متن این درس، در نظرسنجی‌ها مورد توافق اکثر دبیران بود. این درس اشاره‌ای به آداب در محضر استاد دارد.

هماهنگی در ترجمه متن درس دوم

فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى كَانَ الطُّلَابُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ مُدْرِّسِ الْكِيمِيَاءِ.
در زنگ اول دانش‌آموزان به سخن معلم شیمی گوش می‌کردند.
وَ كَانَ بَيْنَهُمْ طَالِبٌ مُشَاغِبٌ قَلِيلُ الْأَدَبِ، يَضُرُّ الطُّلَابَ بِسُلُوكِهِ.

و در میان آنها دانش‌آموزی اخلاک‌گر و بی‌ادب بود که با رفتارش به دانش‌آموزان آسیب می‌رساند.

يَلْتَفِتُ تَارَةً إِلَى الْوَرَاءِ وَ يَتَكَلَّمُ مَعَ الَّذِي خَلْفَهُ وَ تَارَةً يَهْمِسُ إِلَى الَّذِي يَجْلِسُ جَنْبَهُ حِينَ يَكْتُبُ الْمُعَلِّمُ عَلَى السَّبْوَرَةِ.

یک بار رویش را به عقب بر می‌گرداند و با کسی که پشت سرش بود، صحبت می‌کرد و یک بار وقتی که معلم روی تخته می‌نوشت، با کسی که کنارش بود، پچ‌پچ می‌کرد.

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّانِيَةِ كَانَ الطَّالِبُ يَسْأَلُ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعَنُّتًا.

و در زنگ دوم همین دانش‌آموز به قصد مچ‌گیری از معلم زیست‌شناسی سؤال می‌کرد.

وَ فِي الْحِصَّةِ الثَّالِثَةِ كَانَ يَتَكَلَّمُ مَعَ زَمِيلٍ مِثْلِهِ وَ يَضْحَكُ.

و در زنگ سوم، با هم‌کلاسی مانند خودش صحبت می‌کرد و می‌خندید.

فَنَصَحَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ: مَنْ لَا يَسْتَمِعُ إِلَى الدَّرْسِ جَيِّدًا يَرْتَسِبُ فِي الْإِمْتِحَانِ. وَلَكِنَّ الطَّالِبَ اسْتَمَرَ عَلَى سُلُوكِهِ.

معلم، او را نصیحت کرد و گفت: هرکس به درس خوب گوش فرا ندهد، در امتحان مردود می‌شود؛ ولی آن دانش‌آموز رفتارش را ادامه داد.

فَكَرَّ مِهْرَانُ حَوْلَ هَذِهِ الْمَشْكَلَةِ، فَذَهَبَ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ وَ شَرَحَ لَهُ الْقَضِيَّةَ وَ قَالَ:

مهران درباره این مشکل فکر کرد و نزد معلم ادبیات فارسی رفت و موضوع را برایش شرح

داد و گفت:

أُحِبُّ أَنْ أَكْتُبَ إِِنْشَاءً تَحْتَ عُنْوَانِ «فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ»؛ فَوَافَقَ الْمُعَلِّمُ عَلَى طَلْبِهِ، وَ قَالَ لَهُ:

دوست دارم انشایی تحت عنوان «در محضر معلم» بنویسم؛ معلم با درخواستش موافقت

کرد و به او گفت:

إِنْ تُطَالَعُ كِتَابَ «مُنِيَّةِ الْمُرِيدِ» لِزَيْنِ الدِّينِ الْعَامِلِيِّ «الشَّهِيدِ الثَّانِي» يُسَاعِدُكَ عَلَى كِتَابَةِ إِِنْشَائِكَ؛

اگر کتاب «منیه المرید» زین‌الدین عاملی «شهیدثانی» را مطالعه کنی تو را در نوشتن

انشایت کمک می‌کند.

ثُمَّ كَتَبَ مَهْرَانُ إِنْشَاءَهُ وَ أَعْطَاهُ لِمُعَلِّمِهِ . فَقَالَ الْمُعَلَّمُ لَهُ :

سپس مهران انشایش را نوشت و به معلمش داد. معلم به او گفت:

إِنْ تَفَرَّأَ إِنْشَاءَكَ أَمَامَ الطَّلَابِ فَسَوْفَ يَتَنَبَّهُ زَمِيلُكَ الْمُشَاغِبُ .

اگر انشایت را مقابل دانش‌آموزان بخوانی هم‌شاگردی اخلاک‌گرت آگاه خواهد شد.

وَ هَذَا قِسْمٌ مِنْ نَصِّ إِنْشَائِهِ .

و این بخشی از متن انشای اوست.

... أَلْفَ عَدَدٍ مِنَ الْعُلَمَاءِ كُنُبًا فِي مَجَالَاتِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ ، يَرْتَبِطُ بَعْضُهَا بِالْمُعَلِّمِ ، وَ

الْأُخْرَى بِالْمُتَعَلِّمِ ؛ وَ لِلطَّلَابِ فِي مَحْضَرِ الْمُعَلِّمِ آدَابٌ ، مَنْ يَلْتَزِمُ بِهَا يَنْجَحُ ؛ أَهْمُهَا :

... شماری از دانشمندان در زمینه‌های آموزش و پرورش کتاب‌هایی نوشته‌اند که برخی از

آنها به معلم ربط دارد و برخی دیگر به یادگیرنده، دانش‌آموز در محضر معلم آدابی دارد،

هرکس پایبند آن باشد موفق می‌شود؛ مهم‌ترین آنها عبارت است از:

۱ أَنْ لَا يَعِصِيَ أَوْامِرَ الْمُعَلِّمِ . اینکه از دستورهای معلم سرپیچی نکند.

۲ الْاجْتِنَابُ عَنِ الْكَلَامِ فِيهِ إِسَاءَةٌ لِلْأَدَبِ . دوری کردن از سخنی که در آن بی‌ادبی است.

۳ أَنْ لَا يَهْرَبَ مِنْ آدَاءِ الْوُجُوبَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ . اینکه از انجام تکالیف مدرسه نگریزد.

۴ عَدَمُ النَّوْمِ فِي الصَّفِّ ، عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ . نخوابیدن در کلاس، وقتی که معلم درس

می‌دهد.

۵ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ مَعَ غَيْرِهِ مِنَ الطَّلَابِ عِنْدَمَا يُدْرَسُ الْمُعَلِّمُ . اینکه وقتی معلم درس می‌دهد،

با دانش‌آموزان دیگر صحبت نکند.

۶ أَنْ لَا يَقْطَعَ كَلَامَهُ ، وَ لَا يَسْبِقُهُ بِالْكَلَامِ ، وَ يَصْبِرُ حَتَّى يَفْرَغَ مِنَ الْكَلَامِ . اینکه سخن او

را قطع نکند و در سخن، از او پیشی نگیرد و صبر کند تا سخن او تمام شود.

۷ الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ ، وَ الْإِسْتِمَاعُ إِلَيْهِ بِدَقَّةٍ وَ عَدَمُ الْإِلْتِفَاتِ إِلَى الْوَرَاءِ إِلَّا لِضَرُورَةٍ .

نشستن مقابل او با ادب و گوش فرا دادن به او به دقت و برنگشتن به عقب جز به ضرورت.

لَمَّا سَمِعَ الطَّلِبُ الْمُشَاغِبُ إِنْشَاءَ مَهْرَانِ ، حَجِلَ وَ نَدِمَ عَلَى سُلُوكِهِ فِي الصَّفِّ .

وقتی که آن دانش‌آموز اخلاک‌گر انشای مهران را شنید، شرمند شد و از رفتارش در کلاس پشیمان شد.

قَالَ الشَّاعِرُ الْمِصْرِيُّ أَحْمَدَ شَوْقِي عَنِ الْمُعَلِّمِ:

شاعر مصری احمد شوقی درباره معلم گفته است:

فَمَ لِلْمُعَلِّمِ وَقْفِهِ التَّبَحُّيْلًا كَادَ الْمُعَلِّمُ أَنْ يَكُونَ رَسُولًا

برای معلم برخیز و احترامش را کامل به جا بیاور. نزدیک است که معلم پیامبری باشد.

أَعْلِمْتَ أَشْرَفَ أَوْ أَجَلَّ مِنَ الَّذِي يَبْنِي وَيُنْشِئُ أَنْفُسًا وَعُقُولًا

آیا شناخته‌ای (سراغ داری) شریف‌تر و باشکوه‌تر از معلمی که جان‌ها و خردها را می‌سازد و پدید می‌آورد؟

بخش درک مطلب

این بخش یک هدف اولیه دارد که همان‌گونه که از نامش پیداست، درک معنای عبارت و متن است، اما همچنان هدف مهم قرائت مدنظر است. باید دانش‌آموز عبارت‌ها را با صدای بلند بخواند و پاسخ درست و نادرست را مشخص کند. پاسخ‌ها به ترتیب عبارت‌اند از: بلافاصله پس از همه درس‌های کتاب عربی دهم درک مطلب آمده است. در این درس نیز همین‌گونه است.

پاسخ درک مطلب

در این کتاب، پاسخ کامل داده شده است؛ اما دانش‌آموز می‌تواند پاسخ کوتاه دهد و هیچ اشکالی ندارد.

۱ | إِلَى مَنْ ذَهَبَ مِهْرَانُ؟ ذَهَبَ مِهْرَانُ إِلَى مُعَلِّمِ الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ.

۲ | كَيْفَ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَ الْمُعَلِّمِ؟ يَجِبُ الْجُلُوسُ أَمَامَهُ بِأَدَبٍ.

۳ | كَيْفَ كَانَتْ أَخْلَاقُ الطَّالِبِ الَّذِي كَانَ يَلْتَفِتُ إِلَى الْوَرَاءِ؟ كَانَ الطَّالِبُ مُشَاغِبًا قَلِيلَ الْأَدَبِ.

۴ | مَا اسْمُ الْكِتَابِ الَّذِي قَرَأَهُ مِهْرَانُ فِي مَجَالِ التَّرْبِيَةِ وَ التَّعْلِيمِ؟ اسْمُهُ «مُنِيَّةُ الْمُرِيدِ».

۵ | فِي أَيِّ حِصَّةٍ كَانَ الطَّالِبُ يَسْتَمِعُونَ إِلَى كَلَامِ أَسْتَاذِ الْكِيمِيَاءِ؟ فِي الْحِصَّةِ الْأُولَى.

کتاب منیة المرید فی آداب المفید و المستفید از آثار اخلاقی، تربیتی و آموزشی است. شهید ثانی در میانه سده دهم هجری و در سال ۹۵۴ق این کتاب را نوشته است. این کتاب، بیانگر روابط بین معلّم و شاگرد و در بیان فضیلت دانش‌ورزی است. این کتاب به زبان عربی بوده و بارها در ایران، عراق، هند و لبنان چاپ شده است. عنوان ترجمه کتاب، آداب تعلیم و تعلم در اسلام: ترجمه گزارش‌گونه کتاب منیة المرید فی آداب المفید و المستفید از شهید ثانی است. مترجم دکتر سیدمحمدباقر حجّتی است و توسط دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ سی‌ام رسیده است. متن اصلی عربی کتاب، توسط سید محمدرضا طباطبایی به عربی تلخیص شده است. عنوان کتاب المراد فی منیة المرید می‌باشد و کتاب درسی پایه‌های دوم و سوم حوزه‌های علمیه است. تلخیص فوق توسط حمیدرضا شریعتمداری ترجمه شده است. عنوان کتاب «آیین دانشوری» ترجمه کتاب المراد فی منیة المرید و ناشر مؤسسه دارالعلم می‌باشد. بارگذاری کتاب: adel-ashkboos.mihanblog.com/post/1390

«اعلموا»

در بخش «اعلموا» مبحث اسلوب شرط و ادوات آن مطرح شده است. در اینجا فقط آشنایی با نحوه ترجمه جملات دارای اسلوب شرط آمده است. در احادیث و روایات چنین ساختاری بسیار به کار رفته است؛ لذا دانش‌آموز باید با معنا و مفهوم آن آشنا شود.

تمرین‌ها

تمرین‌های این درس نیز مانند درس اول، کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حلّ تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند. سعی شده است حتی‌الامکان در تمرین‌ها کلمه جدیدی به کار نرود. تمرین‌ها باید در کلاس به صورت گروهی حل شود تا دانش‌آموز کار گروهی را یاد بگیرد. آنگاه دانش‌آموزان پاسخ‌های خود را می‌خوانند و دبیر رفع اشکال می‌کند. در همه کتاب، حداکثر شش تمرین طراحی شده است.

تمرین اول:

هدف، تقویت مهارت درک و فهم و کاربرد واژگان است.

تمرین دوم:

این تمرین تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد است و در خلال آن، آموخته‌های سال گذشته نیز تکرار شده است. عبارت‌ها از قرآن و حدیث برگزیده شده؛ زیرا هدف اصلی آموزش عربی نیز همین است.

تمرین سوم:

هدف، تکرار آموخته‌های دانش‌آموز در عربی دهم است. این دو درس مربوط به اشکال مختلف فعل هستند. فعل مهم‌ترین بخش قواعد زبان عربی است و در بارم‌بندی نیز همچنان مانند پایه دهم جایگاه بالایی دارد.

تمرین چهارم:

هدف، تکرار آموخته‌های دانش‌آموز در دوره اول متوسطه است. کاربرد اسم اشاره به همراه مشارالیه هدف این تمرین است.

تمرین پنجم:

هدف، تقویت کاربرد واژگان است. متضاد و مترادف در هر زبانی از تمرین‌های اصلی است.

تمرین ششم:

هدف، مجدداً مانند تمرین دوم تثبیت آموخته‌های بخش قواعد درس است.

البحث العلمی (پژوهش)

در انتهای هر درس، این بخش نهاده شده است و دبیر علاقه‌مند می‌تواند در صورت داشتن زمان کافی، دانش‌آموزان را تشویق به انجام پژوهش کند. بدیهی است که در دروسی مانند عربی و انگلیسی نظر به اینکه زبان این درس‌ها فارسی نیست آزادی عمل وجود ندارد.

ارزشیابی

دبیر لیستی در اختیار دارد و هر بار که دانش‌آموزی جمله‌ای را می‌خواند علامت می‌زند

تا همه بخوانند و عدالت آموزشی در حل تمرین‌ها رعایت شود. هرچند گاهی دبیر برای تسهیل آموزش از برخی دانش‌آموزان مستعد استفاده می‌کند؛ اما باید توجه داشت که افراط در این کار، موجب ناراحتی سایر دانش‌آموزان و ایجاد حس ناخوشایند نسبت به دانش‌آموز فعال می‌شود.

وسایل کمک آموزشی

کتاب گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف (اطلاع‌نگاشت)، پاورپوینت، ماهنگ آموزشی، اسلاید، اعلان (پوستر)، فلش کارت

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ معانی و کاربردهای مختلف «أَلَفَّ»:

أَلَفَّ الشَّيْءَ : بخش‌های چیزی را به هم پیوند داد.

أَلَفَّ الْأَلْفَ : شماره چیزی را به یک هزار رسانید.

أَلَفَّ الْكِتَابَ : کتاب را گردآوری و تألیف کرد.

أَلَفَّ الْحُكُومَةَ : دولت را تشکیل داد.

أَلَفَّ بَيْنَهُمْ : میانشان دوستی برقرار ساخت.

۲ تَارَةً یعنی یک بار و کاربردهای گوناگون دارد:

۱ جمع آن تارات: زمان و یک بار؛ «فَعَلْتُ تَارَةً هَذَا وَ تَارَةً (أَوْ طَوْرًا) ذَاكَ»: گاهی این کار و گاهی آن کار را انجام دادم. « تَارَةً بَعْدَ تَارَةٍ »: گهگاه، گاه و بی‌گاه.

۲ حِصَّةٌ در کتاب درسی به معنای زنگ مدرسه به کار رفته است. الحصة الثانية، یعنی زنگ دوم. معانی مختلف حصه عبارت است از: سهمیه، سهم، بهره، قسمت، نصیب، بورسیه.

حِصَّةٌ (منحة) دِرَاسِيَّةٌ: بورس تحصیلی؛ حِصَّةٌ فِي الرَّبْحِ: سود سهم برای دارنده آن.

۳ مصدر خِجَالَتْ در زبان فارسی کاربرد دارد. در عربی خَجَلْ گفته می‌شود.

۴ معانی کاد: نزدیک شد (بود)، در شُرْفٍ ... واقع شد، در مرز ... قرار گرفت، در آستانه ... قرار گرفت، نزدیک بود که / ما کاد ... حَتَّىٰ يَا لَمَ يَكِدْ ... حَتَّىٰ: هنوز ... (فعل منفی) که ... به محض اینکه ... چیزی نگذشته بود که ...، به مجرد اینکه.

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

اهداف

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، بفهمد و ترجمه کند.
- ۲ دو پیام متن را درست درک کند (اَوَّلُ تَفَكَّرُ در آفرینش خدا؛ دوم اهمیت درختکاری)
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ معنای اسم معرفه به ال و اسم نکره را بداند و در جمله درست ترجمه کند.
- ۶ اسم معرفه به ال و عَکْمَ را در جمله و متن تشخیص دهد.
- ۷ با یک متن مکالمه در محیط ورزشی آشنا شود.

فرایند آموزش درس

می‌توان از کلیپ‌هایی در مورد انواع درختان در این زمینه پیش از شروع درس استفاده کرد. این کار بستگی به وقت و امکانات مدرسه دارد. در غیر این صورت، می‌توان از خود دانش‌آموزان در مورد درختان عجیب سؤال کرد. متن درس همانند درس باران ماهی در پایه دهم بسیار جذاب است و دانش‌آموزان به چنین متونی علاقه بسیار نشان می‌دهند.

هماهنگی در ترجمه متن درس

ظَوَاهِرُ الطَّبِيعَةِ تُثَبِّتُ حَقِيقَةً وَاحِدَةً وَ هِيَ قُدْرَةُ اللَّهِ، وَالْآنَ نَصِفُ بَعْضَ هَذِهِ الظَّوَاهِرِ.
پدیده‌های طبیعت یک حقیقت را ثابت می‌کنند و آن قدرت خداست، و اینک برخی از این پدیده‌ها را توصیف می‌کنیم.

الْعِنَبُ الْبِرَازِيلِيُّ شَجَرَةٌ تَخْتَلِفُ عَنْ بَاقِي أَشْجَارِ الْعَالَمِ، تَنْبُتُ فِي الْبِرَازِيلِ، وَ تَنْمُو أَثْمَارُهَا
عَلَى جَذْعِهَا، وَ مِنْ أَهَمِّ مَوَاصِفَاتِ هَذِهِ الشَّجَرَةِ أَنَّهَا تُعْطَى أَثْمَارًا طَوَّلَ السَّنَةِ.

انگور برزیلی درختی است که با بقیه درختان جهان فرق دارد، در برزیل می‌روید و میوه‌هایش روی تنه آن هستند و از مهم‌ترین ویژگی‌های این درخت، این است که در طول سال میوه می‌دهد.

شَجَرَةُ السُّكُوبَا شَجَرَةٌ مِنْ أَطْوَلِ أَشْجَارِ الْعَالَمِ فِي كَالِيفُورِنِيا، قَدْ يَبْلُغُ ارْتِفَاعَ بَعْضِهَا أَكْثَرَ مِنْ
مِئَةِ مِترٍ وَ قَدْ يَبْلُغُ قَطْرُهَا تِسْعَةَ أمتارٍ، وَ يَزِيدُ عُمرُهَا عَلَى ثَلَاثَةِ آلَافٍ وَ خَمْسِمِئَةِ سَنَةٍ تَقْرِيبًا.
درخت سکویا درختی است از بلندترین درختان جهان در کالیفرنیا، گاهی بلندی برخی از آنها به بیش از صد متر می‌رسد و گاهی قطر آن به نه متر می‌رسد و عمر آن تقریباً بیشتر از سه هزار و پانصد سال است.

الشَّجَرَةُ الْخَانِقَةُ شَجَرَةٌ تَنْمُو فِي بَعْضِ الْغَابَاتِ الْإِسْتَوَانِيَّةِ، تَبْدَأُ حَيَاتَهَا بِالِالْتِفَافِ حَوْلَ
جِذْعِ شَجَرَةٍ وَ عُصُونِهَا، ثُمَّ تَخْتَنُقُهَا تَدْرِيجِيًّا. يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي جَزِيرَةِ قِشْمِ الْتِي تَقَعُ فِي
مُحَافَظَةِ هَرْمُزْجَانِ.

درخت خفه‌کننده درختی است که در برخی جنگل‌های استوایی می‌روید [و] زندگی‌اش را با درهم پیچیدن به دور تنه درخت آغاز می‌کند، سپس آن را کم‌کم خفه می‌کند. گونه‌ای از آن در جزیره قشم که در استان هرمزگان واقع است وجود دارد.

شَجَرَةُ الْخُبْزِ شَجَرَةٌ أُسْتَوَائِيَّةٌ تَنْمُو فِي جُزُرِ الْمُحِيطِ الْهَادِي، تَحْمِلُ أَثْمَاراً فِي نِهَائِيَةِ أَغْصَانِهَا
كَالْخُبْزِ. يَأْكُلُ النَّاسُ لُبَّ هَذِهِ الْأَثْمَارِ.

درختِ نانِ درختی استوایی است که در جزیره‌های استوایی اقیانوس آرام می‌روید [و] میوه‌هایی مانند نان در انتهای شاخه‌هایش حمل می‌کند. مردم مغز این میوه‌ها را می‌خورند.
شَجَرَةُ النَّفْطِ شَجَرَةٌ يَسْتَعْمِدُهَا الْمُزَارِعُونَ كَسِيَا حَوْلَ الْمَزَارِعِ لِحِمَايَةِ مَحَاصِلِهِمْ مِنَ
الْحَيَوَانَاتِ.

درختِ نفت، درختی است که کشاورزان آن را مانند پرچینی دور کشتزارها برای حمایت از محصولاتشان از جانوران به کار می‌گیرند.

لِأَنَّ رَائِحَةَ هَذِهِ الشَّجَرَةِ كَرِيهَةٌ تَهْرَبُ مِنْهَا الْحَيَوَانَاتُ، وَ تَحْتَوِي بُدُورُهَا عَلَى مِقْدَارٍ مِنَ
الزُّبُوتِ لَا يُسَبِّبُ اشْتِعَالَهَا خُرُوجَ أَيِّ غَازَاتٍ مُلَوِّثَةٍ.

زیرا بوی این درخت، ناپسند است و جانوران از آن می‌گریزند و دانه‌هایش حاوی مقداری
روغن است و آتش گرفتن آن، سبب خروج هیچ گاز آلوده‌کننده‌ای نمی‌شود.
وَ يُمَكِّنُ إِنْتَاجَ النَّفْطِ مِنْهَا. وَ يَوْجَدُ نَوْعٌ مِنْهَا فِي مَدِينَةِ نِيكْشَهْرٍ بِمُحَافَظَةِ سِيِسْتَانِ وَ
بَلُوشِسْتَانِ بِاسْمِ شَجَرَةِ مِدَادِ.

و تولید نفت از آن امکان دارد و گونه‌ای از آن در نیک‌شهر در استان سیستان و بلوچستان
به نام درختِ مداد وجود دارد.

شَجَرَةُ الْبَلُوطِ هِيَ مِنَ الْأَشْجَارِ الْمُعَمَّرَةِ وَ قَدْ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمُرِ أَلْفِي سَنَةٍ. تَوْجَدُ غَابَاتٌ جَمِيلَةٌ
مِنْهَا فِي مُحَافَظَةِ إِيْلَامِ وَ لُرِسْتَانِ. يَدْفِنُ السَّنْجَابُ بَعْضَ جَوْزَاتِ الْبَلُوطِ السَّلِيمَةِ تَحْتَ التُّرَابِ،
وَ قَدْ يَنْسَى مَكَانَهَا. وَ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ تَنْمُو تِلْكَ الْجَوْزَةُ وَ تَصِيرُ شَجَرَةً.

درخت بلوط از درختان کهنسال است و عمر آن به دو هزار سال می‌رسد. جنگل‌های
زیبایی از آن در استان ایلام و لرستان وجود دارد. سنجاب برخی دانه‌های سالم بلوط را زیر
خاک دفن می‌کند و گاهی جایش را فراموش می‌کند و در سال آینده، آن دانه می‌روید و
درختی می‌شود.

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ عليه السلام: اِرْزَعُوا وَ اَغْرَسُوا، ... وَ اللّٰهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا اَحَلَّ وَ لَا اَطْيَبَ مِنْهُ.
امام صادق عليه السلام فرموده‌اند: کشاورزی کنید و نهال بکارید، ... به خدا سوگند، مردم کاری
حلال‌تر و پاک‌تر از آن انجام نداده‌اند.

اعلموا

قواعد درس درباره اسم معرفه و نکره است. مهم‌ترین معرفه از شش نوع معارف معرفه به ال است که بسیار پرکاربرد می‌باشد. در این کتاب، فقط دو نوع معرفه تدریس شده است. دانش‌آموزان علاقه‌مند در دانشگاه و حوزه این بحث را کامل خواهند کرد. قرار نیست هرچه در زمینه صرف و نحو و دانش‌های زبانی وجود دارد را دانش‌آموز در طول دبیرستان بیاموزد. اسم معرفه و نکره در دستور زبان فارسی:

اسم معرفه:

اسم معرفه یا شناخته شده اسمی است که نزد مخاطب معین و معلوم است.

اسم معرفه انواعی دارد:

۱ اسم خاص، مانند کورش، داریوش، پروین، شهرزاد

۲ معرفه به اشاره، یعنی اسمی که به وسیله صفت‌های اشاره این، آن، همین و همان وصف شده باشد؛ مثال: آن کتاب، این کتاب، همان خانه، همین خانه.

۳ عهد ذکری: اسمی که قبلاً در کلام آمده باشد؛ مثال: کیفی را پیدا کردم. کیف را به صاحبش رساندم؛ یعنی کیف مذکور را رساندم.

۴ عهد ذهنی، اسمی که در ذهن مخاطب مشخص است؛ مانند پیغمبر فرمود: (یعنی پیامبر اسلام)، خانه را خریدم؛ (یعنی خانه‌ای را که تو اطلاع داری).

۵ ضمیر جزء معرفه‌هاست؛ مانند: من، تو، او ...

۶ اسم مضاف به معرفه یا دارای متمم معرفه؛ مثال: شهر ما، درس دیروز، دوستی با کاوه، اقامت در شیراز.

۷ معرفه جنسی؛ یعنی اسمی که بر جنس یا نوع دلالت کند؛ مانند انسان و حیوان، یعنی نوع انسان و نوع حیوان.

گاهی اسم معرفه نشانهٔ لفظی دارد؛ مانند «را»، «این»، «آن»، «همین» و «همان» گاهی نیز ندارد، مگر اینکه خالی بودن اسم را از نشانه‌های نکره، از دلایل معرفه بودن آن به شمار آوریم.

اسم نکره

اسم نکره، یا ناشناخته اسمی است که در نزد مخاطب مبهم و نامشخص است؛ مانند: کتابی، شهرهایی.

از نشانه‌های نکره می‌توان به «ی» و «یک» و صفات مبهمی از قبیل: چند، فلان، هر، چنین و چنان اشاره کرد؛ مثال: چه مردی، هیچ زنی، فلان کوچه، یک روزی، هر شبی و ...

نکته:

گاهی «ی» نشانهٔ نکره نیست؛ مانند «مردی» در جملهٔ «مردی را که دیروز دیدم پدرش بود».

این جمله را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد: «آن مردی را که دیروز دیدم پدرش بود.» بهتر است که این «ی» را موصول به شمار آوریم، نه نشانهٔ نکره.

حوار

مکالمهٔ این درس در یک محیط ورزشی است. همهٔ دانش‌آموزان در این سن به ورزش علاقه‌مندند. دلیل‌گزینش این متن نیز همین علاقه‌مندی فراگیران است. این متن می‌تواند در ایجاد انگیزه و علاقه نسبت به درس زبان عربی تأثیرگذار باشد. آشنایی با چند اصطلاح ورزشی به زبان عربی برای دانش‌آموزان جالب است.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف، تقویت کاربرد واژگان و درک مطلب است.

پاسخ‌ها عبارت‌اند از: الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ، الْإِلْتِفَافُ، الْمُعَمَّرُ، الْمَزَارِعُ، الْمُواصَفَاتُ

تمرین دوم:

هدف، تقویت مهارت ترجمه است.

در خلال ترجمه، نگاهی به آموخته‌های پیشین نیز وجود دارد.

از آنجا که متن درس دربارهٔ طبیعت است، احادیث این تمرین دربارهٔ درختکاری است.

تمرین سوم:

هدف، تقویت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز در دورهٔ اوّل متوسطه و تلفیق آن با آموخته‌های

نوین است.

این تمرین تقویت مهارت مکالمه است.

تمرین چهارم:

هدف، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد درس است.

باید دانش‌آموز با توجه به قواعد معرفه و نکره ترجمهٔ درست ارائه کند.

هدف دیگر این تمرین اشاره‌ای به آثار تاریخی ایران است.

تمرین پنجم:

نه تنها در این درس، بلکه در همه جای کتاب تمرین فعل تکرار شده است و در کتاب‌های

دو سال آینده نیز این تکرار و تمرین بر انواع فعل انجام خواهد شد.

یادگیری فعل بسیار مهم است. مهم‌ترین قاعده در آموزش عربی آموزش انواع فعل است.

آموخته‌های دانش‌آموز در درس سوم و چهارم از کتاب دهم مجدداً بازآموزی و یادآوری

شده است.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

هدف بخش پژوهش، تبیین اهمیت درختکاری و احترام به محیط زیست است.

پیشنهاد می‌شود یک ونبوست برای این منظور به اسم مدرسه و برای ثبت فعالیت‌های

دانش‌آموزان ساخته شود.

ارزشیابی

آنچه در دروس قبل دربارهٔ شیوه‌های ارزشیابی نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد. متن درس را می‌توان با استفاده از کتاب گویا و نم‌های موجود در اینترنت در مورد این پدیدهٔ طبیعی در کلاس درس اجرا کرد.

وسایل کمک آموزشی

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم‌افزار، پرده‌نگار (پاورپوینت)، اطلاع‌نگاشت (اینفوگراف)، نم‌های آموزشی (کلیپ)، اعلان (پوستر) و تصویر توصیه می‌شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱ طَبَّ، یعنی خوب، مترادف آن جَيِّد و حَسَن و متضادش سَيِّء است. در گویش عامیانهٔ عراق زین، در سوریه مَنِيخ و در عربستان سعودی کُوَّيس گفته می‌شود.

۲ «جَوَز» به معنای «گردو» برگرفته از واژهٔ پارسی «گوز» است. در گذشته گردکان نیز نامیده می‌شده است. امروزه در کردی و ترکی همچنان گردکان گفته می‌شود. امروزه در کردی کرمانجی «گوز» کاربرد دارد. در شمال ایران «آغوز» و در میان ترکمن‌ها «قوز» کاربرد دارد.

۳ «السِّيَاح» جمع آن سِيَاحَات، اَسْوَجَة و سُوج [سیج]: دیوار، آنچه بر چیزی احاطه داشته باشد؛ مانند: درخت انگور و نخل. به نرده و دیوارهای چوبی گفته می‌شود.

۴ «الْغَاز» به معنای «گاز» معرَّب واژهٔ gaz در زبان فرانسه است.

۵ «الْمَحْصُول» جمع آن مَحْصُولَات و مَحَاصِيل: محصول، دانه‌ها، به دست آمده‌ها؛ «مَحَاصِيل الْأَرْضِ»: غلات زمین؛ «مَحْصُولُ الْكَلَامِ»: معنا و مفهوم کلام.

۶ «النَّوَاة» جمع آن نَوَى و نَوَايَات و جمع الجمع أَنْوَاء و نَوَى و نَوَى: هستهٔ خرما و مانند آن؛ «نَوَاةُ الدَّرَّة»: هستهٔ اتم.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

اهداف

دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست قرائت و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درک کند.
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت، به آیات و حکم درس استشهاد کند.
- ۵ جمله بعد از نکره را درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس چهارم درباره آداب سخنوری است. سخن گفتن هنر است. با استفاده از آیات و احادیث فن بیان در این درس آموزش داده شده است. اهمیت فن بیان آن اندازه است که در برخی کشورها ساعت درسی به آن اختصاص داده‌اند.

هماهنگی در ترجمه متن درس

آدابُ الْكَلَامِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا﴾ (الْأَحْزَاب: ۷۰)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و سخنی استوار بگویید.

لِلْكَلامِ آدابٌ يَجِبُ عَلَى الْمُتَكَلِّمِ أَنْ يَعْمَلَ بِهَا وَ يَدْعُو الْمُخاطَبِينَ بِكَلَامٍ جَمِيلٍ إِلَى الْعَمَلِ

الصَّالِحِ، وَ أَنْ لَا يُجَادِلَهُمْ بِتَعَنُّتٍ.

سخن گفتن، آدابی دارد که سخن گوینده باید به آنها عمل کند و به سخنی زیبا مخاطبان

را به کار درست دعوت کند و به قصد مچ‌گیری با آنها ستیز نکند.

﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جادِلْهُمْ بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل: ۱۲۵)

با دانش و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت فرباخوان و با آنان با شیوه‌ای که نیکوتر است ستیز کن.

وَ يَجِبُ أَنْ يَكُونَ عَامِلًا بِمَا يَقُولُ، حَتَّى يُغَيَّرَ سُلُوكُهُمْ، ﴿لَمْ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾
(الْصَّف: ۲)

و باید که به آنچه می‌گوید عمل کننده باشد، تا رفتارشان را تغییر دهد، (چرا چیزی را می‌گویید که به آن عمل نمی‌کنید؟)

وَ يَجِبُ أَنْ يُسَلَّمَ قَبْلَ التَّكَلُّمِ «السَّلَامُ قَبْلَ الْكَلَامِ». الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
و باید که پیش از سخن گفتن سلام کند «سلام کردن پیش از سخن گفتن»
گما يَجِبُ أَنْ يَكُونَ كَلَامُهُ لَيْنًا عَلَى قَدْرِ عُقُولِ الْمُسْتَمْعِينَ، لِكَيْ يُفْنِعَهُمْ وَ يَكْسِبَ مَوَدَّتَهُمْ.
همان‌طور که باید سخن او نرم و به اندازه خرد شنوندگان باشد تا آنان را قانع کند و
دوستی آنان را به دست بیاورد.

«كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، وَ «عَوْدُ لِسَانِكَ لِيْنَ الْكَلَامِ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
با مردم به اندازه خردشان سخن بگو. پیامبر خدا ﷺ و زبانت را به نرمی سخن عادت
دهد. امام علی علیه السلام

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ فِي مَا لَيْسَ لَهُ بِهِ عِلْمٌ، ﴿وَ لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ (الْإِسْرَاء: ۳۶)
و باید (بر اوست) که در چیزی که در آن دانشی (آگاهی) ندارد سخن نگوید. (از چیزی
که بدان آگاهی نداری پیروی مکن)

وَ عَلَيْهِ أَنْ لَا يَتَدَخَّلَ فِي مَوْضِعٍ يُعَرِّضُ نَفْسَهُ لِلتُّهْمِ؛ «اتَّقُوا مَوَاضِعَ التُّهْمِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
و باید (بر اوست) که در موضوعی دخالت نکند که خویشتن را در معرض تهمت قرار دهد.
«از جایگاه‌های تهمت بپرهیزید.»

الْمُتَكَلِّمُ يُعْرِفُ بِكَلَامِهِ. «تَكَلَّمُوا تُعْرَفُوا، فَإِنَّ الْمَرْءَ مَخْبُوءٌ تَحْتَ لِسَانِهِ.» الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
سخنگو با سخنش شناخته می‌شود. «سخن بگویند تا شناخته شوید؛ زیرا انسان زیر زبانش
نهان است.»

فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ قُدْرَةُ الْكَلَامِ أَقْوَى مِنَ السَّلَاحِ. «رُبَّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 در برخی اوقات، قدرت سخن از سلاح قوی‌تر است. «چه بسا سخنی مانند شمشیر باشد».
 وَ رُبَّ كَلَامٍ يَجْلِبُ لَكَ الْمَشَاكِلَ. «فَكَّرْتُ ثُمَّ تَكَلَّمْتُ تَسَلَّمْتُ مِنَ الزَّلَلِ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 و چه بسا سخنی که برایت مشکلات بیاورد. «فکر کن، سپس سخن بگو تا از لغزش در
 امان بمانی».

يَجِبُ عَلَى الْإِنْسَانِ الْاجْتِنَابَ عَنِ ذِكْرِ الْأَقْوَالِ الَّتِي فِيهَا اخْتِمَالُ الْكِذْبِ. «لَا تُحَدِّثْ مِمَّا تَخَافُ
 تَكْذِيبَهُ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 انسان باید از ذکر سخنانی که در آن احتمال دروغ هست دوری کند. «چیزی را نگو که از
 تکذیب آن می‌ترسی».

طَوْبَى لِمَنْ لَا يَخَافُ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ. «مَنْ خَافَ النَّاسَ مِنْ لِسَانِهِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ».
 رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَ مِنْ آدَابِ الْكَلَامِ قَلْتُهُ، «خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَ دَلَّ». الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 خوشا به حال کسی که مردم از زبانش نمی‌ترسند. «هرکس مردم از زبانش بترسند، از اهل
 آتش (دوزخیان) است» پیامبر خدا ﷺ و از آداب سخن کمی آن است. «بهترین سخن، آن
 است که کم باشد و دلالت کند».

وَقَفَّ رَجُلٌ جَمِيلَ الْمَطْهَرِ أَمَامَ سُقْرَاطٍ يَفْتَخِرُ بِمَلَابِسِهِ وَ بِمَطْهَرِهِ، فَقَالَ لَهُ سُقْرَاطُ: تَكَلَّمْ
 حَتَّى أَرَكَ.

مردی دارای ظاهری زیبا روبه‌روی سقراط ایستاد و به لباس‌ها و ظاهرش افتخار می‌کرد،
 سقراط به او گفت: سخن بگو تا تو را بینم.

درک مطلب

هدف این است که دانش‌آموز خودش را بیازماید. خوب است که دانش‌آموزان به صورت
 گروهی این پنج جمله را حل کنند، آنگاه از هر گروه یکی داوطلب شود و پاسخ را با دلیل
 ذکر کند. بهترین دلیل ترجمه عبارت است.

پاسخ‌ها: صحیح، غلط، صحیح، صحیح، صحیح

اعلموا

قواعد درس چهارم دربارهٔ معنای جملات بعد از اسمی نکره است. تاکنون دانش‌آموز چندین بار با چنین جملاتی آشنا شده است. در قواعد این درس، دانش‌آموزان با شکل‌های گوناگونی از معادل ماضی استمراری، ماضی بعید و مضارع التزامی آشنا می‌شوند. چنین مبحثی در صرف و نحو عربی به این‌گونه وجود ندارد؛ این مبحث برای دانش‌آموزی است که می‌خواهد زبان عربی را بیاموزد.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی به صورت‌های گوناگونی طراحی شده است. در اینجا دانش‌آموز عبارت‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند و پاسخ هر یک را در میان واژگان جدید درس جست‌وجو می‌کند. این کار می‌تواند بخشی از نمرهٔ شفاهی او را تشکیل دهد. حفظ آیات و احادیث به عنوان شاهد مثال کار پسندیده‌ای است؛ اما اجرای نادرست می‌تواند نتیجه‌ای ویرانگر به بار آورد. این کار را می‌توان به صورت داوطلبانه در کلاس انجام داد به طوری که افرادی که داوطلب نشده‌اند از نظر نمره متضرر نشوند.

پاسخ‌ها: الحسنة، أحسن، علم، تفعلون، عقولهم، لسانه، النار

تمرین دوم:

هدف اصلی، تقویت مهارت ترجمه است. هدف دوم، تثبیت آموخته‌های پیشین دانش‌آموز است. آنچه را دانش‌آموز در سال‌های گذشته آموخته است باید آن قدر ببیند تا کم‌کم ملکهٔ ذهنش شود.

تمرین سوم:

هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. دانش‌آموز از حل جدول لذت می‌برد. به ویژه

اینکه این جدول رمزدار است. این شیوه طرّاحی تمرین موجب تحریک حس کنجکاو دانش‌آموز می‌شود.

رمز جدول: «جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ».

تمرین چهارم:

هدف این تمرین، مانند تمرین سوم تقویت مهارت شناخت واژه‌شناسی است.

از آنجا که در بارم‌بندی امتحان چنین سؤالی گنجانده شده است؛ لذا چند تمرین در کتاب به آن اختصاص داده شده است. طرح این سؤال به نظر آسان است؛ ولی حقیقت این است که دشوار است. امکان دارد دانش‌آموز گزینه‌ای را درست بداند که اصلاً به فکر طرّاح نرسیده باشد؛ مثلاً گزینه ناهماهنگ در چهار گزینه «أَعْنَاب، الرُّمَان، تَفَاحَة، لَحْم» أعناب است؛ چون جمع مکسر است. تَفَاحَة است؛ چون مؤنث است و بقیه مذکرند. لَحْم است؛ زیرا لحم میوه نیست. الرُّمَان است؛ چون ال دارد و بقیه گزینه‌ها بدون ال هستند.

تمرین پنجم:

هدف این تمرین، همانند تمرین دوم است.

البحث العلمي

تحقیق مطابق با توانایی دانش‌آموز و واقعیات موجود تنظیم شده است. در آداب سخن احادیث بسیاری وجود دارد که دانش‌آموز می‌تواند جست‌وجو کند.

حدیث (۱) امام علی علیه السلام:

إِيَّاكَ وَ مَا يَسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحْسِبُ عَلَيْكَ اللَّئَامَ وَ يُتَّقِرُ عَنْكَ الْكِرَامَ.

از به زبان آوردن سخنان زشت برحذر باش؛ زیرا فرومایگان را گرد تو جمع می‌کند و بزرگواران را از تو فراری می‌دهد. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ج ۴، ص ۲۱۴

حدیث (۲) امام صادق علیه السلام:

إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةَ حُقُوقٍ فَأَوْجِبُهَا أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ حَقًّا وَ إِنْ كَانَ عَلَى نَفْسِهِ أَوْ عَلَى وَالِدَيْهِ فَلَا يَمِيلُ لَهُمْ عَنِ الْحَقِّ.

بی‌گمان مؤمن بر مؤمن، هفت حق دارد. واجب‌ترین آنها این است که آدمی تنها حق را بگوید، هرچند ضد خود یا پدر و مادرش باشد و به خاطر آنها از حق منحرف نشود.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۹، ص ۴۵

حدیث (۳) امام علی علیه السلام:

الْتَّائِبُ بِأَكْثَرٍ مِنَ الْإِسْتِحْقَاقِ مَلَقٌ وَ التَّقْصِيرُ عَنِ الْإِسْتِحْقَاقِ عِيٌّ أَوْ حَسَدٌ.

ستایش بیش از شایستگی، چاپلوسی و کمتر از شایستگی، از ناتوانی در سخن و یا رشک ورزیدن است.

نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۵۳۵، حکمت ۳۴۷

حدیث (۴) امام باقر علیه السلام:

فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا قَالَ قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُبْغِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُلْحِفَ وَ يُحِبُّ الْحَيَّ الْخَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ.

درباره این گفته خداوند که «با مردم به زبان خوش سخن بگویید» فرمود: بهترین سخنی که دوست دارید مردم به شما بگویند، به آنها بگویید، چرا که خداوند، نفرین کننده، دشنام دهنده، زخم زبان زننده بر مؤمنان، زشت گفتار، بدزبان و گدای سمج را دشمن می‌دارد و با شرم و بردبار و پاکدامن پارسا را دوست می‌دارد.

أمالی (صدوق)، ص ۲۵۴

حدیث (۵) امام صادق علیه السلام:

الْكَلَامُ ثَلَاثَةٌ صِدْقٌ وَ كَذِبٌ وَ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ. قَالَ: قِيلَ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَا الْإِصْلَاحُ بَيْنَ النَّاسِ؟ قَالَ: تَسْمَعُ مِنَ الرَّجُلِ كَلَامًا يَبْلُغُهُ فَتَخْبُثُ نَفْسُهُ فَتَلْقَاهُ؛ فَتَقُولُ: سَمِعْتُ مِنْ فُلَانٍ قَالَ فَيْكَ مِنَ الْخَيْرِ كَذَا وَ كَذَا خِلَافَ مَا سَمِعْتُ مِنْهُ.

سخن سه گونه است: راست و دروغ و اصلاح میان مردم. به او گفته شد: فدایت شوم! اصلاح میان مردم چیست؟ فرمودند: از کسی سخنی درباره دیگری می‌شنوی که اگر سخن به

گوش او برسد، ناراحت می‌شود. پس تو آن دیگری را می‌بینی و برخلاف آنچه شنیده‌ای، به او می‌گویی: از فلانی شنیدم که در خوبی تو چنین و چنان می‌گفت.

کافی (ط-الاسلامیه)، ج ۲، ص ۳۴۱، ح ۱۶

حدیث (۶) امام صادق علیه السلام:

كَلَامٌ فِي حَقِّ خَيْرٍ مِنْ سُكُوتٍ عَلَى بَاطِلٍ.

سخن گفتن درباره حق، از سکوت بر باطل بهتر است. مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۴، ص ۳۹۶

حدیث (۷) حضرت مسیح علیه السلام:

خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَ لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ كُونُوا نُقَادَ الْكَلَامِ.
حق را از اهل باطل فراگیرید و باطل را از اهل حق فرا نگیرید. سخن‌سنج باشید.

محاسن، ص ۲۳۰، ح ۱۶۹

حدیث (۸) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم:

مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ، فَلْيَقُلْ خَيْرًا، أَوْ يَسْكُتْ.

هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، باید سخن خیر بگوید یا سکوت نماید.

کافی (ط-الاسلامیه)، مقدمه، ص ۶

حدیث (۹) امام باقر علیه السلام:

خُذُوا الْكَلِمَةَ الطَّيِّبَةَ مِمَّنْ قَالَهَا وَ إِن لَّمْ يَعْمَلْ بِهَا.

سخن خوب را از هر که گفت بگیرید، گرچه او، بدان عمل نکند. تُحْفُ الْعُقُول، ص ۲۹۱

حدیث (۱۰) امام علی علیه السلام:

بَغَيْرِ تَقْوَى الْإِلَهِ مِنْ أَدَبٍ	أَدَبْتُ نَفْسِي فَمَا وَجَدْتُ لَهَا
أَفْضَلَ مِنْ صَمْتِهَا عَنِ الْكَذِبِ	فِي كُلِّ حَالَتِهَا وَ إِن قَصُرَتْ
حَرَمَهَا ذُو الْجَلَالِ فِي الْكُتُبِ	وَ غَيْبَةِ النَّاسِ إِنَّ غَيْبَتَهُمْ
نَفْسٌ فَإِنَّ السُّكُوتَ مِنْ ذَهَبٍ	إِنْ كَانَ مِنْ فِضَّةٍ كَلَامُكَ يَا

ادبی بهتر از پروا از خدا در همه حالاتش نیافتم به تربیت نفس خود پرداختم و برایش

... و اگر از پس این امر بر نیامد
و از غیبت مردمان، همانا غیبت آنان را
ای نفس، اگر سخن تو از نقره است
دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام، ص ۶۹

حدیث (۱۱) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

إِيَّاكَ أَنْ تَضْحَكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ أَوْ مَمْسِيٍّ وَ تَتَكَلَّمَ فِي غَيْرِ أَدَبٍ. از خندیدن بدون شگفتی [و بیجا] یا راه رفتن و سخن گفتن بی ادبانه بپرهیز.

أعلام الدین فی صفات المؤمنین، ص ۲۷۳

حدیث (۱۲) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ وَرَاءَ قَلْبِهِ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِشَيْءٍ يُدْبِرُهُ بِقَلْبِهِ ثُمَّ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ وَ إِنَّ لِسَانَ الْمُنَافِقِ أَمَامَ قَلْبِهِ فَإِذَا هَمَّ بِالشَّيْءِ أَمْضَاهُ بِلِسَانِهِ وَ لَمْ يَتَدَبَّرْهُ بِقَلْبِهِ.

زبان مؤمن در پس دل اوست، هرگاه بخواهد سخن بگوید، درباره آن می اندیشد و سپس آن را می گوید؛ اما زبان منافق، جلوی دل اوست، هرگاه قصد سخن کند، آن را به زبان می آورد و درباره آن نمی اندیشد.

تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۱۰۶

حدیث (۱۳) امام سجاد علیه السلام:

الْمُؤْمِنُ يَصْمُتُ لِيَسْلَمَ وَ يَنْطِقُ لِيَعْنَمَ.

مؤمن سکوت می کند تا سالم بماند و سخن می گوید تا سود ببرد.

الكافي (ط-الاسلاميه)، ج ۲، ص ۲۳۱

حدیث (۱۴) امام علی علیه السلام:

لَا تَقُلْ مَا لَا تُحِبُّ أَنْ يُقَالَ لَكَ.

آنچه دوست نداری درباره‌ات گفته شود، درباره‌ی دیگران نگو. تُحَفَّ الْعُقُول، ص ۷۴

حدیث (۱۵) امام علی علیه السلام:

الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ.

سخن چون دواست، اندکش سودمند و زیادش کشنده است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم، ص ۲۱۱، ح ۴۰۸۱

حدیث (۱۶) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابُ اللَّهِ، وَ خَيْرَ الْهَدْيِ هَدْيُ مُحَمَّدٍ، وَ شَرَّ الْأُمُورِ مُحَدَّثَاتُهَا.

بی‌گمان بهترین سخن، کتاب خدا و بهترین هدیه، هدیه محمد است و بدترین امور

بدعت‌هاست. (نوآوری‌های مخالف دین). أمالی (شیخ طوسی)، ص ۳۳۷

حدیث (۱۷) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:

خَيْرُ الْقُلُوبِ أَوْعَاها لِلْخَيْرِ وَ شَرُّ الْقُلُوبِ أَوْعَاها لِلشَّرِّ، فَأَعْلَى الْقَلْبِ الَّذِي يَعِي الْخَيْرَ مَمْلُوءٌ مِنَ الْخَيْرِ إِنْ نَطَقَ نَطَقَ مَأْجُوراً وَ إِنْ أَنْصَتَ أَنْصَتَ مَأْجُوراً.

بهترین قلب‌ها، قلبی است که گنجایش بیشتری برای خوبی‌ها دارد و بدترین قلب‌ها، قلبی است که گنجایش بیشتری برای بدی‌ها دارد، پس عالی‌ترین قلب‌ها، قلبی است که خوبی را در خود دارد و لبریز از خوبی است. اگر سخن بگویند، سخنش درخور پادشاه است و اگر خاموش شود، خاموشی‌اش درخور پادشاه است.

جعفریات (اشعثیات)، ص ۱۶۸

حدیث (۱۸) امام حسین علیه السلام:

لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنْكَ إِلَّا مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ عَنْهُ.

وقتی برادر دینی‌ات از تو جدا شد، سخنی پشت سرش نگو، مگر آنچه دوست داری او

پشت سرت آن را بگویند. بحار الأنوار (ط- بیروت)، ج ۷۵، ص ۱۲۷

حدیث (۱۹) امام علی علیه السلام:

إِذَا حَسَّنَ الْخُلُقَ لَطَّفَ النُّطْقَ.

با اخلاق نیکو، گفتار نرم می‌شود. تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۵۵، ح ۵۳۸۵

حدیث (۲۰) زید بن ثابت:

كُنَّا إِذَا جَلَسْنَا إِلَيْهِ ﷺ إِنْ أَخَذْنَا فِي حَدِيثٍ فِي ذِكْرِ الْآخِرَةِ أَخَذَ مَعَنَا وَ إِنْ أَخَذْنَا فِي ذِكْرِ الدُّنْيَا أَخَذَ مَعَنَا وَ إِنْ أَخَذْنَا فِي ذِكْرِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ أَخَذَ مَعَنَا.

هرگاه با رسول اکرم ﷺ می‌نشستیم، اگر در مورد آخرت صحبت می‌کردیم، ایشان هم با ما همان سخن را می‌گفتند و اگر در مورد دنیا صحبت می‌کردیم، ایشان نیز چنین می‌کردند و اگر در مورد خوردنی و نوشیدنی صحبت می‌کردیم، ایشان هم با ما هم‌سخن می‌شدند.

مکارم الأخلاق، ص ۲۱

حدیث (۲۱) امام محمدباقر علیه السلام:

قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ.

بهترین چیزی را که دوست دارید درباره شما بگویند، درباره مردم بگویید.

تحف العقول ص ۳۰۰ - آمالی (صدوق) ص ۲۵۴ - تفسیر العیاشی ج ۱، ص ۴۸

حدیث (۲۲) امام موسی کاظم علیه السلام:

قَلَّةُ الْمَنْطِقِ حُكْمٌ عَظِيمٌ، فَعَلَيْكُمْ بِالصَّمْتِ فَإِنَّهُ دَعَا حَسَنَةً وَ قَلَّةُ وَزْرٍ وَ خِفَّةٌ مِنَ الذُّنُوبِ.

کم‌گویی، حکمت بزرگی است، بر شما باد به خاموشی؛ زیرا که آسایش نیکو و سبک‌باری و تخفیف گناه است.

تحف العقول، ص ۳۹۴

حدیث (۲۳) امام صادق علیه السلام:

أَصْدَقُ الْقَوْلِ وَ أَبْلَغُ الْمُوعِظَةِ وَ أَحْسَنُ الْقَصَصِ كِتَابُ اللَّهِ.

راست‌ترین سخن و رساترین اندرز و بهترین سرگذشت، کتاب خداست.

مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه، ج ۴، ص ۴۰۲، ح ۵۸۶۸

انجام این بخش در کلاس در صورت داشتن وقت از زیباترین بخش‌های کتاب است. مدارسی که ساعت اضافه دارند، می‌توانند در این زمینه‌ها کار کنند. چنین کارهایی کلاس درس را فعال و شاداب می‌کند.

ارزشیابی

در مورد ارزشیابی از این درس هرچه در دروس قبلی نوشته شد را در این درس نیز می‌توان اجرا کرد. بهترین کار، تمرین شفاهی است.

وسایل کمک آموزشی

آنچه در دروس پیشین دربارهٔ وسایل کمک آموزشی گفته شد در اینجا نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ زَلَّل: مصدر است. جای لغزنده. کاربرد مذکر و مؤنث دارد، گناه کردن؛ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ زَلَلِي»: از لغزشم از خدا آمرزش می‌جویم.

۲ شَبِعَ: شَبَعًا و شَبَعًا مِنَ الطَّعَامِ: از خوردن غذا سیر شد. این واژه ضِدَّ جَاعَ است؛ «شَبِعْتُ مِنْ هَذَا الْأَمْرِ وَ رَوَيْتُ»: از این کار، سیر و بیزار شدم.

۳ طُوبَى: مؤنث أَطْيَبَ است، غبطه و سعادت؛ «طُوبَى لَكَ»: خوش باشی و نیکبختی بر تو گوارا باد. خوشا به حالت

۴ قَفَا: قَفْوًا و قَفْوًا الرَّجُلَ: بر پشت گردن او زد، به او ناسزا گفت و به او اتهام تباہکاری زد.

قَفَا أَتْرَهُ: از او پیروی کرد.

قَفَا اللَّهُ أَتْرَهُ: خدا او را نیست و نابود کرد.

۵ «بَرَنَامَج» معرَّب «بَرَنَامَج» است و ریشهٔ فارسی دارد؛ مانند بَنَفْسَج: بَنَفْسَج

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف

دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند و ترجمه کند.
- ۲ پیام متن را درک کند.
- ۳ معنای واژگان جدید این درس را از عربی به فارسی ذکر کند.
- ۴ به هنگام ضرورت، به آیات و احادیث درس استشهاد کند.
- ۵ حروف «أَنْ، لَنْ، كَى، لِكَى وَ حَتَّى» را بشناسد و آنها را به همراه فعل مضارع در جمله، درست ترجمه کند.
- ۶ معادل مستقبل منفی (لَنْ يَفْعَلَ) را در عربی بشناسد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس درباره ارزش راستگویی و نکوهش دروغ‌گویی است. دانش‌آموزان از داستان لذت می‌برند. در متن درس، داستانی جالب گنجانده شده تا پیام درس به درستی منتقل شود.

هماهنگی در ترجمه متن درس

اَلْكَذْبُ مِفْتَاحُ لِكُلِّ شَرٍّ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ
جَاءَ رَجُلٌ اِلَى رَسُوْلِ اللّٰهِ ﷺ فَقَالَ: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. فَقَالَ ﷺ:
لَا تَكْذِبْ.

مردی نزد پیامبر خدا ﷺ آمد و گفت: خویی (اخلاقی) را به من یاد بده که خیر دنیا و آخرت را برایم جمع کند. حضرت فرمودند: دروغ نگو.

۱- پیام متن درس درباره ارزش و جایگاه راستگویی و نکوهش دروغ‌گویی است.

وَ قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ دَعَاكَ إِلَى صِدْقِ الْمَقَالِ بِصِدْقِ مَقَالِهِ، وَ نَدَبَكَ إِلَى أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ بِحُسْنِ أَعْمَالِهِ.

و امام علی علیه السلام فرموده‌اند: بهترین برادران (یاران) تو کسی است که با راستگویی‌اش تو را به راستگویی فرا بخواند (دعوت کند) و با کارهای خوبش (نیکی کردارش) تو را به بهترین کارها فراخواند.

إِذَنْ فَكُنْ صَادِقًا مَعَ نَفْسِكَ وَمَعَ الْآخَرِينَ فِي الْحَيَاةِ، وَ لَا تَهْرُبْ مِنَ الْوَاقِعِ أَبَدًا، فَإِنْ هَرَبْتَ مِنَ الْوَاقِعِ فَسَوْفَ تَوَاجِهْ مَشَاكِلَ وَ صُعُوبَاتٍ كَثِيرَةً، وَ تُضْطَرُّ إِلَى الْكِذْبِ عِدَّةَ مَرَّاتٍ، وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَتَبَيَّنُ كِذْبُكَ لِلْآخَرِينَ، فَتَفْشَلْ فِي حَيَاتِكَ.

در این صورت با خودت و با دیگران در زندگی راستگو (صادق) باش و هرگز از واقعیت نگریز؛ زیرا اگر گریختی (بگریزی) با مشکلات و سختی‌های بسیاری روبه‌رو خواهی شد و چندین بار ناگزیر به دروغ گفتن می‌شوی و پس از آن دروغت برای دیگران آشکار می‌شود و در زندگی‌ات شکست می‌خوری.

وَ هَذِهِ قِصَّةٌ قَصِيرَةٌ تُبَيِّنُ لَكَ نَتِيجَةَ الْكِذْبِ:

و این داستانی کوتاه است که نتیجه دروغ‌گویی را برایت آشکار می‌کند:

قَرَّرَ أَرْبَعَةُ طُلَّابٍ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْإِمْتِحَانِ فَإِنَّا صَلَّوْا بِالْأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا وَ قَالُوا لَهُ:

چهار دانشجو قرار گذاشتند که از جلسه امتحان غیبت کنند. پس با استاد تماس تلفنی گرفتند و به او گفتند:

أَحَدُ إِطَارَاتِ سَيَّارَتِنَا انْفَجَرَ، وَ لَيْسَ لَنَا إِطَارٌ اِخْتِيَاطِيٌّ، وَ لَا تَوْجَدُ سَيَّارَةً تَنْقُلُنَا إِلَى الْجَامِعَةِ.

یکی از چرخ‌های خودرو ما ترکیده است و چرخ یدکی نداریم و خودرویی نیست که ما را به دانشگاه ببرد.

وَ نَحْنُ الْآنَ فِي الطَّرِيقِ بَعِيدُونَ عَنِ الْجَامِعَةِ، وَ لَنْ نَسْتَطِيعَ الْحُضُورَ فِي الْإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ.

و ما اکنون در راه، دور از دانشگاه هستیم و نخواهیم توانست در زمان مشخص شده در

امتحان حاضر شویم.

وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجَلَ لَهُمُ الْإِمْتِحَانُ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ، فَفَرِحَ الطُّلَّابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ خُطَّتَهُمْ لِتَأْجِيلِ الْإِمْتِحَانِ نَجَحَتْ.

استاد موافقت کرد که امتحان را برایشان یک هفته به تأخیر بیندازد و دانشجویان به همین خاطر خوشحال شدند؛ زیرا نقشه آنها برای به تأخیر انداختن امتحان موفق شد. فی الأسبوع التالي حَضَرُوا لِلْإِمْتِحَانِ فِي الْوَقْتِ الْمُحَدَّدِ، وَطَلَّبَ الْأُسْتَاذُ مِنْهُمْ أَنْ يَجْلِسَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فِي زَاوِيَةٍ مِنْ قَاعَةِ الْإِمْتِحَانِ، لِيُفَرِّقَهُمْ.

در هفته بعد در زمان مشخص شده برای امتحان حاضر شدند و استاد از آنها خواست که هر یک در گوشه‌ای از سالن امتحان بنشینند، تا آنها را پراکنده کند. ثُمَّ وَزَعَ عَلَيْهِمُ أَوْرَاقَ الْإِمْتِحَانِ. لَمَّا نَظَرُوا إِلَى الْأَسْئَلَةِ، تَعَجَّبُوا لِأَنَّهَا كَانَتْ هُكَذَا: سپس برگه‌های امتحان را میان آنها پخش کرد. هنگامی که به پرسش‌ها نگاه کردند، متعجب شدند؛ زیرا سؤالات این گونه بودند:

- ۱ لِمَاذَا انْفَجَرَ الْإِطَارُ؟ چرا تایر ترکید؟
- ۲ أَيُّ إِطَارٍ مِنْ سَيَّارَتِكُمْ انْفَجَرَ؟ کدام تایر خودروی شما ترکید؟
- ۳ فِي أَيِّ طَرِيقٍ وَقَعَ هَذَا الْحَادِثُ؟ در چه مسیری این حادثه اتفاق افتاد؟
- ۴ مَا هُوَ تَرْتِيبُ جُلُوسِكُمْ فِي السَّيَّارَةِ؟ ترتیب نشستن شما در خودرو چطور بود؟
- ۵ كَيْفَ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَحِلُّوا مُشْكَلَتَكُمْ؟ چطور توانستید که مشکلاتان را حل کنید؟
- ۶ كَمَ كَانَتْ السَّاعَةُ عِنْدَ انْفِجَارِ الْإِطَارِ؟ هنگام ترکیدن تایر چند ساعت بود؟
- ۷ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَسُوقُ السَّيَّارَةَ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ؟ چه کسی از شما در آن هنگام با خودرو

رانندگی می‌کرد؟

- ۸ هَلْ تَضْمَنُ أَنْ يُجِيبَ أَصْدِقَاؤُكَ مِثْلَ إِجَابَتِكَ؟ آیا ضمانت می‌کنی که دوستانت مثل

خودت پاسخ دهند؟

خَجَلَ الطُّلَابُ وَ نَدِمُوا وَاعْتَذَرُوا مِنْ فِعْلِهِمْ، نَصَحَهُمُ الْأُسْتَاذُ وَ قَالَ: مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحُ. عَاهَدَ الطُّلَابُ أُسْتَاذَهُمْ عَلَى أَنْ لَا يَكْذِبُوا، وَ قَالُوا لَهُ نَادِمِينَ: تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا.

دانشجویان شرمنده و پشیمان شدند و از کارشان پوزش خواستند، استاد، آنها را نصیحت کرد و گفت: هرکس دروغ بگوید موفق نمی‌شود. دانشجویان به استادشان قول دادند که دروغ نگویند و با پشیمانی به او گفتند: درسی را یاد گرفتیم که هرگز آن را فراموش نخواهیم کرد.

درک مطلب

سعی شده است تا درک مطلب‌ها از درسی به درسی دیگر تنوع داشته باشند. این بخش، از مهم‌ترین اهداف هر زبانی‌اند. در این کتاب، پاسخ کامل داده شده است؛ اما دانش‌آموز می‌تواند پاسخ کوتاه دهد و هیچ اشکالی ندارد.

۱ هَلْ وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجَلَ الْإِمْتِحَانَ لِلطُّلَابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعَيْنِ.

لا؛ وَافَقَ الْأُسْتَاذُ أَنْ يُوجَلَ الْإِمْتِحَانَ لِلطُّلَابِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ وَاحِدٍ؟

۲ مَاذَا قَالَ الرَّجُلُ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ حِينَ جَاءَ إِلَيْهِ؟

قَالَ: عَلَّمَنِي خُلُقًا يَجْمَعُ لِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

۳ مَا قَالَ الطُّلَابُ لِأُسْتَاذِهِمْ نَادِمِينَ؟

قَالُوا لَهُ نَادِمِينَ: تَعَلَّمْنَا دَرَسًا لَنْ نَنْسَاهُ أَبَدًا.

۴ مَنْ قَالَ «مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحُ»؟

الْأُسْتَاذُ قَالَ «مَنْ يَكْذِبُ لَا يَنْجَحُ».

۵ كَيْفَ اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالْأُسْتَاذِ؟

اتَّصَلَ الطُّلَابُ بِالْأُسْتَاذِ هَاتِفِيًّا.

۶ لِماذا فَرِحَ الطُّلَابُ؟

فَرِحَ الطُّلَابُ بِذَلِكَ؛ لِأَنَّ خُطَّتَهُمْ لِتَأْجِيلِ الْإِمْتِحَانِ نَجَحَتْ.

اعلموا

هدف قواعد درس پنجم آشنایی با ترجمه فعل‌های دارای حروف «أَنَّ، لَنْ، كَيْ، لِكَيْ و حَتَّى» است. دانش‌آموز باید معنای فعل‌هایی مانند لَنْ أَكْذِبَ را در جمله بداند. لَنْ أَكْذِبَ را مستقبل منفی (دروغ نخواهم گفت) معنا کند. أُرِيدُ أَنْ أَذْهَبَ را می‌خواهم بروم، معنا کند و بداند که أَنْ أَذْهَبَ معادل مضارع التزامی در فارسی است.

أَمَّا منصوب کردن از اهداف نیست.

دبیر می‌تواند از دانش‌آموز بخواهد تغییرات چنین فعل‌های مضارعی را شرح دهد و خودش نیز اشاراتی داشته باشد. أَمَّا اشاره او به این معنا نیست که در امتحانات از این موضوع سؤال طرح کند.

ساخت فعل مضارع منصوب از اهداف کتاب نیست.

برای نمونه، این سؤال‌ها اشکال دارد:

بر سر فعل‌های مضارع یسمع، تسمعون و یسمعن حرف لَنْ اضافه کنید و آنها را بازنویسی کنید. اعراب اصلی و فرعی در فعل‌های داده شده را تعیین کنید:

یسمعُ، لکی یسمعَ، لن یسمعوا

حوار

مکالمه درس در داروخانه است. یکی از گفت‌وگوهای پرکاربرد در آموزش مکالمه در هر زبانی گفت‌وگو در داروخانه است. در این درس، دانش‌آموز با چند کلمه و اصطلاح مهم در این قسمت آشنا می‌شود.

تمرین‌ها

همه تمرین‌های هفت درس کتاب را دانش‌آموز قرائت و حل می‌کند. پیشنهاد می‌شود دبیر لیستی تهیه کند و هر بار که دانش‌آموزی تمرینی را می‌خواند و حل می‌کند، در آن علامت بزند تا حل تمرینات توسط همه دانش‌آموزان صورت بگیرد. می‌توان تمرینات ساده‌تر را برعهده دانش‌آموزان کم‌توان نهاد.

تمرین اول:

هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوع طراحی شده است. دانش‌آموز جملات را می‌خواند و ترجمه می‌کند، سپس به دنبال کلمه‌ای می‌گردد که در واژه‌نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار به عنوان نمره شفاهی او منظور می‌شود.

۱ شاهدَ وَجْهًا لِيُوجِّهَ. = واجَهَ

۲ ظَهَرَ وَ صَارَ وَاضِحًا. = تَبَيَّنَ

۳ لَمْ يَنْجَحْ بَلْ خَسِرَ. = فَشِلَ

۴ أَعْطَاهُ عَهْدًا وَ قَوْلًا بِأَنْ يَفْعَلَ شَيْئًا. = عَاهَدَ

۵ قَرَّرَ أَنْ يَفْعَلَ مَا قَصَدَهُ مَعَ التَّأخِيرِ. = أَجَّلَ

تمرین دوم و چهارم و پنجم:

هدف تقویت مهارت ترجمه و کاربست آموخته‌های پیشین دانش‌آموز به همین منظور است. این تمرین به شکلی طراحی شده است، تا بتواند آموخته‌های بخش قواعد سال گذشته را نیز یادآوری کند. آنچه را دانش‌آموز در سال‌های گذشته خوانده است مجدداً در جاهای مختلف کتاب تکرار شده است. این تکرار در کتاب پایه دوازدهم نیز صورت خواهد گرفت.

تمرین سوم:

هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

پاسخ‌ها: إطار، كَمَل، تأجيل، يَخْتَقُّ و أكرم

روش‌های ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی در این درس، با درس قبلی یکسان است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ أَجَّلَ الشَّيْءَ: برای آن چیز ضرب‌الاجل تعیین کرد، آن چیز را به تأخیر انداخت؛ « أَجَّلُوا

الاجتماع: جلسه را به تأخیر انداختند.

۲ اضطره إلى الجلوس. او را ناگزیر به نشستن کرد. (فعل متعدی است)

۳ إطار جمع آن أطر: آنچه که چیزی را احاطه کند؛ مانند: غربال، الک، چارچوب، قاب

عکس و تأیر.

تحدید الإطار: تعیین چارچوب، تعیین محدوده، تعیین حدود، مرزبندی

فی إطار خطة الدفاع: در چارچوب برنامه دفاعی، در راستای طرح دفاعی

۴ خطة: نقشه، طرح، ترفند (با خريطة به معنای نقشه جغرافیایی فرق دارد)

«فی رأسه خطة»: تصمیم به کاری گرفته است؛ «خطة العمل»: برنامه کار؛ «طبقاً لخطة

مرسومة»: مطابق برنامه‌ای که قبلاً تهیه شده است.

۵ «جلد» پوست بدن انسان و حیوان، و «قشر» پوست میوه و گیاه و درخت و «بشرة»

بیشتر پوست دست و صورت آدمی است و گفته می‌شود بشر را از این رو بشر گفته‌اند که

برخلاف پوست جانوران پوستش پیداست.

۶ لَن را معمولاً نفی ابد معنا می‌کنند و در معادل فارسی آن، کلمه هرگز را به کار

می‌برند؛ ولی در النحو الوافی عباس حسن این‌گونه نیست:

«لَن» وهو حرفٌ يُفيدُ النفيَ بغيرِ دوامٍ ولا تأييدٍ إلا بقريئةٍ خارجةٍ عنه. فإذا دخل على

المضارع نفي معناه في الزمن المستقبل المحض - غالباً - نفيًا مؤقتًا يقصر أو يطول من غير

أن يدوم ويستمر، فمن يقول: لن أسافر أو لن أشرب، أو لن أقرأ غدًا أو نحو هذا، فإنما يريد

نفي السفر - أو غيره - في قابل الأزمنة مدة معينة، يعود بعدها إلى السفر و نحوه، إن شاء،

ولا يريد النفي الدائم المستمر في المستقبل، إلا إن وُجدت قريئة مع الحرف «لن» تدلُّ على

الدوام والاستمرار.

أشهر أحكامه أنه مختص بالمضارع، ينصبه بنفسه، و يخلص زمنه للمستقبل المحض غالباً؛ و

لهذا كان نفيه لمعنى المضارع مقصوراً على المستقبل غالباً - كما تقدّم - نحو قوله تعالى: ﴿لَن

تتألوا البرَّ حتَّى تُنفقوا ممّا تُحِبُّونَ﴾

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف

دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ حروف لَم، ل و لا را بشناسد و با این حروف در جمله فعل مضارع را درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

درس ششم دربارهٔ بانو «آنه ماری شیمل» است. خانم پروفیسور «آنه ماری شیمل» پژوهشگر و نویسندهٔ توانای آلمانی را در سراسر جهان به عنوان یک اسلام‌شناس و ایران‌شناس برجسته می‌شناسند. ده‌ها کتاب و صدها مقاله، ثمرهٔ تلاش‌های این بانوی شرق‌شناس است. به موازات قلم توانای او، بیان شیوا و جذاب وی نیز موجب دعوت پی‌درپی و سفرهای فراوان خانم «شیمل» به نقاط مختلف جهان برای ایراد سخنرانی در محافل علمی و دانشگاهی بوده است. «شیمل» در سال ۱۹۲۹ در شهر «ارفورت» در آلمان به دنیا آمد. او پانزده ساله بود که به فراگیری زبان عربی پرداخت. شیمل در شانزده سالگی دورهٔ دبیرستان را به پایان رساند و در دانشگاه برلین به تحصیل زبان و ادبیات عرب و اسلام‌شناسی پرداخت و در سال ۱۹۴۱ با اخذ درجهٔ دکترا، دانش‌آموخته شد.

خانم «شیمل» سپس به عنوان مترجم و بعد به عنوان استاد رشته علوم اسلامی به استخدام دانشگاه «ماربورگ» در آمد. او در سال ۱۹۵۴ به دعوت دانشگاه آنکارا به ترکیه رفت و در این دانشگاه به تدریس ادبیات کلاسیک ترکی پرداخت. در سال ۱۹۶۱ کرسی استادی در رشته‌های عرب‌شناسی و اسلام‌شناسی در دانشگاه بن آلمان به او واگذار شد. خانم «شیمل» از سال ۱۹۶۷ در دانشگاه هاروارد آمریکا نیز به تدریس پرداخت. او هم‌زمان با فعالیت متناوب در این دو دانشگاه در بسیاری دیگر از دانشگاه‌های جهان نیز به عنوان استاد مهمان فعالیت می‌کرد. وی که یکی از پژوهشگران بزرگ در علوم و عرفان اسلامی در جهان غرب به شمار می‌آید، افزون بر کتاب‌های متعددی که در این زمینه تألیف کرده، آثار بسیاری از شعرا، عارفان و فیلسوفان مشرق زمین را به زبان آلمانی ترجمه کرده است.

در سال ۱۹۹۵ جایزه صلح ناشران آلمان که یکی از معتبرترین جوایز فرهنگی این کشور محسوب می‌شود به وی اعطا شد.

بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان از جمله دانشگاه‌های سند در هندوستان، اسلام‌آباد، پیشاور، اوپسلا سوئد، قونیه و تهران به وی دکترای افتخاری اعطا کرده‌اند. در اسلام‌آباد پاکستان حتی یک خیابان به نام وی نام‌گذاری شده است. خانم پروفیسور «شیمل» علاوه بر زبان‌های عربی، ترکی، فارسی، سندی و پشتو، با زبان‌های انگلیسی، فرانسه و سوئدی به خوبی آشنا بود.

وی در مصاحبه‌ای در برنامه دوم تلویزیون آلمان گفت:

متأسفانه در آلمان، اطلاعات ناقص و اغلب نادرستی در مورد اسلام، ایران و انقلاب اسلامی وجود دارد و متقابلاً در ایران نیز تقریباً هیچ‌گونه اطلاع قابل ملاحظه‌ای در مورد آلمان وجود ندارد.

شیمل در یکی از مصاحبه‌هایش اشاره‌ای به ادعیه اسلامی داشت و گفت: همواره دعاها، احادیث و اخبار اسلامی را از اصل عربی آن می‌خوانم و به ترجمه‌ای مراجعه نمی‌کنم. بخشی کوچک از کتاب مبارک صحیفه سجادیه را به آلمانی ترجمه و منتشر کرده‌ام، نزدیک به هفت سال پیش دعای رؤیت هلال ماه مبارک رمضان و دعای وداع با آن ماه را ترجمه می‌کردم و مادرم در بیمارستان بستری بود و به او سر می‌زدم، پس از آنکه او به خواب می‌رفت در گوشه‌ای از آن اتاق به پاک‌نویس کردن ترجمه‌ها مشغول می‌شدم. اتاق مادرم دو تخته بود. در تخت دیگر خانمی بسیار فاضله بستری بود که کاتولیکی مؤمن، راسخ العقیده و متعصب بود. وقتی فهمید که من دعاها را ترجمه می‌کنم، دلگیر شد که مگر در مسیحیت و در کتب مقدسه خودمان کمبودی داریم که تو به ادعیه اسلامی روی آوردی؟! وقتی کتابم چاپ شد یک نسخه برای او فرستادم. یک ماه بعد، او به من تلفن زد و گفت: صمیمانه از اهدای این کتاب متشکرم؛ زیرا هر روز به جای دعا آن را می‌خوانم. وی در یکی از مصاحبه‌هایش در مورد مسلمانان ترک گفت:

هنگامی که جلوی یک مسجد آیه‌های قرآن را می‌خوانم، ترک‌ها شگفت‌زده از من می‌پرسند: شما می‌توانید این را بخوانید؟!

پروفسور «آنه ماری شیمل» طی دوران طولانی فعالیت علمی و فرهنگی خود بیش از هفتاد کتاب تألیف و ترجمه کرده است.

منبع: پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه

هماهنگی در ترجمه متن درس ششم

تُعَدُّ الدُّكْتُورَةُ «آنه ماری شیمل» مِنْ أَشْهَرِ الْمُسْتَشْرِقِينَ. وَوُلِدَتْ فِي «أَلْمَانِيَا» وَ كَانَتْ مُنْذُ طُفُولَتِهَا مُشْتَاقَةً إِلَى كُلِّ مَا يَرْتَبِطُ بِالشَّرْقِ وَمُعْجَبَةً بِإِيرَانَ.

دکتر آنه ماری شیمل از نامدارترین خاورشناسان است. در آلمان متولد شد. از هنگام کودکی اش مشتاق به هر چیزی بود که به شرق ارتباط داشت و شیفته ایران بود.

كَانَ عُمْرُهَا خَمْسَةَ عَشَرَ عَامًا حِينَ بَدَأَتْ بِدِرَاسَةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ. حَصَلَتْ عَلَى شَهَادَةِ الدُّكْتُورَاهِ فِي الفُّلْسَفَةِ وَ الدَّرَاسَاتِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَهِيَ فِي التَّاسِعَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمْرِهَا؛ تَعَلَّمَتِ اللُّغَةَ التُّرْكِيَّةَ وَدَرَسَتْ فِي جَامِعَةِ أَنْقَرَةَ.

وقتی که آموختن زبان عربی را آغاز کرد، عمر او پانزده سال بود. مدرک دکترای فلسفه و مطالعات اسلامی را در حالی که نوزده ساله بود به دست آورد؛ زبان ترکی را یاد گرفت و در دانشگاه آنکارا تدریس کرد.

كَانَتْ شِيمِلُ تَدْعُو الْعَالَمَ الْعَرَبِيَّ الْمَسِيحِيَّ لِفَهْمِ حَقَائِقِ الدِّينِ الْإِسْلَامِيِّ وَ الْإِطْلَاعِ عَلَيْهِ. وَهَذَا الْعَمَلُ رَفَعَ شَأْنَهَا فِي جَامِعَاتِ الدُّوَلِ الْإِسْلَامِيَّةِ، فَحَصَلَتْ عَلَى دُكْتُورَاهِ فَخْرِيَّةٍ مِنْ جَامِعَاتِ السُّنْدِ وَ إِسْلَامْ أَبَادِ وَ بِيشَاوَرِ وَ قُونِيَّةِ وَ طَهْرَانَ.

شیمیل جهان مسیحی غرب را به فهم حقایق دین اسلام و آگاهی از آن دعوت می‌کرد و این کار جایگاه او را در دانشگاه‌های کشورهای اسلامی بالا برد. [او] دکترای افتخاری از دانشگاه‌های سند، اسلام‌آباد، پیشاور، قونیه و تهران به دست آورد.

إِنَّهَا تَعَلَّمَتْ لُغَاتٍ كَثِيرَةً مِنْهَا الْفَارْسِيَّةُ وَالْعَرَبِيَّةُ وَ التُّرْكِيَّةُ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةُ وَ الْفَرَنْسِيَّةُ وَ الْأُرْدِيَّةُ؛ وَ كَانَتْ تُلْقِي مُحَاضَرَاتٍ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. فَهِيَ كَانَتْ كَمَا قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عليه السلام:

او زبان‌های بسیاری را آموخت از آن جمله فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی، فرانسه و اردو؛ و به زبان فارسی سخنرانی می‌کرد. او آن گونه بود که امام علی عليه السلام فرمودند: «الْإِنْسَانُ بِكُلِّ لِسَانٍ إِنْسَانٌ».

انسان با دانستن هر زبان جدیدی یک انسان جدید است.

أَلْفَتْ شِيمِلُ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَمَقَالَةٍ مِنْهَا كِتَابٌ حَوْلَ شَخْصِيَّةِ جَلَالِ الدِّينِ الرَّومِيِّ.

شیمیل بیشتر از صد کتاب و مقاله تألیف کرد؛ از آن جمله کتابی پیرامون شخصیت مولوی جلال‌الدین.

هِيَ كَانَتْ تُحِبُّ الْعَيْشَ فِي الشَّرْقِ، لِذَلِكَ دَرَسَتْ مُدَّةً طَوِيلَةً فِي الْهِنْدِ وَبَاكِسْتَانِ، وَ دَرَسَتْ كَذَلِكَ مَا يُقَارِبُ خَمْسَةً وَعِشْرِينَ عَامًا فِي جَامِعَةِ هَارْفَارِد.

او زندگی در شرق را دوست می‌داشت، به همین خاطر مدتی طولانی در هند و پاکستان تدریس کرد، همچنین نزدیک به بیست و پنج سال در دانشگاه هاروارد درس داد. قَبَلْ وَفَاتِهَا أُوصِتْ شَيْمِلُ زُمَلَاءَهَا أَنْ يُشْكَلُوا فَرِيقًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَالثَّقَافِيِّ يَكُونُ هَدَفُهُ الْأَعْلَى «مَدَّ جُسُورِ الصَّدَاقَةِ وَالتَّفَاهُْمِ بَيْنَ أُورُوبَا وَالعَالَمِ الْإِسْلَامِيِّ» وَ «الِاتِّحَادَ بَيْنَ الْحَضَارَاتِ». شیمیل پیش از وفاتش به همکارانش وصیت کرد که تیمی را برای گفت‌وگوی دینی و فرهنگی تشکیل دهند که هدف والایش کشیدن پل‌های دوستی و تفاهم میان اروپا و جهان اسلام و همبستگی میان تمدن‌ها باشد.

أَشَارَتْ شَيْمِلُ فِي إِحْدَى مُقَابَلَاتِهَا إِلَى الْأَدْعِيَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ وَقَالَتْ:

شیمیل در یکی از مصاحبه‌هایش به دعا‌های اسلامی اشاره کرد و گفت:

«أَنَا أَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ الْإِسْلَامِيَّةَ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ وَلَا أُرَاجِعُ تَرْجَمَتَهَا».

من دعاها و احادیث اسلامی را به زبان عربی می‌خوانم و به ترجمه آنها مراجعه نمی‌کنم.

هِيَ أَوْصَتْ أَنْ يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ عَلَى قَبْرِهَا:

او وصیت کرد که روی قبرش این حدیث نوشته شود:

«الْأَنَاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا».

مردم خفته‌اند و هرگاه بمیرند، بیدار شوند.

پاسخ‌های بخش درک مطلب:

در این کتاب پاسخ کامل داده شده است؛ اما دانش‌آموز می‌تواند پاسخ کوتاه دهد و هیچ

اشکالی ندارد.

■ بِأَيِّ لُغَةٍ كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ؟

كَانَتْ شَيْمِلُ تَقْرَأُ الْأَدْعِيَةَ الْإِسْلَامِيَّةَ (بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ).

۲ أَيُّ حَدِيثٍ كُتِبَ عَلَى قَبْرِ شَيْمِلٍ؟

هذا الحديث: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهَوْا».

۳ كَمْ كِتَابًا وَ مَقَالَةً أَلَفَتْ شَيْمِلٌ؟

أَلَفَتْ شَيْمِلٌ أَكْثَرَ مِنْ مِئَةِ كِتَابٍ وَ مَقَالَةٍ.

۴ بِمَاذَا أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَّلَاءَهَا؟

أَوْصَتْ شَيْمِلُ زُمَّلَاءَهَا أَنْ يُشْكَلُوا قَرِيبًا لِلْجَوَارِ الدِّينِيِّ وَ الثَّقَافِيِّ.

۵ أَيْنَ وُلِدَتْ شَيْمِلٌ؟

وُلِدَتْ فِي أَلْمَانِيَا.

اعلموا

هدف قواعد درس ششم، آشنایی با حروف «کم، لـ و لا» است. دانش آموز با ترجمه فعل‌های مضارع دارای این حروف آشنا می‌شود. باید بداند که کم یفعل معادل ماضی ساده، یا ماضی نقلی در فارسی است. لیفعل و لا یفعل معنای الزام دارد و معادل مضارع التزامی در فارسی است؛ دبیر می‌تواند به جزم فعل مضارع اشاره کند، برای این کار از دانش‌آموزان می‌خواهد فرق یفعل و لیفعل، یفعلون و لم یفعلوا و... را کشف کند. سپس خودش راهنمایی بیشتر انجام می‌دهد. این کار صرفاً برای فهم بهتر انجام می‌شود و در امتحان ارزیابی از این مطلب به عمل نمی‌آید؛ مثلاً چنین سؤالاتی خارج از اهداف است:

بر سر فعل‌های زیر حرف لم اضافه کنید و تغییرات لازم را انجام دهید.

یقرأ، یسترجعون، یبأسن

نوع اعراب رفع و جزم و اصلی یا فرعی بودن این فعل‌ها را مشخص کنید.

یحسن، لا یدهب، لیعملوا

ساختن فعل و تعریب از اهداف نیست. دانش‌آموزی که بتواند فعل مضارع مجزوم را بشناسد و درست ترجمه کند خود به خود به مهارت ساختن نیز دست خواهد یافت. این امر بالعرض حاصل خواهد شد. هدف درس عربی فهم متن است. لذا تعریب از اهداف کتاب نیست.

دانش‌آموز باید انواع ل و لا را در جملات واضح تشخیص دهد.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار، نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد. برای این کار، حدود دو دقیقه به دانش‌آموزان فرصت می‌دهیم تا این تمرین را حل کنند. سپس از پنج نفر می‌خواهیم جوابشان را بخوانند و هر جمله را ترجمه کنند. نیازی به نوشتن ترجمه نیست؛ زیرا عبارت‌های این تمرین همان عبارات متن درس‌اند.

تمرین دوم:

هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. پس از تعیین کلمه ناهماهنگ لازم است که دانش‌آموز دلیل را هم بیان کند. این کار، وقت‌گیر نیست و برای جلوگیری از ارائه پاسخ‌های تصادفی پسندیده است.

پاسخها: الثقافة، الفخرية، القميص، النيام، الشهادة و القط

تمرین سوم:

هدف، تقویت آموخته‌های دانش‌آموز در بخش قواعد است.

تمرین چهارم:

هدف این تمرین، تقویت مهارت واژه‌شناسی و ترجمه است.

تمرین پنجم:

هدف این تمرین، تقویت مهارت شناخت انواع فعل در جمله است. مهم‌ترین بخش هر زبانی فعل است. در کتاب درسی به اندازه کافی این تمرین نهاده شده است.

تمرین ششم:

این تمرین از زیباترین تمرینات کتاب درسی است. در سال‌های گذشته، تمرینات این چینی همواره برای دانش‌آموز جذاب بوده است. این تمرین، پیوندی میان ادبیات فارسی و عربی است؛ متأسفانه طرح ضعیف سؤال در مسابقات و آزمون سراسری، موجب شده است به این مطلب آسیب وارد شود. طرح سؤال از این قسمت بسیار وقت‌گیر و دشوار است و برای دانش‌آموز لذت‌بخش است. به شرط اینکه طراح درست سؤال طرح کند. لازمه توانایی طرح سؤال تسلط بالای دبیر به ادبیات هر دو زبان است که بتواند شاهد مثال مناسب بیاورد.

البحث العلمي

هدف، تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. به یاد داشته باشیم که درس عربی با همه دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. آشنایی با کسانی که به زبان و ادبیات فارسی و عربی خدمت کرده‌اند موجب می‌شود دانش‌آموز فکر کند اکنون وظیفه او در برابر فرهنگش چیست؟

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پرده‌نگار (پاورپوینت) یا ماهنگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ فعل «أَلْقَى» کاربردهای بسیاری دارد؛ از آن جمله:
- أَلْقَى: انداخت، القا کرد، پرتاب کرد، ایراد کرد (سخنرانی).
أَلْقَى بِظِلِّهِ (بِظِلَالِهِ) عَلِيٌّ: سایه افکند بر، سایه‌اش را بر ... گستراند.
أَلْقَى بِنَفْسِهِ فِی: خود را در ... انداخت، وارد ... شد.
أَلْقَى خِطَابًا: سخنرانی کرد، خطبه‌ای ایراد کرد، سخنرانی ایراد کرد.
أَلْقَى ضَوْءًا عَلِيٌّ: را روشن کرد، را بررسی کرد، را توضیح داد، را شرح و بسط داد.
أَلْقَى عَلِيٌّ عَاتِقَهُ: به دوش او انداخت، تحمیل کرد به او، به او نسبت داد، او را مسئول دانست، به گردن او انداخت، به عهده او نهاد.
أَلْقَى كَلِمَةً: ایراد سخن کرد، سخنرانی کرد، سخنرانی ایراد کرد.
أَلْقَى بِاللَّائِمَةِ (اللَّوْمِ) عَلِيٌّ: مسئولیت (تقصیر) را به گردن ... انداخت، سرزنش‌ها را متوجه ... دانست، را سرزنش کرد، را مقصّر دانست.
أَلْقَى الْقَبْضَ عَلِيٌّ: را دستگیر کرد، را بازداشت کرد.
أَلْقَى إِلَيْهِ السَّمْعَ: به او گوش سپرد.
أَلْقَى الْقَبْضَ عَلِيٌّ الْمُسْتَبْهَ فِيهِ: فرد مظنون را دستگیر کرد.
- ۲ مُنْدُ کاربردهای بسیاری دارد. معنای معروف آن «از هنگام» است. سایر کاربردها:
- مُنْدٌ: بعد از، پس از، از وقتی که، چون که، نظر به اینکه، از این رو، چون، از آنجایی که
مُنْدٌ: مترادف «مُنْدٌ» است، از زمانی که؛ «مُنْدُ الْآنَ»: از هم‌اکنون، «مُنْدُ الْيَوْمِ»: از امروز.
مُنْدُ الْقِدَمِ: از قدیم، از گذشته، از قدیم الايام
منذ عهد قریب (منذ فترة قریبة): به تازگی، این روزها (به تازگی)

الدَّرْسُ السَّابِعُ

اهداف

دانش‌آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ با معانی افعال پرکاربرد ناقصه «كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ» به ویژه فعل مهمَّ کان در جمله آشنا شود.
- ۶ مکالمه‌ای ساده با پزشک را اجرا کند.

فرایند آموزش

این متن از جذاب‌ترین متون کتاب‌های درسی عربی زبان قرآن است. در نظرسنجی‌ها بالاترین امتیاز را به دست آورد. بسیاری از دانش‌آموزان با ناراحتی می‌پرسند: آیا واژه‌هایی از فارسی نیز در زبان عربی راه یافته‌اند؟

این متن، پاسخی به پرسش آنان است. دادوستد واژگانی پدیده‌ای کاملاً طبیعی در سراسر جهان است. به ویژه میان مردمان همسایه طبیعی‌تر است.

معربّات فارسی به کلماتی گفته می‌شود که در زبان و ادبیات عرب استفاده می‌شوند؛ امّا ریشه فارسی دارند. هر کلمه‌ای که در زبان عربی، ریشه عربی نداشته باشد؛ به آن معربّ می‌گویند. تعریب آن است که کلمه‌ای غیرعربی را به شکل عربی درآورند؛ یا آن را به همان

شکل اصلی بیان کنند. سیبویه می‌گوید: «التعريب هو أن تتكلم العرب بالكلمة الأعجمية مطلقاً، فهم تارةً يلحقونها بأبنية كلامهم، وطوراً لا يلحقونها بها». در زبان عربی کلمات بسیاری وجود دارند که دخیل از فارسی، یا از زبان‌های ایرانی می‌باشند؛ مانند: هَندَسَة از اندازه یا جاموس از گاومیش و بَنَفَسَج از بنفشه.

در ریشه‌شناسی واژگان (etimology) و در زبان‌شناسی (linguistics) به ریشه‌یابی واژگان در گذر تاریخ می‌پردازند و دگرگونی‌های واژگان را در انتقال شفاهی و کتبی از یک زبان به زبان دیگر بررسی می‌کنند. تأثیر زبان‌ها متقابل است. زبان فارسی و عربی بر هم تأثیر گذاشته‌اند؛ زیرا اعراب در چهار سدهٔ نخست هجری در ایران حضور داشتند و تا انقلاب مشروطه متون مهم به زبان عربی یا فارسی آمیخته به عربی نوشته می‌شد و از سوی دیگر ایرانیان در پیدایش و ساختار زبان عربی نقش ارزنده‌ای داشتند. در زبان عربی واژگان بسیاری وجود دارد که به آنها «معربّات» می‌گویند. ریشهٔ بسیاری از معربّات هنوز ناشناخته است.

در کتاب‌های لغت صدها واژهٔ عربی که از زبان فارسی به عربی راه یافته‌اند آمده است و جوالیقی، ادّی شیر و لویس معلوف به بسیاری از آنها اشاره کرده‌اند.

دکتر هادی العلوی در کتاب خلاصات فی السیاسة والفکر السیاسی فی الإسلام صفحهٔ ۱۶۸ می‌نویسد: «نویسندگان متقدّم در دنیای عرب بیشتر از اصل فارسی بودند.» در صفحهٔ ۱۶۹ می‌گوید: «عرب تشکیلات، ساماندهی، اداره، مالیات، کشاورزی و بسیاری از قواعد دیگر را از ساسانیان فرا گرفتند».

در کتاب (فقه اللغة و سر العربیة) الثعالبی النیشابوری صفحهٔ (۲۳-۲۲) می‌نویسد: سیبویه داناترین مردم در نحو بود و بعد السیرافی بزرگ‌ترین دانشمندان ادبیات عرب و ابن خالویه از همدان، که خدمات شایانی به زبان عربی کردند.

ایرانیان بسیاری به زبان و ادبیات عربی خدمت کرده و بر آن اثر نهاده‌اند: الثعالبی نویسندهٔ کتاب فقه اللغة و سر العربیة. عبدالله بن المقفع (روزبه بن دادویه)

زادهٔ جور (گور) ایران، مترجم کلیله و دمنه از پهلوی به عربی، و نویسندهٔ الأدب الكبير والأدب الصغیر. ابن سینا نویسندهٔ القانون فی الطب. ابوبکر رازی نویسندهٔ تاریخ الطب و الأدوية المفردة، ابوریحان بیرونی نویسندهٔ الآثار الباقية عن القرون الخالية و دهها کتاب دیگر، عبدالقادر جرجانی بنیان‌گذار علم بلاغت و نویسندهٔ کتاب دلائل الإعجاز وأسرار البلاغة، شیخ المفسرین طبری، بخاری، إمام مسلم، نویسندهٔ کتاب صحیح مسلم، ابوحنیفة النعمان، بشار بن بُرد و

فارسی به روش‌های مختلفی بر عربی اثر نهاده و بسیاری از واژگان عربی را با خود به دیگر زبان‌ها از جمله به آسیای مرکزی و شبه قارهٔ هند برده است. در ادبیات فارسی گاهی با استفاده از مصدرها و قالب‌های عربی واژه‌هایی ساخته‌اند که بعدها بسیاری به ادبیات عرب وارد شده‌اند؛ مانند سوء تفاهم و صادرات و واردات. کتاب‌های بسیاری دربارهٔ معرّبات فارسی نوشته شده‌اند.

هماهنگی در ترجمهٔ متن درس هفتم

الْمُفْرَدَاتُ الْفَارِسیَّةُ دَخَلَتْ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ مِنْذُ الْعَصْرِ الْجَاهِلِيِّ، فَقَدْ نُقِلَتْ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ الْفَارِسیَّةِ كَثِيرَةً بِسَبَبِ التَّجَارَةِ وَدُخُولِ الْإِيرَانِيِّينَ فِي الْعِرَاقِ وَالْيَمَنِ.

واژگان فارسی از دورهٔ جاهلی وارد زبان عربی شدند، کلمات فارسی بسیاری به دلیل بازرگانی و ورود ایرانیان به عراق و یمن به زبان عربی منتقل شد.

وَكَانَتْ تِلْكَ الْمُفْرَدَاتُ تَرْتَبُطُ بِبَعْضِ الْبُضَائِعِ الَّتِي مَا كَانَتْ عِنْدَ الْعَرَبِ كَالْمِسْكِ وَالذَّبِيحِ.

و این واژگان در ارتباط با کالاهایی بود که نزد عرب نبود؛ مانند مشک و ابریشم.

وَاشْتَدَّ النُّقْلُ مِنَ الْفَارِسیَّةِ إِلَى الْعَرَبِيَّةِ بَعْدَ انْضِمَامِ إِيرَانَ إِلَى الدَّوْلَةِ الْإِسْلَامِيَّةِ.

و انتقال از فارسی به عربی پس از پیوستن ایران به دولت اسلامی شدت گرفت.

وَفِي الْعَصْرِ الْعَبَّاسِيِّ اَزْدَادَ نُفُودُ اللُّغَةِ الْفَارِسیَّةِ حِينَ شَارَكَ الْإِيرَانِيُّونَ فِي قِيَامِ الدَّوْلَةِ

الْعَبَّاسِيَّةِ عَلَى يَدِ امثالِ أَبِي مُسْلِمٍ الْخُرَّاسَانِيِّ وَآلِ بَرْمَكٍ.

و در عصر عباسی هنگامی که ایرانیان در برپایی دولت عباسی به دست امثال ابومسلم

خراسانی و خاندان برمک شرکت کردند نفوذ زبان فارسی افزایش یافت.

وَكَانَ لِابْنِ الْمُقَفَّعِ دَوْرٌ عَظِيمٌ فِي هَذَا التَّأثيرِ، فَقَدْ نَقَلَ عَدَدًا مِنَ الكُتُبِ الفَارِسیَّةِ إِلَى العَرَبِیَّةِ، مِثْلَ كَلِیْلَةَ وَ دِمْنَةَ.

و ابن مقفّع نقش بزرگی در این اثرگذاری داشت، [او] تعدادی از کتاب‌های فارسی مانند کلیله و دمنه را به عربی برگرداند.

وَ لِلْفِیروزآبادی مُعْجَمٌ مَشْهُورٌ بِاسْمِ القَاموسِ یَضُمُّ مُفْرَدَاتٍ کَثِیرَةً بِاللُّغَةِ العَرَبِیَّةِ. و فیروزآبادی فرهنگ لغت مشهوری به نام القاموس دارد که واژگان بسیاری را به زبان عربی دربر دارد.

وَ قَدْ بَیَّنَ عُلَمَاءُ اللُّغَةِ العَرَبِیَّةِ وَ الفَارِسیَّةِ أبعادَ هَذَا التَّأثیرِ فی دِرَاسَاتِهِمْ. و دانشمندان زبان عربی و فارسی جنبه‌های این اثرگذاری را در مطالعاتشان آشکار ساخته‌اند.

فَقَدْ أَلَّفَ الذُّکُورُ التُّونِجِیُّ کِتَابًا یَضُمُّ الكَلِمَاتِ الفَارِسیَّةِ المُعَرَّبَةَ سَمَاهُ «مُعْجَمَ المُعَرَّبَاتِ الفَارِسیَّةِ فی اللُّغَةِ العَرَبِیَّةِ».

دکتور تونجی کتابی را تألیف کرد که کلمات فارسی عربی شده را دربر می‌گرفت [و] آن را «فرهنگ معرّبات فارسی در زبان عربی» نامید.

أَمَّا الكَلِمَاتُ الفَارِسیَّةُ الَّتِی دَخَلَتِ اللُّغَةَ العَرَبِیَّةَ فَقَدْ تَغَیَّرَتْ أَصَوَاتُهَا وَ أوزَانُهَا، وَ نَطَقَهَا العَرَبُ وَفَقًا لِلسَّنَنِهِمْ.

اما صدا و وزن آن واژه‌های فارسی که وارد زبان عربی شد، دگرگون شد و عرب‌ها آن را مطابق زبان خودشان تلفظ کردند.

فَقَدْ بَدَّلُوا الحُرُوفَ الفَارِسیَّةَ «گ، چ، پ» الَّتِی لا توجَدُ فی لُغَتِهِمْ إِلَى حُرُوفٍ قَرِیبَةٍ مِنَ مَخارجِها؛ مِثْلُ:

پَرْدِیس ← فِرْدَوْس، مِهْرگان ← مِهْرجان، چادُرشَب ← شَرَشَف و ...

حروف فارسی «گ، چ، پ» را که در زبانشان نبود به حروفی نزدیک به مخرج‌هایشان

تبدیل کردند؛ مثال:

پَرْدِيس ← فِرْدَوْس، مِهْرگان ← مِهْرجان، چَادْرَشَب ← شَرَشَف و ...
وَاشْتَقُوا مِنْهَا كَلِمَاتٍ أُخْرَى؛ مِثْلُ «يَكْنِزُونَ» فِي آيَةِ ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾ مِنْ
كَلِمَةِ «گنج» الْفَارِسِيَّةِ.

و واژگان دیگری از آن برگرفتند؛ مانند «يَكْنِزُونَ» در آیه ﴿...يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ...﴾
از کلمه فارسی گنج.

عَلَيْنَا أَنْ نَعْلَمَ أَنَّ تَبَادُلَ الْمُفْرَدَاتِ بَيْنَ اللُّغَاتِ فِي الْعَالَمِ أَمْرٌ طَبِيعِيُّ يَجْعَلُهَا غَنِيَّةً فِي
الْأُسْلُوبِ وَالْبَيَانِ.

باید بدانیم که تبادل واژگان میان زبان‌های جهان امری طبیعی است که آنها را در شیوه
و گفتار غنی می‌سازد.

وَلَا نَسْتَطِيعُ أَنْ نَجِدَ لُغَةً بِدُونِ كَلِمَاتٍ دَخِيلَةٍ؛ كَانَ تَأْثِيرُ اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ عَلَى اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ
قَبْلَ الْإِسْلَامِ أَكْثَرَ مِنْ تَأْثِيرِهَا بَعْدَ الْإِسْلَامِ.

و نمی‌توانیم که زبانی بدون کلمات دخیل پیدا کنیم. تأثیر زبان فارسی بر زبان عربی پیش
از اسلام بیشتر از تأثیر آن پس از اسلام بوده است.

وَأَمَّا بَعْدَ ظُهُورِ الْإِسْلَامِ فَقَدْ زِدَادَتِ الْمُفْرَدَاتُ الْعَرَبِيَّةُ فِي اللُّغَةِ الْفَارِسِيَّةِ بِسَبَبِ الْعَامِلِ
الدِّينِيِّ.

اما پس از پیدایش اسلام، واژگان عربی در زبان فارسی به دلیل عامل دینی بیشتر شد.

اعلموا

هدف این است که دانش‌آموز معانی افعال ناقصه را در جمله، درست تشخیص دهد.
افعال ناقصه‌ای که دانش‌آموز می‌خواند عبارت‌اند از: كَانَ، صَارَ، لَيْسَ و أَصْبَحَ.
موضوع اصلی درس، فعل كان است. معانی و کاربردهای گوناگون فعل كان در درس
آموزش داده شده است. اهمیتی که فعل كان دارد، سه فعل دیگر کمتر دارند. این فعل در
ترکیب با افعال دیگر معادل ماضی بعید و ماضی استمراری می‌شود. گاهی نیز كان از حالت
فعل ناقص (ربطی) خارج می‌شود و به معنای وجود داشتن است. كان به معنای «بود» و

«است»، فعل کانَ بر سر حرف جرّ که معادل مفهوم «داشتن» است، همه این موارد موجب کاربرد دقیق و چند منظوره کانَ می‌شود.

دبیر می‌تواند به تغییری که فعل ناقص در اسم و خبر پدید می‌آورد اشاره کند؛ مثلاً از دانش‌آموز بخواهد فرق این جملات را بیان کند:

سَعِيدٌ حَاضِرٌ. كَانَتْ سَعِيدٌ حَاضِرًا.
الرَّبِيعُ جَمِيلٌ. أَصْبَحَ الرَّبِيعُ جَمِيلًا.

و به دانش‌آموز بگوید خبر افعال ناقصه معمولاً فتحه یا تنوین فتحه می‌گیرد؛ ولی این توضیح به این معنا نیست که در امتحان نیز از آن سؤال طرح کند، یا سؤال امتیازی بدهد و هرکس توانست پاسخ دهد نمره اضافه بگیرد. بدیهی است که در هیچ آزمونی و کتاب کاری چنین سؤالاتی طرح نمی‌شود.

هدف این نیست که هرچه در صرف و نحو است در دوره دبیرستان به دانش‌آموز آموزش داد. آن کس که علاقه‌مند است در دانشگاه در رشته زبان و ادبیات عرب، یا مترجمی زبان عربی ادامه تحصیل خواهد داد. دو ساعت در هفته، زمان محدودی است و دبیر فرصت کافی برای تقویت مهارت‌های شفاهی را در صورتی که کتاب پر حجم باشد، از دست خواهد داد.

حوار

گفت‌وگو با پزشک از پرکاربردترین موضوعات در آموزش مکالمه در هر زبانی است. در مکالمه این درس به این موضوع پرداخته شده است.

تمرین‌ها

تمرین اول:

هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را

بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین، فراگیر جمله‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند، سپس در پی یافتن گزینه‌های درست و نادرست برمی‌آید. این کار مهارت درک و فهم او را تقویت می‌کند.

پاسخ‌ها: صحیح، صحیح، غلط، صحیح، غلط

تمرین دوم:

هدف، ایجاد پیوند میان ادبیات فارسی و عربی است. طرح این سؤال بسیار وقت‌گیر است و کار هرکسی نیز نیست. لازمه آن تسلط به ادبیات هر دو زبان است. متأسفانه بسیاری از نمونه سؤالات طرح شده در این زمینه ایرادهای فراوانی دارند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود اگر احساس می‌کنید فرصت کافی برای طرح سؤال در این زمینه ندارید از طرح سؤال مشابه خودداری کنید.

تمرین سوم:

هدف، تقویت مهارت ترجمه است. این تمرین بر اساس آموخته‌های فراگیر در بخش قواعد انواع فعل است. شناخت و ترجمه فعل مهم‌ترین بخش قواعد زبان عربی است. هر اندازه دبیر بتواند در این زمینه در کلاس کار کند، کم است. مهارت شناخت فعل بسیار اهمیت دارد. این موضوع در بارم‌بندی پایه‌های دهم و یازدهم نیز لحاظ شده است. هرچند تبدیل و ساختن ساخت‌های مختلف فعل مطلوب ما نیست؛ اما توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل مدّ نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلّم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود. به خاطر ارزش بالای یادگیری فعل مدام مشابه این تمرینات در کتاب تکرار می‌شود. این تکرار در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

تمرین چهارم:

هدف تثبیت آموخته‌های دانش‌آموز در شناخت اسم‌های مشتق است. البته لفظ مشتق در کتاب تدریس نشده است. همچنین تشخیص جامد نیز هدف نیست. اینکه دانش‌آموز بداند الفرس جامد غیر مصدری است و ألحسن مشتق است فقط زمینه‌ساز طرح سؤالاتی می‌شود که بیشتر به تله‌های آموزشی شبیه‌اند. اینکه دانش‌آموز بداند الصراط و السبیل و الطریق جامدند، یا مشتق وقت کلاس را می‌گیرد و باعث می‌شود دبیر فرصت نکند به کارهای مهم‌تر برسد. این مباحث برای طرح در دانشگاه و در رشته‌های مربوط به خودشان هستند.

تمرین پنجم:

هدف، تقویت مهارت ترجمه است. آموخته‌های قبلی دانش‌آموز در این تمرین مورد سؤال واقع شده است. این کار، یعنی تکرار آموخته‌ها در پایه دوازدهم نیز ادامه خواهد یافت و در بارم‌بندی نیز توجه کافی و لازم به آن خواهد شد.

بخش للمطالعة:

این بخش صرفاً برای مطالعه دانش‌آموز علاقه‌مند است. در صورتی که دبیر محترم فرصت داشته باشد می‌تواند این موضوع را در کلاس مطرح کند؛ در نظرسنجی‌ها دانش‌آموزان این مطلب را بسیار پسندیدند و موضوعی بسیار جالب برای آنها بود. بدیهی است که در هیچ آزمونی از این بخش، سؤال طرح نمی‌شود.

البحث العلمي

هدف، تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. دانش‌آموز علاقه‌مند می‌تواند در منابع جست‌وجو کند و درباره پژوهش درس مطالبی بنویسد. انجام این بخش، داوطلبانه است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همه دروس دیگر فرق اساسی دارد. زبان این درس، فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است؛ چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. حجم پژوهش چندان مدّ نظر نیست. شاید چند سطر پژوهش از چند صفحه بالاتر باشد. انجام

این بخش در کلاس در صورت داشتن فرصت زمانی است. مراقب باشیم کار پژوهش را خود دانش‌آموز انجام دهد. شوربختانه برخی سودجویان کارهای پژوهش را انجام می‌دهند و به افراد می‌فروشند. دقت در شیوه اجرای پژوهش تا حدودی می‌تواند در موفقیت بخش البحث العلمي کمک کند.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد، پرده‌نگار (پاورپوینت) یا نماهنگ (کلیپ) های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ «إِزْدَادًا» در اصل «إِزْتَيْدًا» بوده است. إِزْتَيْدًا، إِزْدَيْدًا، إِزْدَادًا.

۲ دلیل وجود جیم در دیباج این است که در زبان پارسی کهن همانند زبان کردی حرف گ در انتهای برخی کلمات وجود داشته است؛ مثال بیشتر: تازگ: طازج، بَنَفْسَج: بَنَفْسَج، بَرَنامگ: بَرَنامج، نَمودگ: نمودج، روزنامگ: رُزنامج، دیباگ: دیباج و ...

۳ دکتر محمد التونجی نویسنده کتاب «معجم المعرّبات الفارسیّة» است. او زاده ۱۳۱۲ خورشیدی برابر با ۱۹۳۳ میلادی در حلب سوریه است. تونجی دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی از دانشگاه تهران گرفت. وی از نامدارترین کسانی است که در زمینه تأثیر ادبیات فارسی بر زبان عربی فصیح و محلی تحقیق کرده است.

۴ برخی کلمات معرّب دارای ریشه فارسی:

جزیة: گزیت	أسوار: سوار
رُستاق: رُستاگ (روستا)	أسوار: دستوار (دستبند)
زَنْجَبیل: زنگپیل	بادزهر: پادزهر
سُرادیق: سراپرده	بَخت: بخت
سِکَنْجَبین: سرکه انگبین	برقع: پرده
سُنْدُس: سندس	بَنَفْسَج: بَنَفْسَج
سَوَسَن: سوسن	بَیدَق: پیادگ (پیاده)
صَوَلجان: چوگان	پسته: فُسْتُق
طازج: تازگ (تازه)	تاج: تاج
طَسْت: تشت	تَباشیر: تَباشیر (مِثْلُ الحَلِیبِ) در عربی طَباشیر گویند.
فالودج: پالودگ (فالوده)	توت: توت (فِرصاد)
قَصعة: کاسه	توتیاء: توتیا
گَعک: کاک (کیک)	جاموس: گاوَمیش

نَرْجِس: نرگس

لَعْل: لال

نِسْرِين: نسرين

مَارِسْتَان: بیمارستان

نِفْط: نفت

مِهْرَجَان: مهرگان (جشنواره)

پاسخ پرسش‌های شما

۱ مَعَ معرب است یا مبنی؟

أما "مَع" فهو ظرفٌ من ظروفِ الأَمَكِنَةِ، ومعناه المَصاحِبَةُ. والذي يدلُّ على أَنَّهُ اسمٌ أَنَّهُ إِذَا أُفرد نُؤن، فيقال: "جاءَ مَعًا." و"أَقْبَلًا مَعًا"، ورَبْمَا أَدخَلُوا عَلَيْهِ حَرْفَ الجَرِّ، قالوا: "جئتُ مِنْ مَعِهِ"، أَي: مِنْ عِنْدِهِ. ولو كان أَداءً، لكانت ساكنةً الأَخِر على حدِّ "هَلْ"، و"قَدَّ"، و"بَلْ"، إِذ لا عَلَّةٌ تُوجِبُ الفِتح، ورَبْمَا ذُهبَ بِها مذهبَ الحرفِ، فَسُكِّنَ آخِرُها. قال الشاعر:

فَرِيشِي مِنْكُمْ وَهَوَايَ مَعَكُمْ ... وَإِنْ كَانَتْ زِيَارَتُكُمْ لِمَا

مَّا اعتقد فيها الحرفية سَكَنها. والقياسُ فيها أَن تكون مبنيةً لَفَرَطٍ إِبهاما، كـ "لَدُنْ"، و"حَيْثُ". وإِنما أُعربت ونُصبت على الظرفية، لأنَّهم تَصَرَّفُوا فيها على حدِّ تَصَرُّفِهِمْ في "عِنْدَ"، فيقولون: «مَعِي مَالٌ»، أَي: هو في مِلْكِي، وَإِنْ كان غائِبًا، كما يُقال: «عِنْدِي مَالٌ».

اسم لِمكان الاصطحاب، أو وقته على حسب ما يليق بالماضف، وتجر (بمن). حكى سيبويه: ذهب من معه، وقرئ «هذا ذكر من معي» أَي من قبلي، وحكى الفراء عن العرب: «إِنَّ الفِضْلَ لِيكون مع القوم ثم يقوم من معهم».

وتقع خبرًا، وصلة، وصفة، وحالًا، ودالة على حضور نحو: «وَ نَجْنِي وَ مَن مَعِي»، وعلى قرب: إن مع اليوم أخاه غد، و حركته حركة إعراب، وكان قياسه البناء، وقد بناه بعضهم على السكون، وهى لغة لربيعة، وغنم بسكونه قبل حركته، ولم يحفظ سيبويه أن السكون لغة، فزعم أنه لا يكون إلا فى الضرورة.

۲ در «أَنْ + لا» ادغام درست است یا فکّ ادغام؟ (أَنْ لا) یا (أَلَّا)

در قرآن به دو شکل آمده است؛ مانند:

﴿وَلَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا

يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا﴾ بقره: ۲۲۹

و بار دیگر مانند این آیه:

﴿حَقِيقٌ عَلَى أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بِبَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي

إِسْرَائِيلَ﴾ اعراف: ۱۰۵

۲ در جمله عليك بذكر الله با توجه به اینکه عليك معنای فعل دارد، آیا یک جار و مجرور

داریم یا دو تا؟

اسم فعل در عربی دو نوع است: منقول و مرتجل؛ و عليك اسم فعل منقول از جار و

مجرور است و متعلق ندارد هرچه باشد جار و مجرور است و از این خارج نمی‌شود.

متون کوتاه برای تمرین در کلاس

(ماذا تفعل؟)

كَانَ لِرَجُلٍ صَدِيقٌ كَاتِبٌ.
سَأَلَ الرَّجُلُ الْكَاتِبَ: «مَاذَا تَفْعَلُ هَذِهِ الْأَيَّامَ؟»
فَقَالَ الْكَاتِبُ: «أَنَا مَشْغُولٌ بِتَأْلِيفِ الْكِتَابِ.»
فَقَالَ صَدِيقُ الْكَاتِبِ: «وَمَا هَلْ بَعَثَ شَيْئاً؟»
قَالَ الْكَاتِبُ: «نَعَمْ؛ بَعَثَ سَجَادَةَ بَيْتِي وَ الثَّلَاجَةَ وَ التَّلْفِيزِيُونَ.»

(أقربُ طريق)

قَالَ شَخْصٌ لِجُحَا: أَيْنَ أَقْرَبُ طَرِيقِ الْمُسْتَشْفَى؟
فَقَالَ جُحَا: قِفْ فِي وَسْطِ الشَّارِعِ تَصِلْ بِسُرْعَةٍ.
(جُحَا وَ بَائِعُ الْحَلِيبِ الْعَشَّاشُ)
قَالَ جُحَا لِبَائِعِ الْحَلِيبِ الْعَشَّاشِ: «أَطْلُبُ كِيلُواً مِنَ الْحَلِيبِ.»
فَقَالَ بَائِعُ الْحَلِيبِ: «لَكُنِّي أَشَاهِدُ مَعَكَ وَعَائِنِي يَا جُحَا؟»
فَقَالَ جُحَا: حَتَّى تَجْعَلَ الْحَلِيبَ فِي وَعَاءٍ وَ الْمَاءَ فِي وَعَاءٍ آخَرَ.

(أربَعُ مَلَاعِق)

قَالَ الطَّبِيبُ لِلْبُخَيْلِ: اشْرَبْ مِنْ هَذَا الدَّوَاءِ أَرْبَعَ مَلَاعِقَ كُلَّ يَوْمٍ.
فَأَجَابَ الْبُخَيْلُ: لَكِنْ يَا دُكْتُورَ، لَيْسَ عِنْدِي إِلَّا مِلْعَقَتَانِ فَقَط. فَمَا هُوَ الْحُلُّ؟ مَاذَا أَفْعَلُ؟

(حَظِّي سَيِّئٌ)

قَالَ الْبُخَيْلُ لِصَدِيقِهِ: حَظِّي سَيِّئٌ.
فَقَالَ صَدِيقُهُ: لِمَاذَا حَظُّكَ سَيِّئٌ؟!

فَأَجَابَ الْبَخِيلُ: لِأَنَّ الصَّيْدَلِيَّةَ الَّتِي جَنَبَ بَيْتَنَا أَعْلَنْتْ عَن تَخْفِيضَاتٍ و لَيْسَ فِينَا أَحَدٌ مَرِيضٌ.

(التَّمَنَّى)

إِصْطَحَبَ أَحْمَقَانِ، و بَيْنَمَا هُمَا يَمَشِيَانِ فِي الطَّرِيقِ يَوْمًا قَالَ أَحَدُهُمَا لِالْآخَرِ: مَا هُوَ تَمَنِّيكَ؟

فَقَالَ الْأَوَّلُ: أَتَمَنَّى أَنْ يَكُونَ لِي قَطِيعٌ مِّنَ الْعَنَمِ عَدَدُهُ أَلْفٌ.
و قَالَ الثَّانِي: أَتَمَنَّى أَنْ يَكُونَ لِي قَطِيعٌ مِّنَ الدُّنَابِ عَدَدُهُ أَلْفٌ لِتَأْكُلَ أَغْنَامَكَ، فَغَضِبَ الْأَوَّلُ وَ شَتَمَهُ ثُمَّ تَضَارَبَا، مَرَّ جُحَا وَ سَأَلَهُمَا عَن سَبَبِ نِزَاعِهِمَا. فَحَكَا لَهُ قِصَّتَهُمَا وَ كَانَ جُحَا يَحْمِلُ قِدْرَيْنِ مَمْلُوءَيْنِ بِالْعَسَلِ فَانزَلَ الْقِدْرَيْنِ وَ كَبَّهُمَا عَلَى الْأَرْضِ وَ قَالَ لَهُمَا أَرَأَيْتَ اللَّهُ دَمِي مِثْلَ هَذَا الْعَسَلِ إِنْ لَمْ تَكُونَا أَحْمَقَيْنِ!

(سَيَّارَةُ الْأَيْسِ كَرِيمِ)

قَالَ بَخِيلٌ لِأَبْنَائِهِ: مَنْ يَنْجَحُ مِنْكُمْ فَسَارِيهِ سَيَّارَةُ الْأَيْسِ كَرِيمِ.

(لَاتَغْسِلُونِي)

مَاتَ بَخِيلٌ يَوْمًا. شَاهَدُوا وَصِيَّتَهُ كَانَ مَكْتُوبًا فِيهَا: «أَنَا سَبَحْتُ أَمْسٍ فَلَاتَغْسِلُونِي».

(سَبَبُ الْقَحْطِ)

شَاهَدَ رَجُلٌ سَمِينٌ، رَجُلًا نَحِيفًا فِي الْقِطَارِ وَ سَخِرَ مِنْهُ وَ قَالَ لَهُ:

«أَسَمِعْتَ أَنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ صَارَ فِي الْبَلَدِ قَحْطٌ»!؟

أَجَابَ النَّحِيفُ: «نَعَمْ؛ سَمِعْتُ وَ يَقُولُونَ أَيضًا أَنَّكَ سَبَبُ الْقَحْطِ»!

(يَدِي أَطُولُ)

الأمُّ: «لَاتَمُدَّ يَدَكَ إِلَى انْتِهَاءِ الطَّوَالَةِ؛ أَمَا عِنْدَكَ لِسَانٌ لَتَقُولَ لِي مَاذَا تَطْلُبُ؟!»
 الابنُ: «نَعَمْ يَا أُمِّي؛ وَلَكِنِّي أَعْتَقِدُ أَنَّ يَدِي أَطُولُ مِنْ لِسَانِي».

(تَنَاوُلُ الْفَاكِهَةِ بِقَشْرِهَا)

قَالَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ: «عَلَيْكَ بِتَنَاوُلِ الْفَاكِهَةِ بِقَشْرِهَا؛ لِأَنَّهَا تَكُونُ بِقَشْرِهَا أَكْثَرَ فَائِدَةً».
 فَقَالَ الْمَرِيضُ: «عَلَى عَيْنِي يَا دُكْتور؛ سَأَفْعَلُ ذَلِكَ».
 قَالَ الطَّبِيبُ: «وَالآنَ قُلْ لِي أَيُّ فَاكِهَةٍ تُحِبُّ؟»
 قَالَ الْمَرِيضُ: «الْمُورَ وَالْجُوزَ وَالْحَبْحَبَ وَالْأُنَاسَ».

(كَلِمَةُ سُكَّرٍ)

الْمُدْرَسُ: «قُلْ لِي جُمْلَةً فِيهَا كَلِمَةُ سُكَّرٍ».
 التَّلْمِيزُ: «شَرِبْتُ الشَّايَ الْحَارَّ».
 الْمُدْرَسُ: «وَلَكِنْ أَيْنَ كَلِمَةُ السُّكَّرِ فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ؟!»
 التَّلْمِيزُ: «ذَابَتْ فِي الشَّايِ الْحَارِّ، يَا سَيِّدِي».

(الْقِسْطُ الْآخِرُ)

قَالَتِ السَّيِّدَةُ لِصَاحِبِ الْمَتَجَرِ: «جِئْتُ لِأَعْطِيَ آخَرَ قِسْطٍ لِثَمَنِ عَرَبَةِ طِفْلِي».
 قَالَ صَاحِبُ الدُّكَانِ: «كَيْفَ حَالُ ابْنِكَ؟»
 فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ: «إِنَّهُ بِخَيْرٍ؛ عَرَسُهُ فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ».

(الْمُدْرَسَةُ اللَّيْلِيَّةُ)

الْأَوَّلُ: «رَجَاءً، اقْرَأْ لِي هَذِهِ الرَّسَالَةَ».

الثانی: «أَسِفُ؛ لا أُقَدِّرُ القِرَاءَةَ فِي النَّهَارِ».
الأوَّلُ {مُتَعَجِّبًا}: «قُلْ لِي لِمَاذَا؟! هَذَا عَجِيبٌ جِدًّا».
الثانی: «لِأَنَّي دَرَسْتُ فِي مَدْرَسَةٍ لَيْلِيَّةٍ».

(التَّلمِيزُ الفَائِزُ)

الأبُّ {مُتَعَجِّبًا}: «يا وَكِدُ، كَيْفَ كُنْتَ تَقُولُ لِي دَائِمًا أَنْتَ أَوَّلُ فِي المَدْرَسَةِ وَ أَنْتَ راسِبٌ فِي كُلِّ الإِمْتِحاناتِ؟!»
الوَلَدُ: «يا بابا، أَنَا أَوَّلُ فِي الخُرُوجِ مِنْ بابِ الصَّفِّ وَ المَدْرَسَةِ».

(فَتَّشَنِي)

ضابطُ الشَّرْطَةِ: «أَ أَنْتَ الَّذِي سَرَقْتَ السَّيَّارَةَ؟»
السَّارِقُ: «طَبَعًا لا؛ فَتَّشَنِي؛ إِذَا لا تُصَدِّقُ كَلَامِي».

(أَوَّلُ عَمَلِيَّةٍ جِراحِيَّةٍ)

المَرِيضُ: «يا دُكْتور، أَنَا خائِفٌ جِدًّا».
الطَّيْبُ: «لِمَاذَا أَنْتَ خائِفٌ؟»
المَرِيضُ: «لِأَنَّهُ هَذَا أَوَّلُ مَرَّةٍ فِي حَيَاتِي أَعْمَلُ عَمَلِيَّةً جِراحِيَّةً».
الطَّيْبُ: «لا تَقْلِقْ. أَنَا مِثْلَكَ أَيضًا. هَذَا أَوَّلُ عَمَلِيَّةٍ جِراحِيَّةٍ أَعْمَلُهَا».

(لا تَبْكِي)

قالَتِ الجَدَّةُ لِحَفِيدَتِهَا: «لا تَبْكِي؛ لِأَنَّهُ سَيُصْبِحُ وَجْهُكَ بَشَعًا إِذَا تَبَكَيْتِ».
سَكَتَتِ الطِّفْلَةُ وَ سَأَلَتْ بِرِاءَةٍ: «هَلْ أَنْتِ بَكَيْتِ كَثِيرًا يا جَدَّتِي؟!»

(الذَّهَابُ إِلَى الْقَمَرِ)

قَالَتْ مُعَلِّمَةُ الْجُغْرَافِيَّةِ لِلتَّلَامِيذِ بَعْدَ شَرْحِ دَرَسِ الْقَمَرِ:

«مَنْ مِنْكُمْ يُحِبُّ الذَّهَابَ إِلَى الْقَمَرِ؟»

رَفَعَ كُلُّ التَّلَامِيذِ أَيْدِيهِمْ إِلَّا وَاحِدًا.

فَقَالَتْ الْمُعَلِّمَةُ: «يَا هَاشِمُ، لِمَاذَا لَا تُحِبُّ الذَّهَابَ إِلَى الْقَمَرِ؟»

فَقَالَ هَاشِمٌ: «لَأَنَّ أَبِي قَالَ لِي: بَعْدَ خُرُوجِكَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ ارْجِعْ إِلَى الْبَيْتِ مُبَاشَرَةً».

(أَكْبَرُ حَيَوَانٍ)

طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ أَحَدِ تَلَامِيذِهِ أَنْ يَرَسِمَ أَكْبَرَ حَيَوَانٍ فِي الْعَالَمِ عَلَى السَّبُورَةِ.

أَحَدُ التَّلَامِيذِ رَسَمَ نُقْطَةً صَغِيرَةً؛ فَسَأَلَهُ الْمُدْرَسُ: «مَا هَذَا؟!»

فَأَجَابَ الطَّالِبُ: «هَذَا فَيْلٌ يَأْتِي مِنْ بَعِيدٍ».

(بَعِيدَةٌ)

سَأَلَ تَلْمِيذٌ زَمِيلَهُ: «هَلْ أَفْغَانِسْتَانُ بَعِيدَةٌ عَن مَدْرَسَتِنَا؟»

أَجَابَ زَمِيلَهُ: «لَا أَطْنُ؛ لِأَنَّهُ فِي صَفْنَا تَلْمِيذٌ أَفْغَانِيٌّ يَأْتِي مِنْ بَيْتِهِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ كُلَّ صَبَاحٍ عَلَى

دَرَاجَتِهِ».

(سَبَبُ التَّأخِيرِ)

قَالَتْ الْأُمُّ لِابْنِهَا الصَّغِيرِ بَعْضَ:

«لِمَاذَا تَأَخَّرْتَ؟ أَمَا قُلْتَ لَكَ ارْجِعْ مِنَ الْبُقَالَةِ بِسُرْعَةٍ؟»

فَقَالَ الْإِبْنُ: «نَعَمْ يَا مَامَا، وَلَكِنْ مَا قُلْتَ لِي أَنْ أَذْهَبَ بِسُرْعَةٍ!»

(الْوَحِيدُ فِي الْإِجَابَةِ)

الْإِبْنُ: «هَلْ تَعَلَّمُ يَا أَبِي أَنَّنِي الطَّالِبُ الْوَحِيدُ الَّذِي أَجَابَ عَلَيَّ سَوَالِ الْمُعَلِّمِ الْيَوْمَ؟»
الْأَبُ: «وَمَا هُوَ السُّؤَالُ؟»
الْإِبْنُ: «مَنْ الَّذِي مَا كَتَبَ وَاجِبَهُ؟»

(أَنَا أَبِي)

الطَّالِبُ (عَلَى الْهَاتِفِ): «إِبْنِي مُصَابٌ بِبَرْدٍ شَدِيدٍ وَلَا يَقْدِرُ أَنْ يَأْتِيَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ الْيَوْمَ.»
مُسَاعِدُ الْمُدِيرِ: «مَنْ يَتَكَلَّمُ مَعِي؟ مَنْ أَنْتَ؟»
الطَّالِبُ: «أَنَا أَبِي؛ يَا سَيِّدِي.»

(الرَّجُلُ)

قَالَ الْأَبُ لِابْنِهِ الصَّغِيرِ: «يَجِبُ أَنْ تَأْكُلَ كَثِيرًا حَتَّى تُصْبِحَ رَجُلًا.»
الْإِبْنُ: «مَا مَعْنَى رَجُلٍ يَا أَبَا؟»
الْأَبُ: «الرَّجُلُ هُوَ الْأَقْوَى وَهُوَ الَّذِي يَحْكُمُ فِي الْبَيْتِ.»
الْإِبْنُ: «يَعْنِي يَجِبُ أَنْ أُصْبِحَ رَجُلًا مِثْلَ مَامَا.»

(الْوَدَاعُ)

الْأُسْتَاذُ: «لِمَاذَا مَا جِئْتَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ أَمْسٍ يَا حُسَيْنُ؟»
حُسَيْنُ: «كُنْتُ أَحْلَمُ أَنَّنِي مُسَافِرٌ.»
الْأُسْتَاذُ: «وَأَنْتَ يَا جَوَادُ لِمَاذَا مَا جِئْتَ؟»
جَوَادُ: «كُنْتُ أَوْدَعُهُ يَا أُسْتَاذُ.»

(وَقْتُ الْعِشَاءِ)

كَانَ رَجُلٌ بَخِيلٌ فِي بَيْتِ صَدِيقِهِ الْبَخِيلِ وَ سَأَلَهُ: «فِي أَيِّ سَاعَةٍ سَتَأْكُلُونَ الْعِشَاءَ؟»
أَجَابَ: «عِنْدَمَا أَنْتَ تَخْرُجُ مِنَ الْبَيْتِ».

(انجَحُ)

قَالَ بَخِيلٌ لِابْنِهِ: «انجَحْ هَذِهِ السَّنَةَ وَ أَنَا أَشْتَرِي لَكَ كُرَّةً».
حَاوَلَ الْوَلَدُ وَ نَجَحَ. أَبُوهُ اشْتَرَى لَهُ كُرَّةً. وَ قَالَ لَهُ: «إِنْ تَنجَحُ فِي السَّنَةِ الْقَادِمَةِ أَيْضاً؛ أَنْفَخْتُهَا لَكَ».

(بَيْتٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ)

كَانَ رَجُلٌ بَخِيلٌ وَ ابْنُهُ الصَّغِيرُ يَمْشِيَانِ حَلْفَ جِنَازَةِ أَحَدِ الْمَوْتَى، وَ سَمِعَا صَوْتَ زَوْجَةِ الْمَيِّتِ وَ هِيَ تَصِحُّ بِاِكْيَةٍ:
«سَيَذْهَبُونَ بِكَ إِلَى بَيْتٍ لَيْسَ فِيهِ فِرَاشٌ وَ لَا مَاءٌ وَ لَا طَعَامٌ.» وَ عَلَى الْفَوْرِ قَالَ الْوَلَدُ لِأَبِيهِ:
«يَا أَبِي، هَلْ يَذْهَبُونَ بِهِ إِلَى بَيْتِنَا؟»

(مُتَسَبِّحٌ)

مَاتَ رَجُلٌ بَخِيلٌ وَ شَاهَدُوا وَصِيَّتَهُ مَكْتُوباً فِيهَا: «أَنَا مُتَسَبِّحٌ؛ لَا تَغْسِلُونِي».

(الْأَسْنَانُ)

الطِّفْلُ: «هَلْ لَكَ أَسْنَانٌ يَا جَدِّي؟»
الْجَدُّ: «لَا، يَا وَلَدِي؛ لَيْسَ لِي أَسْنَانٌ».
الطِّفْلُ: «إِذَنْ، احْتَفِظْ لِي بِهَذِهِ التُّفَاحَةِ حَتَّى أَرْجِعَ».

(الرَّحَامُ)

جَلَسَ أَحَدُ الْبُخْلَاءِ مَعَ زَوْجَتِهِ يَأْكُلَانِ الْعَدَاءَ فِي قَدْرِ.
فَقَالَ لِزَوْجَتِهِ: «مَا أَطِيبَ الْعَدَاءَ لَوْلَا الرَّحَامُ!»
فَقَالَتْ زَوْجَتُهُ: «أَيُّ زِحَامٍ وَلَا يُوَجَدُ إِلَّا أَنَا وَ أَنْتَ؟!»
فَأَجَابَ الزَّوْجُ الْبُخِيلُ: «كُنْتُ أَتَمَنَّى لَوْ كُنْتُ أَنَا وَ الْقَدْرُ فَقَطْ!»

(مُشَاهَدَةُ الْمَطْعَمِ)

قَالَ رَجُلٌ بَخِيلٌ لِأَوْلَادِهِ:
«إِذَا نَجَحْتُمْ فِي الامْتِحَانَاتِ؛ سَوْفَ نَذْهَبُ إِلَى الْمَطْعَمِ لِمُشَاهَدَةِ الْأَوْلَادِ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ
الطَّعَامَ.»

(أُتَعْرِفُنِي)

نَزَلَ غَبِيٌّ مِنْ بُرْجٍ مُرْتَفِعٍ؛ عِنْدَ النُّزُولِ شَاهَدَ النَّاسَ الَّذِينَ كَانُوا فِي الْأَسْفَلِ؛ فَرَأَهُمْ صِغَارًا
جِدًّا؛ فَرَكَّزَ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ وَ كَلَّمَا كَانَ يَنْزِلُ مِنْ طَائِقٍ إِلَى طَائِقٍ؛ كَانَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ كَانَ يُشَاهِدُ
حَجْمَهُ يَكْبُرُ حَتَّى وَصَلَ إِلَى الْأَرْضِ؛ فَذَهَبَ وَ حَضَنَ الرَّجُلَ وَ سَلَّمَ عَلَيْهِ.
فَسَأَلَهُ الرَّجُلُ مُتَعَجِّبًا: «أُتَعْرِفُنِي؟!»
فَأَجَابَ: «طَبْعًا؛ يَا رَجُلُ، أَعْرِفُكَ مُنْذُ كُنْتُ صَغِيرًا جِدًّا.»

(عُدَّ إِلَى خَمْسِمِائَةٍ)

كَانَ رَجُلٌ مُصَابًا بِأَرْقِي. قَالَ صَدِيقُهُ لَهُ:
«عُدَّ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى خَمْسِمِائَةٍ ثُمَّ تَشَعَّرْ بِالنُّعَاسِ وَ تَشَعَّرْ بِالنُّومِ.»
فَأَخَذَ يَعُدُّ حَتَّى وَصَلَ إِلَى مِائَةٍ وَ عِشْرِينَ وَ شَعَرَ بِالنُّعَاسِ؛ فَقَامَ يَغْسِلُ وَجْهَهُ حَتَّى يَصِلَ
إِلَى خَمْسِمِائَةٍ.

(إِلَى أَيْنَ)

سَأَلَتِ الْأُمُّ وَلَدَهَا: «إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ»؟

فَأَجَابَ: «لِمَاذَا أَقُولُ لَكَ وَ أَنَا حُرٌّ»!

ثُمَّ خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ؛ فَسَأَلَهُ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ: «إِلَى أَيْنَ»؟

فَأَجَابَ: «مَا قُلْتُ لِأُمِّي؛ كَيْفَ أَقُولُ لَكَ»!؟

(الْمُفَاجَأَةُ)

شَرِبَ وَلَدٌ صَغِيرٌ الدَّوَاءَ قَبْلَ مَوْعِدِهِ.

وَالِدُهُ سَأَلَهُ: «لِمَاذَا شَرِبْتَ قَبْلَ مَوْعِدِهِ»!؟

قَالَ الْوَلَدُ: «حَتَّى أَفَاجِيَ الْجَرَائِمَ».

(مَاذَا يَبْقَى؟)

كَانَ الْأَوْلَادُ جَالِسُونَ فِي جَلْسَةِ امْتِحَانِ الرِّيَاضِيَّاتِ. أَحَدُ التَّلَامِيذِ كَانَ لَا يَعْرِفُ جَوَابَ (... = 4-4)

سَاعَدَهُ الْمُعَلِّمُ وَ قَالَ لَهُ: «يَعْنِي عِنْدَكَ أَرْبَعُ بُرْتُقَالَاتٍ وَ تَأْكُلُ كُلَّهَا؛ وَ الْآنَ قُلْ لِي مَاذَا يَبْقَى»؟

أَجَابَ التَّلْمِيذُ: «يَبْقَى الْقِشْرُ».

(ضَابِطُ الشَّرْطَةِ وَ الْحَرَامِيُّ)

سَأَلَ ضَابِطُ الشَّرْطَةِ حَرَامِيًّا: «أَيْنَ أَنْتَ سَاكِنٌ»؟

فَأَجَابَ الْحَرَامِيُّ: «أَنَا سَاكِنٌ مَعَ أَخِي».

فَقَالَ الضَّابِطُ: «أَيْنَ أَخُوكَ سَاكِنٌ»؟

فَقَالَ الْحَرَامِيُّ: «هُوَ سَاكِنٌ مَعِي».

قَالَ الضَّابِطُ: «أَيْنَ أَنْتُمَا سَاكِنَانِ»؟

قَالَ الْحَرَامِيُّ: «مَعَ بَعْضٍ».

(إِطَاعَةُ الْأَمْرِ)

قَالَ الْمُعَلِّمُ لِتَلَامِيذِهِ: «افْعَلُوا مَا أَفْعَلُ».

ثُمَّ بَدَأَ بِالْكِتَابَةِ عَلَى السَّبُورَةِ؛ وَ الْأَوْلَادُ كَتَبُوا كُلُّهُمْ؛ ثُمَّ مَسَحَ الْمُعَلِّمُ السَّبُورَةَ؛ فَمَزَّقَ أَحَدُ التَّلَامِيذِ وَرَقَهُ.

(خَدْعُ صَاحِبِ الْبِقَالَةِ)

دَخَلَ وَلَدُ الْبِقَالَةِ ثُمَّ خَرَجَ وَ صَحِكَ. سَأَلَهُ صَدِيقُهُ: «لِمَ إِذَا تَضَحَّكَ»؟

فَقَالَ: «خَدَعْتُ صَاحِبَ الْبِقَالَةِ».

فَقَالَ: «كَيْفَ خَدَعْتَهُ»؟!

فَأَجَابَ: «أَعْطَيْتُهُ النُّقُودَ وَلَكِنِ مَا اشْتَرَيْتُ شَيْئاً».

(فَقَطْ دَقِيقَةٌ وَاحِدَةٌ)

قَالَتِ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا:

«أَذْهَبُ عِنْدَ الْجَارَةِ دَقِيقَةً وَاحِدَةً؛ رَجَاءً، حَرَكِ الْقِدْرَ فِي كُلِّ خَمْسِ دَقَائِقِ مَرَّةً وَاحِدَةً حَتَّى

سَاعَتَيْنِ».

(أَنَا مَيِّتٌ)

إِخْتَبَأَ حَرَامِيٌّ فِي قَبْرِ مَفْتُوحٍ؛ فَشَاهَدَهُ الشُّرْطَةُ؛ فَأَرَادَ أَنْ يَهْرُبَ وَ قَالَ لَهُمْ:

«أَنَا مَيِّتٌ وَ خَرَجْتُ حَتَّى أَشَمَّ الْهَوَاءَ».

(الْمَشَى خَمْسَةَ كِيلُومِتْرَاتٍ)

ذَهَبَ رَجُلٌ سَادَجٌ إِلَى الطَّبِيبِ. قَالَ الطَّبِيبُ لَهُ:

«امْشِ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَةَ كِيلُومِتْرَاتٍ».

بَعْدَ سَبْعِينَ يَوْمًا اتَّصَلَ الرَّجُلُ السَّادِجُ هَاتِفِيًّا وَ قَالَ:

«يَا دَكْتُورَ، أَنَا وَصَلْتُ إِلَى الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ. مَاذَا أَفْعَلُ الْآنَ؟»

(صُورَةٌ أَكْبَرَ حَيَوَانٍ)

طَلَبَ الْمُدْرَسُ مِنْ أَحَدِ تَلَامِيذِهِ أَنْ يَرَسُمَ أَكْبَرَ حَيَوَانٍ عَلَى السَّبُورَةِ.

فَقَامَ أَحَدُ التَّلَامِيذِ وَ رَسَمَ نُقْطَةً صَغِيرَةً.

تَعَجَّبَ الْجَمِيعُ وَ سَأَلَهُ الْمُعَلِّمُ «مَا هَذَا؟!»

فَأَجَابَ الطَّالِبُ: «هَذَا فَيْلٌ جَاءَ مِنْ بَعِيدٍ».

(أَنَا آسِفٌ)

قَالَ طِفْلٌ لِخَالَتِهِ: «يَا قَبِيحَةً!»

فَعَنَفَتْهُ وَالِدَتُهُ وَ أَجْرَتْهُ أَنْ يَعْتَدِرَ.

فَقَالَ الطُّفْلُ لِخَالَتِهِ: «أَنَا آسِفٌ بِأَنَّكَ قَبِيحَةٌ».

(الْأَشْيَاءُ الْمُهِمَّةُ)

قَالَتِ الْأُمُّ لِطِفْلِهَا: «ضَعِ الْأَشْيَاءَ الْمُهِمَّةَةَ فِي الصُّنْدُوقِ وَ أَقْفَلْهُ عَلَيْهَا».

فَوَضَعَ الطُّفْلُ الْمِفْتَاحَ فِي الصُّنْدُوقِ وَ أَقْفَلَهُ عَلَيْهَا.

(أَتَعْرِفُ اسْمِي؟)

ذَهَبَ شَخْصٌ لِزِيَارَةِ صَدِيقِهِ، وَ عِنْدَمَا صَغَطَ زِرَّ الْجَرَسِ؛ خَرَجَ ابْنُهُ الصَّغِيرُ وَ قَالَ لَهُ:

«السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا وَالدُّ. أَبُوكَ مَوْجُودٌ؟»

قَالَ الْوَالِدُ: «نَعَمْ مَوْجُودٌ».

فَقَالَ لَهُ: «طَیِّبٌ؟ أَمْ تَعْرِفُ اسْمِي؟»

فَذَهَبَ الْوَالِدُ إِلَى أَبِيهِ بِسُرْعَةٍ وَ قَالَ لَهُ: «بَابَا، أَحَدُ الْأَشْخَاصِ عِنْدَ الْبَابِ لَا يَعْرِفُ اسْمَهُ».

(الرَّجُلُ الَّذِي يَصِيحُ)

ذَهَبَ طِفْلٌ إِلَى أُمِّهِ وَ قَالَ لَهَا: «مَامَا، أَعْطِنِي نُقُودًا حَتَّى أُعْطِيَهَا لِرَجُلٍ يَصِيحُ فِي الشَّارِعِ».

فَرِحَتِ الْأُمُّ لِقَلْبِ طِفْلِهَا الطَّيِّبِ وَ أَعْطَتْهُ النُّقُودَ. ثُمَّ سَأَلَتْهُ: «لِمَاذَا يَصِيحُ هَذَا الرَّجُلُ يَا

وَلَدِي؟»

أَجَابَ الطِّفْلُ: «إِنَّهُ يَصِيحُ مُرْطَبَاتٍ؛ مُرْطَبَاتٍ».

(ثَلَاثَةُ حَيَوَانَاتٍ)

الْمُعَلِّمُ: «أَذْكَرُ لِي ثَلَاثَةَ حَيَوَانَاتٍ تُعْطِنَا الْحَلِيبَ».

الْتَّلْمِيزُ: «ثَلَاثُ بَقَرَاتٍ».

(السَّجَانُ)

قَالَ السَّجَانُ لِلْمُجْرِمِ الَّذِي كَانَ قَدْ دَخَلَ السَّجْنَ مِنْذُ بَضْعَةِ أَيَّامٍ:

«هَذَا السَّجْنُ، سِجْنٌ مِثَالِي. نَحْنُ نَسْتَخْدِمُ السُّجْنَاءَ فِي نَفْسِ الشُّغْلِ الَّذِي كَانُوا مَشْغُولِينَ بِهِ

قَبْلَ دُخُولِهِمْ فِي السَّجْنَ، مَاذَا كَانَتْ مِهْنَتُكَ فِي الْمَاضِي؟»

أَجَابَ السَّجِينُ بِتَبَسُّمٍ: «كُنْتُ حَارِسًا جَنَبَ مَدْخَلِ بِنَاءٍ».

(جَمْعُ الشَّجَرَةِ)

المعلم: ما هو جَمْعُ «الشَّجَرَةِ»؟

التلميذ: «الغابة» يا أستاذ.

(السَّمَاءُ الْمُمَطَّرَةُ)

قالت الوالدة لِطِفْلَتِهَا: «إِذْهَبِي إِلَى سَاحَةِ الْبَيْتِ وَ انْظُرِي أَ صَافِيَةً السَّمَاءُ أَمْ غَائِمَةً؟»

ذَهَبَتِ الطُّفْلَةُ ثُمَّ رَجَعَتْ وَ قَالَتْ:

«أَسِفَةٌ يَا وَالِدَتِي، لِأَنِّي مَا قَدَرْتُ أَنْ أَنْظُرَ إِلَى السَّمَاءِ؛ لِأَنَّ الْمَطَرَ كَانَ شَدِيدًا».

(اشْرَبْ بِنَفْسِكَ)

تَعَبَتِ الْأُمُّ مِنْ أَعْمَالِ الْبَيْتِ. فَذَهَبَتْ إِلَى غُرْفَتِهَا لِلِاسْتِرَاحَةِ. فَجَاءَهُ صَاحٌ وَكَلَّمَهَا:

«مَآ، أُرِيدُ كَاسًا مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ».

قَالَتِ الْأُمُّ: «أَنَا تَعِبَةٌ. إِذْهَبْ وَ اشْرَبِ الْمَاءَ بِنَفْسِكَ».

صَاحَ الْوَالِدُ مَرَّةً أُخْرَى: «أُرِيدُ الْمَاءَ».

فَقَالَتِ الْأُمُّ: «اشْرَبْ بِنَفْسِكَ وَ إِلَّا أَضْرِبُكَ».

بَعْدَ قَلِيلٍ قَالَ الْوَالِدُ: «مَآ، عِنْدَمَا جِئْتُ لِتَضْرِبِي؛ أَحْضِرِي كَاسًا مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ».

(إِبْتِلَاحُ دِرْهَمٍ)

قَالَ الطُّفْلُ لِوَالِدِهِ مَتَعَجِّبًا:

«عَجَبًا مِنْ وَالِدِ صَدِيقِي! كَمْ هُوَ بَخِيلٌ؟! أَقَامَ الدُّنْيَا عِنْدَمَا إِبْتَلَعَ صَدِيقِي دِرْهَمًا».

(جَرُّ الذَّيْلِ)

قَالَتِ الْوَالِدَةُ لِابْنِهَا الصَّغِيرِ: «إِنْ تَضْرِبِ الْقِطَّةَ؛ فَسَأَضْرِبُكَ وَ إِنْ تَجَرَّ أَذُنُهَا؛ أَجْرٌ أَدْنَكَ.»
فَقَالَ الْإِبْنُ: «وَ إِنْ أَجْرٌ ذَيْلُهَا؛ مَاذَا تَفْعَلِينَ؟»

(كَذَّابَانِ)

الْكَذَّابُ الْأَوَّلُ: «عِنْدِي بِنَاءٌ مِنْ مِثَّةٍ طَابِقٍ! الطَّابِقُ الْمِثَّةُ فَوْقَ السَّحَابِ!»
الْكَذَّابُ الثَّانِي: «هَذَا أَمْرٌ بَسِيطٌ. عِنْدِي حِمَارٌ كَبِيرٌ؛ أَرْجُلُهُ عَلَى الْأَرْضِ وَ رَأْسُهُ فِي السَّحَابِ.»
الْكَذَّابُ الْأَوَّلُ: «وَ كَيْفَ تَرَكَبْتَ هَذَا الْحِمَارَ؟!»
الْكَذَّابُ الثَّانِي: «أَدَهَبُ فَوْقَ سَطْحِ بِنَائِكَ.»

(أَيْنَ كِتَابُكَ؟)

سَأَلُوا رَجُلًا سَادَجًا كَانَ يَدَّعِي النُّبُوَّةَ: أَنْتَ تَدَّعِي النُّبُوَّةَ. فَأَيْنَ كِتَابُكَ؟
أَجَابَ: «لَيْسَ عِنْدِي كِتَابٌ؛ وَلَكِنْ عِنْدِي مِلْزَمَةٌ.»

(غِطَاءُ الرَّأْسِ)

مِنْ أَفْضَلِ الطَّرِيقِ الَّتِي تَجْعَلُكَ تُحْسِنُ بِالذَّفَاءِ أَنْ تَلْبَسَ غِطَاءً فَوْقَ رَأْسِكَ. فَمُعْظَمُ حَرَارَةِ
الْجِسْمِ تَتَسَرَّبُ مِنْ قِمَّةِ الرَّأْسِ.

(فَكُّ التَّمْسَاحِ)

إِنَّ فَكَّ التَّمْسَاحِ قَوِيٌّ إِلَى دَرَجَةٍ أَنْهُ يَكْسِرُ الْعِظَامَ بِسَهُولَةٍ. وَلَكِنْ هَذِهِ الْقُوَّةُ عِنْدَمَا يُرِيدُ
إِغْلَاقَ فَمِهِ فَقَط. أَلْعَضَلَاتُ الَّتِي تَفْتَحُ فَمَ التَّمْسَاحِ ضَعِيفَةٌ إِلَى دَرَجَةٍ أَنْكَ تَسْتَطِيعُ إِبْقَاءَ فَمِهِ
مُغْلَقًا بِيَدٍ وَاحِدَةٍ وَلَكِنْ مَنْ لَهُ الْجُرْأَةُ عَلَى ذَلِكَ؟

(شَمْسُ مُنْتَصَفِ اللَّيْلِ)

في أَقْصَى شَمَالِ النُّزُوجِ لَا تَعْرُبُ الشَّمْسُ فِي الْمُدَّةِ مِنَ الثَّلَاثِ عَشَرَ مِنْ شَهْرِ May حَتَّى الْحَادِي وَ الثَّلَاثِينَ مِنْ شَهْرِ July وَ هَذَا مَعْنَاهُ أَنَّكَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى الشَّمْسَ فِي مُنْتَصَفِ اللَّيْلِ.

(بِلَادُ الْبُحَيْرَاتِ)

يُوجَدُ فِي فَنْلندا سِتُّونَ أَلْفَ بُحَيْرَةٍ تَعْطِي عَشْرَةَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَسَاحَةِ الدَّوْلَةِ.

(بَطَاطِسُ مَشُوِيَّة)

هَلْ تَعْتَقِدُ أَنَّهُ مِنَ الْمُمْكِنِ زِرَاعَةُ بَطَاطِسٍ مَشُوِيَّةٍ؟

ذَاتَ مَرَّةٍ جَمَعَ الْفَلَّاحُونَ مَحْصُولَ الْبَطَاطِسِ فِي إِقْلِيمِ نَاتَالِ بِجَنُوبِ إِفْرِيْقِيَا وَ كَانَتْ دَرَجَةُ حَرَارَةِ الشَّمْسِ عَالِيَةً جِدًّا إِلَى دَرَجَةِ أَنَّ الزَّارِعِينَ وَجَدُوا أَنَّ الْبَطَاطِسَ الَّتِي اسْتَخْرَجُوهَا مِنَ الْأَرْضِ مَشُوِيَّةٌ وَ جَاهِزَةٌ لِلْأَكْلِ.

درباره طرح رو و پشت جلد

(نویسنده: سهیلا ملایی یگانه سرگروه آموزشی دوره اول متوسطه استان زنجان)

نگاهی گذرا بر باورهای مذهبی، اعتقادی، هنری و باستانی و سراینده‌گان ادب پارسی ایران
زمین درباره طاووس:

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه در خطبه ۱۶۴ می‌فرماید: شگفت‌انگیزترین پرندگان در آفرینش طاووس است. اگر آن را همانند کنی بدان چه زمین رویانیده، گویی گل‌های بهار است؛ اگر به پوشیدنی همانندسازی همچون حله‌ای است نگارین یا چون برد یمانی زیبا این پرنده بنا به اعتقادی که برگرفته از روایات است حضرت مهدی علیه السلام به عنوان طاووس اهل بهشت معرفی شده است؛ بر روی علم‌های مساجد نیز نقش می‌بندد. نقشی که نه تنها در آثار هنری دوره اسلامی به کار گرفته شده، بلکه این پرنده در روزگار باستان در آیین زرتشت به عنوان مرغی مقدس مورد توجه بوده است. طبری در مورد آتشکده‌ها و پرستشگاه‌های زرتشتی که تا سده سوم هجری باقی بوده است، اشاره می‌کند که در نزدیکی آتشکده بخارا جایگاه ویژه‌ای برای نگهداری طاووس اختصاص داده شده بود و در دوران باستان، معتقد بودند طاووس به دلیل نوشیدن آب حیات، عمر جاودانه یافته است و در آثار دست‌یافته در حفاری‌های باستان‌شناسان چشم‌ماندهایی در دم طاووس مشاهده می‌شود که نماد مزارهایی است که ویژگی آنها جاودانگی و نپوسیدن و تصویرهای منقش صورتگر تداوم حیات و زندگانی است. در بسیاری از آثار دوره ساسانی و دوره‌های بعدی نقش طاووس در تزیینات دیده می‌شود مانند نقش‌های برجسته طاق بستان، پارچه‌ها و لوح‌های گچی تیسفون (دوره ساسانیان)، کلیسای وانک (دوره شاه عباس دوم)، نمای بیرونی کاخ هشت بهشت اصفهان و تزیینات خانه پیرنیا در ناین (دوره صفویان) و مسجد سید (در دوره قاجاریه) و حتی ایوان مسجد اعظم قم و علل حضور این نقش بر پیشانی ایوان ورودی مساجد، مدارس دینی

و امامزاده‌ها در عصر صفویه به ویژه در اصفهان علاوه بر اینکه طاووس را یک مرغ بهشتی می‌دانند شاید همان طوری که در اشعار عطار هم دیده می‌شود به عنوان دربان راهنمای مردم به مسجد باشد و نکته آخر اینکه این مرغ بهشتی را، شاعرانی چون سنایی غزنوی به نفس همانند می‌کنند؛ آن‌گونه که نفس آدمی به سان طاووسی، رفتارهای خود را آن‌چنان زیبا جلوه می‌دهد که انسان را سرمست خود می‌کند و اگر به خود نیاید در زندان دنیا ماندگار می‌شود و از بهشت برین باز می‌ماند و در اشعار تمثیلی منطق الطیر شیخ عطار، یکی از سی مرغ که به سوی سیمرغ می‌شتابد، طاووس می‌باشد که نماینده انسان‌هایی است که عبادت می‌کنند و امیدوارند که به بهشت درآیند و به خاطر غرق شدن در فکر بهشت و نعمات آن، از دیدار حضرت حق در حجاب شده‌اند.

کوتاه سخن اینکه لقب طاووس جبرئیل مرغان است و از آن سوی جبرئیل را طاووس ملائکه نامیده‌اند. آنجا که عبدالرزاق اصفهانی در ستایش پیامبر اسلام ﷺ در ترکیب‌بندی با مطلع «ای از بر سدره شاهره‌ت» چنین می‌سراید:

سرخیل مقربان مریدت

طاووس ملائکه بریدت

